

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۳۴ صفحه

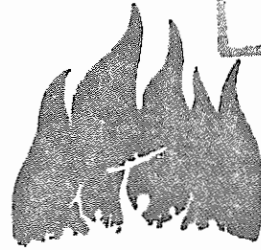
۹۲

# بیکار

بها ۳۰۰ ریال

۱۳۵۹

سال دوم - دوشنبه ۱۳ بهمن



کارگران، زحمتکشان،  
خلقهای قهرمان ایران!

سالگرد قیام خونین

۲۲ بهمن را زیر پرچم

سرخ کمونیستها هرچه باشکوهرتر برگزار کنیم

سرسره مقاله

قیام بهمنی

و ضرورت

رهبری پرولتاریا

هم اکنون دو سال از قیام خونین خلقهای قهرمان ایران میگذرد، قسامی که جانمایا سالیان دراز مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم منفقور بهلوی و علیه فقر و سستی بود که در این مدت از سوی مرتجعین و استعمارگران داخلی و خارجی بر خلقهای ستمدیده ما تحمیل گشته بود. عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ای که منجر به قیام قهرمانان ما نهیمس ۵۷ گردیده از حومه این سخن بیرون است و ما باید در جای دیگری بدان پرداخته شود، آنچه که در اینجا مورد نظر ما است تکیه بر روی تشبیهی از آموزشها و درسیهای این قیام و ما عقدا ما گرانها ترسین آنست، این آموزش و این درس - آموزی که البته به هیچوجه مساله تازه و تجربه نادری نیست و بس - بشین مستوان گفت عماره و چکده تمام می انقلابات بیروز و غیر بیروز در عصر امپریالیسم در آن نهفته است، عمارت استار - ضرورت قطعی رهبری پرولتاریا در انقلابات دمکراتیک در عصر امپریالیسم، ضرورتی که بدون تامین آن کوچک - ترین سحنی از بیروزی انقلاب به مفهوم واقعی آن نمی تواند در میان باشد.

بفنه در صفحه ۲

سندی دیگر از

خرید قطعات یدکی از آمریکا

صفحه ۱۵



کارگران و زحمتکشان قهرمان با ادامه مبارزه دمکراتیک - ضد امپریالیستی خود علیه سرکوبگران انقلاب پرچم مبارزات انقلابی را برافراشته نگاه داشته اند.

مصاحبه "مجاهد" با قاسملو:

ضریه‌ای بر جنبش انقلابی

صفحه ۲۵

رهنمود به  
رقمقای هوادار

در باره برگزاری  
سالگرد قیام ۲۲ بهمن

برای برگزاری هرچه باشکوهر سالگرد قیام تاریخی خلقهای قهرمان ایران لازم است رقمقای هوادار، بدسکات زیر توجه کنند: قبل از هر چیزی حرکت آرایسی درک که قیام باشکوه ۲۲ بهمن، متعلق به طبقه کارگر و خلقهای قهرمان ایران است و نه جناحهای حاکم و روبریونیسیها و دیگر مرتجعین رقمقای هوادار را بدبا تمام موا در جهت برگزاری این روز تاریخی خود را آماده نمایند، آنها با بدنسان دهند و این اده را دروسعترین شکل ممکن بدون طبقه کارگر و زحمتکشان برسد که فقط کسانسی - بفنه در صفحه ۱۴

انقلاب خلق

از ایسالوادور،

بشکستی دیگر

بزرگ امپریالیسم

آمریکا

صفحه ۲۸

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بسیه از صفحه ۱ سرمقاله

ضرورت فوق هما نظور که میدانیم ناشی از خصلت تاریخی ارتجاعی بورژوازی در عصر امپریالیسم و عدم ظرفیت وینا نیل این طبقه در انجام انقلاب دموکراتیک در این عصر است، آغاز دوران امپریالیسم و گنبدگی سرمایه، به معنی پایان دوران انقلابات بورژوازی - دموکراتیک طراز کهن و به عبارت دیگری بیان رهبری بورژوازی برای انقلابات و به معنی آغاز دوران انقلابات دموکراتیک طراز نوین یعنی آغاز دورانی است که امر رهبری پرولتاریا بر این انقلابات، به عنوان امری ضروری و مسلم مطرح میشود. از اینرو انقلاب دموکراتیک در کشورهای وابسته به امپریالیسم، به عنوان جزئی از انقلاب اجتماعی به مفهوم علمی کلمه و مرحله ابتدائی و مقدماتی انقلاب سوسیالیستی در این کشورها و در همین رابطه به عنوان جزئی از انقلاب پرولتاریائی جهانی محسوب میگردد.

ضرورت رهبری پرولتاریا و حزب او در انقلابات دموکراتیک بخاطر تحقق پیروزی آنها است، اگر در کشورهای نیمه مستعمره - نیمه فئودال بر اساس اصل فوق امری ناگزیر و قطعی است، این ضرورت در مورد انقلابات دموکراتیک جوامعی چون ایران که دارای ساخت اقتصادی - اجتماعی سرمایه داری وابسته است و در آن بورژوازی در کلیت خود اعظم از کمپرادورولیسیرال، ارتجاعی بوده و در کمپ ضد انقلاب قرار دارد، به مراتب قطعیت و حتمیت بیشتری پیدا میکند.

در قیام ۲۲ بهمن ۵۷، علیرغم تمامی دلاوریها و جانبازیهای خلق و علیرغم آنکه با راهبسی انقلاب بردوش کارگران و زحمتکشان قیصرار داشت و آنها با اعتصابات، تظاهرات و قیام مسلحانه و شکوهمند خود نشانند، رژیم سلطنتی بهلوی راسرنگون نمایند، معیاداً به خاطر نبود صف مستقل پرولتاریا و تشکیلات رزمنده آن (حزب کمونیست)، این قیام نتوانست به حاکمیت سرولتاریا و زحمتکشان و بنا بودی سیستم سرمایه داری وابسته و سلطه و نفوذ امپریالیسم بر ایران متحرک گردد، ضعف پرولتاریا و عقب ماندگی نیروهای کمونیستی و متفاسلان نفوذگسترده خرده بورژوازی مرفه سنتی و رهبری آن در میان توده ها موجب گردید تا خرده بورژوازی مرفه سنتی و بورژوازی لیبرال در کنار یکدیگر بر امواج جنبش توده ها سوار شده و آنرا از مسیر خود منحرف سازند و درست در شرایطی که توده ها خواستار نابودی ماشین دولتی و ارتش، این ارکان اصلی سرکوب امپریالیسم و رژیم سرمایه داری وابسته شده باشند بودند، از دسازش با امپریالیسمها در آمده و با ممانعت از مسلح شدن توده ها و جلوگیری از نابودی ارس و دیگر ارکانهای اداری رژیمها و اوج خنانت خود را به توده ها و

قیام فهرمانان آنها سان دادند.

ضعف پرولتاریا و نبود صف مستقل آن موجب گردید تا بورژوازی لیبرال با حمایت همه جانبه خرده بورژوازی مرفه سنتی به قدرت خزیده و همراه با یکدیگر قدرت سیاسی را قیسه کنند و به این ترتیب راه را برای ادامه سلطه و نفوذ امپریالیسم و پاسداری و حفظ سیستم سرمایه داری و بسته هموار نمایند. نبود این صف مستقل و عدم کمیت پرولتاریا و زحمتکشان موجب گردید تا میلیونها نفر از توده ها از زحمتکش ما از دست یافتن به اساسی ترین خواسته های خود محروم مانده و همچنان در اسارت ما حبان سرمایه و استعمارگران و در فلاکت و بدبختی روزافزون خود باقی بمانند.

اکنون در ارتباط با مسائل و ملاحظات فوق الذکر و در ادامه توضیح این امل اساسی که بدون رهبری پرولتاریا بر انقلاب دموکراتیک، نمیتواند کوچکترین سخنی از پیروزی انقلاب به مفهوم واقعی آن در میان باشد، باید بگوئیم که شرط اساسی تا مین رهبری پرولتاریا بر انقلاب مسلح شدن آن به ایدئولوژی ظرفیتسئون مارکسیسم و تشکیلات پولادین آن یعنی حزب کمونیست است. حزب کمونیست بزرگترین و برنده ترین سلاح پرولتاریا در مبارزه سرشوست - ساز او علیه سرمایه داری و دیگر مرتجعیتسئون است و به قول رفیق لینین: "پرولتاریا پس از مبارزه برای حاکمیت بجز زمان، سلاح دیگری ندارد" و طبیعتی است تا زمانی که پرولتاریا از داشتن چنین سلاحی محروم است، هیچ وظیفه ای اساسی تر از تأمین این سلاح در برابر وی قرار ندارد.

جوهر اصلی آموزش و درس آموزی از قیام که در بالا از آن سخن گفتیم نیز در همین نکته یعنی در مسلح ساختن پرولتاریا به تشکیلات و گردان رزمنده اش حزب کمونیست ایران، خلاصه میشود و این وظیفه ای است که بردوش تمامی کمونیستهای راستین ایران سنگینی میکند، وظیفه ای که پاسخگویی به آن با توجه به افزایش روزافزون آگاهی توده ها و فروریختن توهم آنها نسبت به هیئت حاکمه و رشد مبارزه طبقاتی اهمیتیت صدچندان میابد، هم اکنون پس از گذشت دو سال از قیام خونین ۲۲ بهمن، در شرایطی قرار داریم که ویژگی آنرا وجود بحران شدید اقتصادی و فقر و فلاکت توده ها تشدید و روافزون مبارزه طبقاتی و وجود بحران در بالا و ناتوانی هیئت حاکمه در تشبیه قدرت سیاسی و سرکوب متحرک جنبش توده ای، مطرح شدن آلترناتیوهای ارتجاعی، دموکراتیک - پسگرو کمونیستی در سطح جامعه و فروریختن روزافزون توهم توده ها نسبت به رژیم جمهوری اسلامی و اقبال فزاینده آنها به سمت آلترناتیو - های انقلابی، تشکیل میدهد.

امروز توده ها با نا باوری و عدم اطمینان از رژیم جمهوری اسلامی و زنده و وعده های با

جنبشانی باز، نظاره کرد قیق حرکات، برنا مه ها و اقدامات تجریانات مختلف سیاسی و رجلمه کمونیستها هستند، آنها در صحنه سیاست و در هر کجا حضور دارند، از مشکلات خودنا توانی رژیم و موضع گیری نیروهای سیاسی سخن میگویند، آنها در همان زمان که از خود و طبقه خویش، از جنگ، از گران، از گروگانها و دهها مسئله دیگر حرف میزنند، در عین حال تشنه آگاهی اند، در جستجوی آن چیزی هستند که با تکان آنها فداکارانها و جانبازیهای عظیم آنها بار دیگر پشتوانه قدرت سیاسی بورژوازی و دیگر نیروهای فداقلای آن - گونه که در قیام ۲۲ بهمن صورت گرفت، قرار نگیرد در چنین شرایطی کمونیستها وظیفه دارند که در میان توده ها و بیویژه طبقه کارگر حضور فعال داشته باشند، در باره مسائل جاری جامعه با آنها سخن بگویند، بحران اقتصادی و علت فقر و فلاکت شان را برای آنها توضیح دهند، دشمن واقعی شان را به آنها بشناسانند. کارنامه سیاه دوساله رژیم جمهوری را در زمینه های مختلف برای آنها بازگو کنند و مهمتر از همه با شرکت در مبارزه طبقاتی، در ارتقاء سطح مبارزه و سازماندهی توده ها، نقش بیشتر خود را ایفا کنند، در برابر آلترناتیوهای ارتجاعی و دموکراتیک نا پیگیر، برنا مه خود را به تفصیل ارائه دهند و برای آنها توضیح دهند که تنها راه پیروزی بر امپریالیسم و رژیم جمهوری اسلامی پاسدار منافع آن، راه سرخ کمونیستها و ضرورت رهبری پرولتاریا بر انقلاب است.

اما واقعیت اینست که وظایف سترگ فوق، وظایفی نیستند که بتوان در شکل کنونی نیروهای کمونیستی بدانها پاسخ داد، انجام این وظایف بصورت حتی محدود آن، نیازمند تمرکز، انسجام و وحدت جنبش کمونیستی و در یک کلمه ایجاد حزب کمونیست است، با سخگویی - وظایف فوق هر چند وظیفه یکا یک نیروهای کمونیستی بوده و هرگونه بی توجهی و برخورد انفعالی بدان انحرافی بس عظیم بشمار می رود، اما در دردتما می این وظایف، دادن پاسخ مشخص به مسئله وحدت جنبش کمونیستی و فراهم ساختن ملزومات تشوریک و عملی ای است که این وحدت نیازمند است، تا آنجا که ملزومات تشوریک این وحدت مربوط میشود، ما به سهم خود و علیرغم تمامی ضعفها و نارسا ثیها، ارما هها پیش کوششی را آغاز کردیم که نتایج آن در قطعنامه های کنگره دوم ما زمان که میداریم همین روزها در سطح جنبش انتشار یابد، انعکاس یافته است، ما با دعوت از تما می نیروهای جنبش کمونیستی جهت برخورد فعال با این قطعنامه ها و دامن زدن به مبارزه ایدئولوژیک در عرصه های مختلف نعش خود را در تدوین ثوری انقلاب و در زدودن نشئت سیاسی - ایدئولوژیک و بقیه در صفحه ۳۱

تجربه قیام ۲۲ بهمن، نشانگر ضرورت رهبری طبقه کارگر در مبارزات دموکراتیک ضد امپریالیستی خلقهاست

# جنبش کارگری



## همدردی با خانواده‌های مصیبت‌دیده کارگران خرم‌آباد

بر اساس نوشته‌کیهان ۵۹/۱۱/۹ دریک  
حادثه را نتدگی ۱۵ تن از کارگران زحمتکس  
خرم‌آباد جان خود را از دست داده و عده‌ای  
دیگر نیز مجروح شده‌اند. اعلام عزای عمومی  
در خرم‌آباد پس از این حادثه، نشان‌دهنده  
که حتی دشمنان طبقه کارگر (که خود مسبب  
ستم‌هایی هستند که بر این طبقه می‌روند)  
جرات ندارد رندک نقش این طبقه دورا نسا ز  
رانا دیده بگیرند. ما ضمن ابراز زهدردی و  
تسلیمت به خانواده‌های این کارگران،  
رفقای هوادار درمحل را به کوشش در راه  
رفع نیارمندیهای خانواده‌های مصیبت  
دیده‌فرا می‌خوانیم.

## درود بر کارگران مبارز اتوبوسرانی اصفهان

کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی اصفهان  
از روز یکشنبه ۵ بهمن دست از کار کشیدند و سه  
گفته‌خبرنگار زکیهان " با امضای طوماری  
خواستار برکناری مدیرعامل شرکت واحد  
اصفهان، تشکیل شورای واقعی کارگری،  
کارگری کارگران اخراجی و پرداخت پاداش ۶  
ماه خود شدند. عده‌ای از کارگران در کفکوبها  
خبرنگار زکیهان گفتند که علت واقعی اعتصاب  
ما نه خواستن پاداش است، نه عیدی بلکه خاطر  
امعال غیر انسانی شرکت واحد و همین و تحقیر  
چندتن از کارگران به وسیله‌ی است. ما  
خواستار برکناری وی هستیم."

این کارگران مبارز به وعده‌آیت ا  
خادمی که گفته‌است به سرکار برگردند تا طرف ۲۰  
روز بکارشان رسیدگی شود اعتنایی کرده‌اند  
و نه به تهدید استانی که خواسته‌است آنها را  
از قانون زمان جنگا بنرساند. کارگران تسلا  
ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه هنوز به سرکار  
نگشته و برخواستهای حق طلبانه خود ایستادگی  
میکردند.

ما ضمن حمایت از این کارگران مبارز و  
درد به‌آنان تا کیدمی کنیم که رژیم جمهوری  
اسلامی که طرفدار سرما پیدا راج است هرگز  
نمی‌تواند جلوی رشد فزاینده مبارات طبقه  
کارگر را بگیرد. مبارزه متشکل طبقه کارگر اگر  
در برتوانیدنولوژی این طبقه به پیش رود بدون  
شک پیروزی قطعی را نصیب خود خواهد ساخت.

## کارگران کاخانه لیلاند موتورز، در مقابل توطئه اضافه‌کاری مدیریت

خواستار کارگران را بر آورده‌خواهند کرد. حتی  
چند وقت قبل بر نشان ما طبقه‌بندی را هم بین  
کارگران بخش کرده بودند، ما روز دوشنبه  
۵۹/۱۰/۲۹ متوجه شدیم که تمام اینکارها براسرای  
سردادن ما پوده‌است چرا که در این روز مدیریت  
وشورای اسلامی کارخانه اعلان کردند که از این  
به بعد به منظور (ظاهرا) کمک رساندن به کارگران  
هر روز به مدت دو ساعت و نیم اضافه‌کاری در نظر  
گرفته می‌شود. یعنی اینکه بموضع کارتا ساعت  
بقیه در صفحه ۲۹

دوستان کارگر  
کارگران کارخانه ما که سرفشار و گرانسی و  
مخطی ما را و لیدریدگی خودکمترشان خمشده‌است  
بندها به ما که مال مختلف دست به اعتسراض  
ما اندر ما سه خود را برای جبران کمبود  
بند دیم می‌بشال اعزای طرح طبقه‌بندی  
شابل مطرح کرده‌اند.  
مدیریت کارخانه وشورای اسلامی که ما هیئت  
شابل را برای خود را با شابل بخوبی نشان داده‌اند  
شابل کمسه بودند که با اجرای طبقه‌بندی مشاغل

## اجتماع کارکنان جنگ زده شیواز مشت محکمی بر دهان رژیم جمهوری اسلامی

ضمن تشریح علل دستگیری نمایندگان و معرفی  
دست اندر کاران توطئه دستگیری نمایندگان  
گفت: "از زمان دستگیری نمایندگان تا کنون  
ما اطلاع دقیقی از وضع و حال آنها نداریم. در  
حالی که به اسرای عراقی اجازه میدهند از طریق  
را دیوبه خانواده‌های خود بیامیزند، به  
خانواده‌های نمایندگان زندانی اجسسه‌از  
هیچگونه ملاقاتی نمیدهند."

این نماینده‌ها را ما سخنانش گفت ما از  
اینجا بیش از این انتظار نداشته‌و ندایم. ولی  
آن کسانی که توطئه دستگیری همکارانمان را  
ریخته‌اند با سبدها نشد که ما با اتحاد دو یکپارچگی  
خود، آنان را وادار خواهد کرد همساخت همکارانمان  
را آزاد سازند و دولت این کار را با خفت و خواری  
انجام خواهد داد."

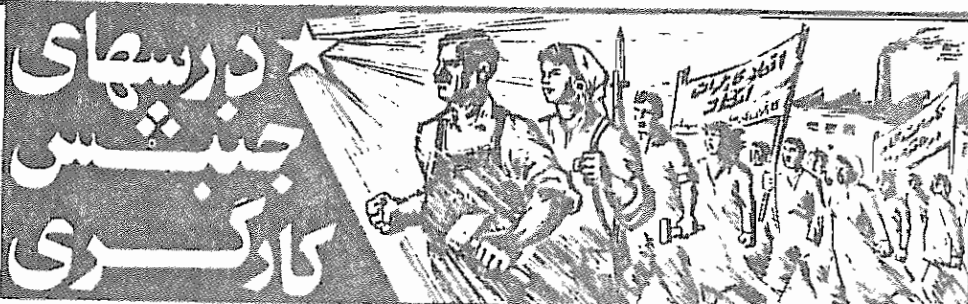
سخنان این نماینده‌ها استقبال گرم و  
بشور کارکنان رو بر و گردید.  
در خاتمه ضمن خواندن قطعه‌های مسسه  
ما ده‌ای که موره‌تا شد کلبه کارکنان قسرار  
گرفت، اعلام کردید مسئولیت هرگونه بی‌آمد در  
صنعت نفت در صورت عدم آزادی نمایندگان  
بقیه در صفحه ۲۹

بدسال دستگیری (روید) ۲ نفر از نمایندگان  
شورای سراسری کارکنان جنگ زده صنعت نفت در  
استان تویط رژیم جمهوری اسلامی (۲ نماینده  
ارما شهروست ما سده‌ا ر سوزان سینه‌نایندگان  
سورای همدان که ما سوزان اصفهان، تهران و یک  
ساده از لوب کارکنان همگروه ما کن اراک در  
سینگی که در ۵۹/۱۰/۲۹ بمطو نور نیمه‌گسری  
در موره‌ما حدکان زندانی، در شرا و تشکیل  
سده سردرگب کردند.

نمایندگان سوزهای مختلف در مورد علت  
تشکیل کمیته شهروست و رو به تشکیل اجنسات  
مسموم، اعشای، سرورده‌های جنگا گری استاندار  
سراز و اسای مصاشی که سرورغا سواده کارکنان  
همگروه در تهران و... آورده‌اند. سخن گفتند.  
آخرین سسرا بنما بنده شورای عساشکی تهران  
بود که ما ظما به مصاشهای حدکارگری رژیم و  
بما ما نت شرکت نفت را افشا نمود. اسن نماینده  
فانی کرد که حکونه سوز و سوخت را به روی خانواده  
کارکنان جنگ زده قطع کرده و یکبار رژیم می  
خواهند سگی از کارکنان را با خنجر اربسهای  
دراورند.

همین نماینده در قسمتی دیگر از سخنانش

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



# دریچه‌های جنبش کارگری

## نگاهی به نجارب یکساله و نیمه کانون شوراهای کارگری شرق تهران (۲)

### شیوه اصولی در برخورد به اتحادیه‌های منطقه‌ای چیست؟

سیم که سکیلاتی نظیر کانون شوراهای شرق ارواح زمین تلالی خود را در درون خود دارند از طرف دیگر با بدنه این اتحادیه‌های منطقه‌ای عنوان تکمیلات گدرا و در واقع سه عنوان پله‌ای برای رسیدن به سکیلات مناسب با وضعیت سرما بیداری و وضعیت جنبش، نگریست. سران و رشد و مرکز سرما بیداری در ایران نا آن حد است که در عمده‌ترین بخشهای صنعت نظیر ماشین سازی و آسومبیل سازی، راه آهن و حمل و نقل، نفت، معادن و غیره، رشته‌های صنعتی موجود آمده است. بنا بر این زمینه اتحادیه‌های کارگران در بخشهای صنعتی، معبران رسادی از بین رفته است. مثلاً پستی عنوان گفت که سس نراسگارتی که در کارخانه‌ها سران تا سیوال کار می‌کنند و سراسگارتی که در کارخانه‌های کوچک تا سراسگارتی که در کارخانه‌های بزرگ و صنعتی وجود دارد، بنا بر این نظور کلی می‌گردد. این سوی ایجا دانجا دبه‌های رشته‌های صنعتی است.

"حرکت به سمت ایجا دندنگ‌های صنعتی بنا بدیا قدمهای لاکنتی (بظرف رهبر سران رفه نیست کد تنها تحت فشار صورت مطلق قدم به پیش می‌گذارد) ، با نندنگ با بدنه ساسات انقلابی انجام می‌گیرد. با بدنه ساسات ما سربک و هر کارخانه‌های علی‌رغم حده‌های وسیعی گری مبارزه کرد. این تصویر انتزاعی و بریده‌ها و حیات نیست. مسئله سرسرا نظافی صاحب سنگلار... سدبکا ها با صورت نهایی مسارات طبقه کارگر در عهد کسوسی است." (برنامه عمل سس الملل سندیکا های شرح)

امروزه اگر چه زمینه‌های شکل اتحادیه‌ها و حائ سر حسب رسد معنی، هنوز در شرحی موارد نظیر حیات ها، کفاسها، حارها، آخیری ها و غیره موجود است. ولی نظور کلی عنوان کعبه را بط عمومی رسیده است. این کعبه

تکمیلات کارگری فراهم بوده و میباید است به پای ایجا دجنبش تکمیلاتی رعت. اما همانطور که گفتیم اتحادیه‌های منطقه‌ای نظیر کانون شوراهای شرق تهران، کانون شوراهای متحد، اتحادیه‌های گیلان و غیره می‌توانند عنوان پلی برای رسیدن به اتحادیه‌های رشته‌ای مورد استعداده فراگیرند و با بدنه از اینها عنوان هسته‌های اولیه اتحادیه‌های رشته‌ای سود جست طبیعی است که در صورت حصول به این مقصود دیگر نیازی به اتحادیه‌های منطقه‌ای نخواهد بود. اما تا قبل از این موضوع نمی‌باید بر خودی انحلال طلبانه نسبت به اتحادیه‌های منطقه‌ای داشت.

### کانون شوراهای شرق چگونه بوجود آمدند؟

همانطور که گفتیم بعد از قیام مبارزات کارگران علی‌رغم افت نسبی همچنان استعمار میباید. مسئله ضرورت ایجا د اتحادیه‌های کارگری بخصوص در مسان اسار پیروزمیانی کارگران، طرح مسگرده، ساس همن بخش از کارگران باعث ایجا د اتحادیه‌هایی نظیر کانون شوراهای شرق می‌شود. هسته اولیه این کانون بوسیله نمایندگان کارخانجات فیلیپس، صایع چوب، با پسر، سرلیمه، هورخت، حفاظ و فرد دیگری تشکیل می‌شود که هنگام مراجعه به کمیته‌ها ما برای حل و فصل اختلافات خود با کارمندان، با یکدیگر آشنا می‌شوند و جلسات اولیه خود را در خانه کارگر (که آن زمان در دست کارگران بود)، برگزار می‌کنند و طرح اولیه‌ای برای ناسیس کانون شوراهای ترتیب می‌دهند.

در جریان انتخابات موقت که از نمایندگان حدود ۳۰ کارخانه بعمل آمد، چند عنصر فدکا رگر در هیئت مدیره آن انتخاب شدند (از جمله رئیس هیئت مدیره که پس از مدتی اعلیابان تعقیبه سدوکا نون به دست عنا صرمبار زو عنا صرم سدبکا لست (که کر چه در سازمانهای کارگری رمان ساسرکت دانسه و حار ب سدبکا لستی داسسد، ولی بخا طرحوصات رفه میسسی و ساسر بسا سبیل اسلایی، لسان لسان از سی ساسنهای کانون روان بودند)، اسناد

ولی نظور کلی با بدگفت که در کانون بجز اتحاد معدودی اسما بندگان مبارز، بنفیه‌ها رای هود کمی در کارخانه‌های خود بودند و هنگامیکه در پیشبرد اهداف کانون با مقاومت عنا صرم سد کا رگر موا جه می‌شدند، عالبا دست به عقب سسی میزدند. نمایندگان مبارز هم دیدروتنی نسبت به ضرورت تشکیل کارگران و پیشبرد امر مبارزه طبقاتی نداشتند. بنا بر این نمایندگان بسد تنها شی به هیچوجه قادر به ارتشباط گیری بسا توده کارگران و جذب آنان به کانون، نبودند. از طرف دیگر چون توده‌های وسیع کارگران عقب مانده و میانی هنوز به درک ضرورت ایجا د اتحادیه نرسیده بودند و تحت تا شیرت سکیلات زرد در زمان شاه نسبت به هر تشکیلی بدبیین بودند، میوان گفت که تشکیل کانون عمدتاً نتیجه خواست و اراده نمایندگان آن بود. کارگران از آنجا شیکه کانون را در جریان مبارزات خود نمی‌دیدند و با عملکردهای آن هم آشنائی پیدا نمی‌کنند علی‌رغم آنکه طی یک دوره تبلیغات کانون، با نامش آشنا می‌شوند، ولی مسج ذالک آنرا جدا از خود می‌بینند.

نظور کلی سطح مبارزات جنبش کارگری چنان است که کارگران هنوز به ضرورت ایجا د صف مستقل خویش نرسیده‌اند علاوه بر لایه‌های زکی از کارگران که به لزوم بوجود آمدن سکیلات عالبترا کارگری پی برده بودند و همواره خود را در مشکلات کانون شریک می‌دیدند، در رابطه با کانون ما به دوسته دیگر از کارگران نیز بر-

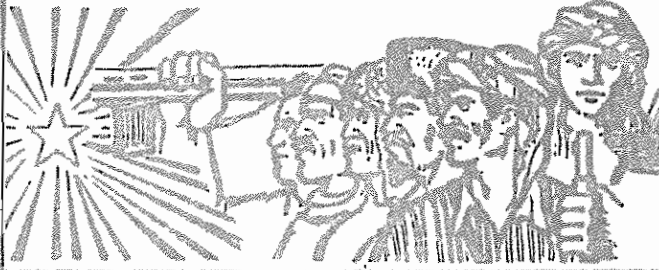
می‌خوریم:

الف - دسته اول، کارگرانی هستند که برای مبارزه متحدانه بر علیه کارفرمایان و برای آگاه شدن از مسائل صنفی و سیاسی در رابطه با وزارت کار، بیمه، سود و بزه، ماهانه کاری و غیره جذب کانون می‌شوند. اما این کارگران غالباً به کانون بعنوان یک ارگان دولتی می‌نگریستند و توهمشان نسبت به رژیم از یکطرف و روشن نکردن واقعیت امر (اینکه کانون تنها از کارگران نیرو می‌گیرد) برای کارگران از جانب کانون، از طرف دیگر موجب ادا مه وجود این دید غلط در میان نشان می‌شود. مثلاً برخی از کارگران با مراجعه به کانون از کارفرمایان خود شکایت کرده و انتظار رسیدگی فوری داشتند یا اینکه فکر می‌کردند نمایندگان کانون از دولت حقوق می‌گیرند، البته طرح پاره‌ای از مسائل از جانب کانون، نظیر اینکه کانون قبلاً در "کمیته ما" بوده است، به این تصور کارگران دام میزد. زمانی که این تصور فرو میریخت، این عده از کارگران نسبت به کانون دچار بدبینی می‌شدند که پس از اینها از کجا حقوق می‌گیرند؟

ب - دسته دوم، کارگرانی هستند که هم سببترین بخش کارگران را تشکیل می‌دهند و هم ارفشهای عقب مانده طبقه میباید ساندولذا نسبت به عملکردهای کانون بی‌سفا و ب بودند، که بدعبه در صفحه ۲۸

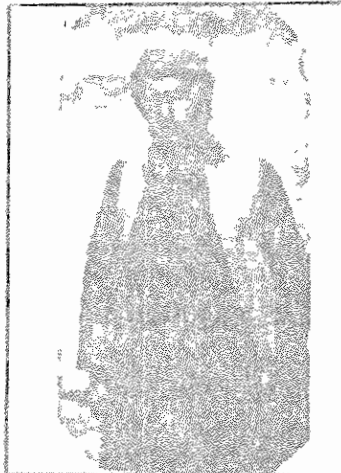


# خلق ها و مسئله ملی



## یاد پیکارگر شهید، پیشمرکه قهرمان، رفیق صادق بهمنی (جمال) گرامی باد!

مردهای تو؟ نه، نه!  
زنشدهای تو بهاید  
کی تو را خلق مرا مرث کنند!  
تو همچنان بنجه فکندی با سرگ  
و شامتن تو آتش بی پایان بود  
بلشویک وار بهاید جنگید  
بلشویک وار بهاید جنگید  
چه کسب دلد چون آتش ما آتش تیر!



دلبران کردستان! رزم آوران خلق کرد!  
بیکرهای خوشین همرزمان ما برچم، سرچ مقاومت  
ماست همچون رودخانه های استادن ما را پیشه  
نیست، همچون کوهساران ما برجا خواهیم ماند،  
همچون دریاها طغیان خواهیم کرد، همچون  
طوفان برستمگران خواهیم تاخت، ما قاتلستان  
قله های رفیع حماسه ها، ما از شایسته و خسون  
و عقاومت، ما از کاروان عاشقان رهائی از  
بنندگی و بردگی، ما جوشیده از دل خلق قهرمان  
گردد هستیم، بیاید لاله ها را با خون خویش سرآب  
سازیم، پیکار ما خونین، ما افتخار آفرین است،  
بیشمرگه را توقف سهرز از نبرد، بذلتی بیستی  
نیست، این پیام کاک صادق بهمنی بود، کاک  
صادق برجون خویش غلطید، ما مگر پیشمرگه  
می میرد؟

در سال ۱۳۳۹ در یک خانواده زحمتکش در  
سنندج بدنیا آمد، بعد از اتمام کلاس دوم دبستان  
همراه با خانواده اش به میوان رفت و تحصیلاتش  
را تا کلاس دوم نظری در آنجا ادامه داد، رفیق  
صادق برای کمک به خانواده تنگدستش در حسن  
نحویل کار نکرد، بدین ترتیب اره مان او ان  
زندگی، با فقر و استیسا آشنایند و اولین شگرفه  
های آگاهی انقلابی و شورهای از محم و استار  
در وجود پیر تلطم و جوانه زد،  
عشق به زحمتگان، انگیزه برای رفتن او  
به دانشسرای مقدما تی گردید و پیش از انستام  
دا نشرا قدم در راهی گذاشت که انقلابیونسی  
همچون صدها آغازش کرده بودند، او در میان  
زحمتگان "آلانته" (زادگاه کاک فواد) حین  
تدریس برای مرزندان زحمتگان آلانته به آگاه

## تشییح جنازه باشکوه رفیق شهید

### صادق بهمنی در "کوله ساره" و "طا"

ظهر روز ۱۸/۱۰/۵۹ بیکریخون خشنه رفیق  
شهید کاک صادق بهمنی (جمال) بردوس زحمتگان  
وبیشمرگان انقلابی قرا گرفت و در معیت اهالی  
منطقه وبیشمرگان قهرمان کوله ساره، بیکار و  
زحمتگان بدقبستان محل اسقال با فوطی  
مرا سم با شکوهی سخاک سرده سدراسی کسه  
شولحظه آن بنا نکرستوند عمیق سبمرگسان  
انقلابی و زحمتگان آبادی بود، ساعت ۴ بعد  
او ظهرهما نور مراسم با سردی ار طرف سارمان  
در مسجد آبادی برگزارند، در اس مراسم  
شنا بنده سارمان، صحنه سحرانی حول زندگی و  
تاریخچه بیارانی رفیق شهید و سردانی ار  
همکاری وفداکاری اهالی محل، برهمسستگی  
زحمتگان وبیشمرگان انقلابی جنبش ما وست  
جهت تشدید و عمیق سار رات خلق کردنا کید  
کرد، در قسمت بعدی مراسم، ما سندرگسا، ان  
بیشمرگان کوله و زحمتگان صحنه سحرانی  
از یادها راکا کادی تجلیل کردند،  
هما شور و در آبادی "طا" به حص با زکشت  
بیشمرگان ار "کوله ساره" مردم زحمتگان آبادی  
جمع شده و با سار هوا، ان در مراسم با دبورد  
رفیق صادق شرکت کردند، طی این مراسم رفیق  
بیشمرگه ای کدر لول در تیری، همرا رفیق  
زحمتی شده بود در مورد چگونگی درگیری وجان -  
بازی و غیره با سببای رفیق صادق صحبت کردند،  
روز بعد سز در نسا زجعه نما بنده وبیشمرگان  
سازمان در مسجد سحرانی کرده و صحنه گرامیدانست  
با در رفیق، اوضاع عیاسی کسور و کردستان و  
وظایف انقلابیون و زحمتگان را برای اهالی  
"طا" سحر و سطلیل بود،

درود بر رفیق شهید کاک صادق بهمنی و  
شمامی سهدای راه آزادی خلقهای ایران

## مقاومت قهرمانانه پیشمرگان آلانته

### پیکار و کوله در "کوله ساره"

در این روز یک سون ارسی شامل ۵ تانک  
و نفرییر، چند خودرو، یک سدرغ حامل کالیبر ۵۵  
و در حدود ۱۰۰۰۰ جاس و با سار رباتارک وسیع  
ار چند طرف به روسای "کوله ساره" و "ما سان"  
حمل کردند، نیروهای مدخلی در این دوروسا  
سارها و مت قهرمانانه پیشمرگان انقلابی کوله  
وبیکار روزیرو شدند، درگیری ار ساعت ۱۰ صبح  
آغاز کردید، بعد از چند ساعت سرد، پیشمرگان  
انقلابی با طرح لوکیری ارگستا را عالی سی -  
دفاع آبادی دست به عقب نشینی تاکتیکی رده  
به ارتقا سار با لاسر شدند و مجددا نیروهای  
سسن را بر آتش سی امان خود قرار دادند، در  
بشمه در صفحه ۸

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



### ضربات سنگین پیشمرگان کومله به يك ستون از نیروهای دشمن

۵۹/۱۰/۲۲ - یکدسته از پیشمرگان کومله (پهل شهید جلال) در جاده سنندج - کامیاران، در بین فرودگاه و پایگاه گزنه یکمین دشمن نشستند. نزدیکهای ساعت ۴ دو خودرو حامل ارتشی و پاساژها را با اسلحه سبک و سنگین مورد حمله قرار دادند که در نتیجه هر دو وسیله نقلیه منهدم و عده ای از سرنشینان آن کشته و زخمی شدند.

پیشمرگان بهنگام عقب نشینی با یک ستون از نیروهای دشمن که بقصد تعقیب آنها حرکت کرده بود، درگیر شدند و آنها را از زیر بارانی از گلوله‌های سبک و سنگین خود گرفتند. درگیری دوساعت دیگر ادامه یافت و سرانجام نیروهای سرکوبگر رژیم با دادن تلفات سنگینی مجبور به عقب نشینی شدند.

در این نبرد چند خودرو منهدم گردید و بیش از ۵۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند. در جریان درگیری ۲ تن از پیشمرگان زخمی شدند. بر داشت، این پیروزی موجب بالارفتن روحیه مردم و شور و هیجان آنان شده است و از نبردهای کم نظیری است که طی چند ماه اخیر در این منطقه بوقوع پیوسته است تا جاییکه دستگامهای تبلیغاتی رژیم مجبور شدند که به بخشی از شکست خود اعتراف نمایند.

(خبرنامه ۱۵۶ کومله)

همان حین جاشا و پاساژان وارد آبادیهای "کوله‌ساره" و "ماسان" شده و اهالی زحمتکش را مورد شدیدترین آزار و اذیتها قرار دادند و در این بنجره خانه‌ها را گلوله باران نمودند. در این نبرد ۶ ساعت پیشمرگان انقلابی با نیروهای صدم خلق، عده زیادی جاش و پاساژ رگشته و زخمی شدند. که از آمار دقیق آن اطلاعی در دست نیست.

با رسیدن پیشمرگان کمکی پیکار و کومله و رزمندگان نیروهای ضد خلق عقب نشینی کردند و مزدوران رژیم همچنین اموال اهالی زحمتکش را غارت کرده و چند دستگام ضبط صوت و ۴ هزار تومان پول و یک جیب شهاب از اموال اهالی ماسان را بنابر بردند آنها همچنین وحشیانه دایم متعلق به بهداری "کوله‌ساره" را غارت کردند و با این اعمال خود کینه و نفرت رحمتکشان را بر رژیم ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی دوچندان کردند. لازم به توضیح است که پیشمرگان حزب با وجود اینکه در منطقه بودند در درگیری شرکت نکردند. همچنین در این درگیری یکی از پیشمرگان انقلابی پیکار بنا مگاک صادق بهمنی (جمال) بشها دست رسید و پیشمرگه انقلابی دیگری از پیکار زخمی شد.

پیروزی و جنبش مقاومت خلق کرد.

بقیه از صفحه ۵ یاد پیکار...

ارتشی به منطقه "کوله‌ساره" حمله کردند. رفیعی صادق بعد از ساعت مقاومت دلیرانه و پس از زدن ضرباتی بردش در حالیکه همراه ۴ رفیق همزمش در محاصره تعداد زیادی از نیروهای دشمن افتاده بودند قهرمانانه جنگید و در میدان نبرد گلوله‌های برق آتشین او که یک کوشش بود و دلش همیشه برای زحمتکشان می تپید، نشست. رفیق صادق بهمنی (جمال) بشها دست رسید و شهیدی بر کاروان شهدای جنش مقاومت خلق کرد افزود.

بعد از شما نبردنا برابر عت و همکار دشمن، اهالی زحمتکش آبادی و پیشمرگسان قهرمان به محل شهادت رفیق شتافتند و پیکر خونین او را همچون پرچمی سرخ بردوش گرفته و با چشمانی پر از اشک و دلپاشی آکنده از کینه و نفرت به دشمن طبقا تیشان رهسپار آبادی کوله‌ساره شدند.

یادش را گرامی داشته و راه سرح و خوبین اش را استوار تر از پیش ادا می‌خواهیم داد!



### بقیه از صفحه ۲۲ بنی صدر...

امپریالیستهای جهان خوار غریبی کردندند؟ بنی صدر صحبت از "تغییر بنیادهای اجتماعی" میکنند تا "دیگر در این کشور جایی برای مسکین و مستضعفان نباشد!" چگونه میشود که می‌آید پریالیست‌ها و سرمایه‌داران خونخوار بود در عین حال مخالف "مسکین"؟ چگونه میشود سرمایه‌داران را با تمام مواظفات کرد در عین حال طرفدار از زمین رفتن نظام طبقاتی و آشتی ناپذیر میان سرمایه‌داران و توده‌های ستمدیده؟ نه! بنی صدر مانند حزبها عوامفریبی میکنند و همه آنها دشمنان قسم خورده خلق ما هستند. مگر بنی صدر از زمانی که بر ریاست جمهوری رسیده غیر از وعده و وعید کار دیگری هم کرده است؟ چه کسی بود که به توده‌ها گفت با رفیقانکی وضع زحمتکشان خوب خواهد شد؟ چه کسی بود که با رگران گفت اگر چلوخوردن نمی توانی بخورید، نان و پیسی کولا بخورید؟ آری بنی صدر هم عوامفریبی بیش نیست و امروز اگر ایس چنین صحبت میکنند میخواد حریف خود را در موضع ضعف بیا نندازد و خود در اسلیمیراها، سوار برجش توده‌ها بشود و جنس را بازمه‌تکست بکشد. اما این با رجنش انقلابی زبرکامهای سنگین خود بنی صدر، لیبرالها و حزبی‌ها را یکجا نابود خواهد کرد.

بلکه پس از زلفودعای آمریکا علیه ایران بیه حساب ایران و اریزخواهد شد بنا بر این فعلا هیچ چیز در دست ایران قرار نگرفته است.

می بینیم که تنها مورد ادعای رژیم چگونه تو خالی از آب درمی آید و کوس رسوائی مرتجعین را به صدا درمی آورد. بنوی که از این رسوائی کلافه شده میگوید: "اینقدر هم، دیگرسر مثل کاسها چرتکه نشینند از یکده چقدر گرفتیم چقدر گرفتیم". (همانجا) چرا که برای مصالح دولت مکتبی و حزبیها خوشایند نیست!

آری می بینیم که رژیم حاکم چگونه پول و ثروت این کشور را به امپریالیسم می بخشند، ولی مسئله اساسی تر اینست تا نشان دهیم که اول تبلیغات رژیم دروغی بیش نیست و ثانیا رژیم به هیچوجه نمی تواند به مبارزه ضد امپریالیستی دست بزند. رویزیونیستهای خائن اشغال سفارت را "نمونه برجسته از اقدامات فدا مپریالیستی" رژیم حاکم قلمداد کرده و میکنند، اما امروز دیگر حقایق عیان گردیده است. نه رژیم ارتجاعی حاکم و نه رویزیونیستهای نوکرمفت هیچکدام نمیتوانند این حقیقت را بپوشانند که بورژوازی حاکم بنا به ماهیت فدا انقلابی خود هرگز نمی تواند ضد امپریالیست باشد و ما جرای سفارت گیری یعنی "انقلاب دوم" رژیم که امروز اینگونه خفت بار به پایان میرسد گواهد دیگری بر این مدعاست.

### بقیه از صفحه ۲۲ آزادی...

نظامی خواستهای ایران گردید، اما مفساد سازش با مایران با آمریکا بوجی این سلبیات را بر ملا نمود. نه تنها کمونیستها و انقلابیون عمیق متعفن سازش را بر ملا کردند و نشان دادند که تنها مورد ادعای رژیم مبنی بر گرفتن ۸ میلیارد دلار نیز دروغی بیش نیستند. با صنی آنقدر آش شور بود که امپریالیسم آمریکا و لیبرالها نیز با موضعگیریهای خود به واقعیت این دروغ اعتراف نمودند. در این زمینه کارشناسان استقبال از جاسوسان در "بسیان" آلمان گفت: "بوسیله ما، بین ۱۱ الی ۱۲ میلیارد دلار ریول ایران پس از تصرف سفارت (سابق)، مسدود شده بوده است و حال آنکه دیروز به ایران کمتر از سه میلیارد دلار پول خودشان را پس داده ایم" (تا کید از ما است) به عبارت دیگر رژیم جمهوری اسلامی از مجموعه طلب ایران از آمریکا و دارائیهای شاه که به مبلغ ۲۴ میلیارد دلار مسرد "کمتر از سه میلیارد" بدست آورده است یعنی اگرچه رژیم حاکم از ادعای ۲۴ میلیارد دست برداشت و فقط ۸ میلیارد دلار تقاضا نمود، اما واقعیت این بود که از این مبلغ هم فقط ۲/۷ میلیارد دلار به ایران تعلق گرفت و مابقی را شرکتیهای امریکائی که پس از سفارت گیری "متضرر" شده بودند بعنوان باج بالا کشیدند. تا گفته‌ها نند که سهم ایران هم فعلا و اریز نگشته

## ترور و ربودن دانش آموزان انقلابی بدست مزدوران ارتجاع

ترور و ربوهای انقلابی و عناصر فعال، بخش مهمی از سیاستهای سرکوب رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را تشکیل میدهد، چند هفته بعد از سهادت دانش آموزان انقلابی "مژگان اسدی" بدست فالانژهای مزدور رژیم در خرم آباد، فالانژها به چند دبیرستان دخترانه حمله کرده و چند دختر دانش آموزان انقلابی را به زور با خود میبرند. در روز چهارشنبه ۵۹/۱۱/۱ شش تن از دوستان مجاهد بنام "بهرام کردستانی" هنرجوی سال چهارم هنرستان درخیا با توسط عظیم مرادی (فالانژی که در سرکوبهای خرم آباد نقش فعالی دارد) با شلیک گلوله بشهادت میرسد در جریان تشییع جنازه شهید، فالانژها به صاف دانش آموزان مبارز حمله میکنند که با شعار "مرگ بر ارتجاع" و "این سندجنابت آمریکا است" پراکنده میشوند.

یادشدهای انقلابی، مژگان اسدی و بهرام کردستانی این وارثان بحق "۱۳ آبان" ها و رزمندگان دلاور جنبش دانش آموزی را با ادا مه را هشان گرامی بداریم!

## یورش به خوابگاه دانشجویی و پشتیبانی توده ها از دانشجویان

روز یکشنبه ۲۹ دی با ردیکر مزدوران ارتجاع و باستان، فالانژها، پاسداران سرما به یکی از خوابگاههای دانشجویی (ساختمان شماره ۵ خوابگاه دختران خیابان ۱۶ آذر) با برنامهدستی یورش آوردند.

ابتدا دسته ای از این مزدوران باللباس شخصی و در نقش حزب الهی ها وارد ساختمان شده و در راه ز پشت بستند، آنان با وحشیگری به ضرب و شتم دختران دانشجویی پرداختند و از هیچ عمل کثیفی ابا نکردند و خود سرتا ته تک اتا قها هجوم آوردند.

مردم به محض اطلاع از یورش این مزدوران در برابر در خوابگاه جمع میشوند و شدت صدای اعتراضات را بلند میکنند و بزودی در خوابگاه را بزرگشوند و بدیه کمک دختران دانشجویی فتد و در درون ساختمان بین مردم و دانشجویان انقلابی از یک سو و دسته های مزدور از سوی دیگر زد و خورد در گرفت. مردم تنگ فالانژها را بیرون میکشیدند و شروع به بردن آنها میکردند.



در برابر این حرکت مردم عده ای که هواداران مجاهدین هم در میان نشان بودند، پشتیبان دمی کردند آنها را به کمیته تحویل دهیم، لیکن مردم عادی اصرار میکردند که باید خودمان حساب آنها را برسیم.

در این وقت پاسداران سرسیدند آنها بظاهر خود را از قضا بی خبر نشان میدادند (پاسداران ستاد عملیاتی ناحیه ۶ - منطقه ۹ و منطقه ۱۰) تعدادی از مردم نا آگاه به خیال آنکه پاسداران در مقابل فالانژها خواهند ایستاد از آمدن آنان استقبال کردند، اما بزودی توهمن بین دسته شکست، پاسداران به درون ساختمان رفتند و شروع به همدستی با فالانژها کردند، این سرکوب - کران مبارزات انقلابی که در این مدت خوب درس سرکوب را آموخته اند با خوشونت به بیرون کردن دانشجویان از ساختمان مشغول شدند و وقتی که مردم متوجه جریان شدند، با خشم در مقابل پاسداران به مقاومت پرداختند، توده ها ئی که به چشم خود نقش مزدوران ارتجاع را میدیدند به روی ماشینهای کمیته ریختند و با سنگ لگدبه جان ماشینها افتادند، آنها فریاد میزدند که فالانژها را باید به ما پس دهید و خودمان آنها را تشویه کنیم، اما پاسداران میکوشیدند، هم - دستان خود را از چنگ مردم هر ها کنند و فرساری دهند، بویژه مردم زنجیره بر خورد ما شین پاسداران با دختران دانشجویی بودند و زنی چشادری فریاد میزدند که این اسلام است من مسلحان نیستم، و مرد دیگری علیه اسماعیلی داد، پاسداران خواستند این شخص را دستگیر کنند که با مقابله شدید مردم رو بر و شد و ناچار او را آزاد کردند.

در این زمان از جلسوی خوابگاه و شعار "مرگ بر جما فدا را و ج گرفت. البته بیشتر هواداران مجاهدین میخواستند این شعار را بدهند و از دادن شعار مستقیم علیه پاسداران خودداری میکردند.

دوبه مدت اعتراف وسیعتر میشد با سداران مزدورانه سعی میکردند با برگرداندن دروغ و تهمت و افترا، توجه مردم را از خود دور کنند، آنها جما فدا را روی دست گرفته میکشیدند اسن جما فها

مال چینی هاست و آنان برابر هر کسی که سعی - برسدند چه خبر شده، می گفتند بیگانه ریه ها را میخوابا هم دستگیر کنیم، لیکن این دروغگوئیها بیشتر مردم را به خشم میاورد. شعار "مرگ بر جما فدا را، حامی سرما به دار - جوب، جما ق، تکنجه، دیگر اشرار را، جمعیت را فرا گرفت. مردم زسکنی گزیدن دانشجویان در خوابگاه دفاع میکردند و میگفتند حق آنهاست که در اینجا زندگی کنند.

پاسداران دیگر قافله در نبودند به حالت معمولی در برابر مردم ایستادند و شدت شروع به تیراندازی هوائی کردند. در این وقت ما از درون جمعیت فریاد زدیم "مرگ بر ارتجاع که حبلی سربخ این شعار میان توده ها رفت و همه - کیر شد، البته نیروهای کمونیست میکوشیدند جلوی شعارهای انحرافی را بگیرند و توده ها از شعارهایی که مستقیما علیه ارتجاع بودند پشتیبانی میکردند، البته فالانژها هم تسوی خیابان شعار میدادند که "ساواکی دیسوز، جنبش امروز ما... و وقتی شعار "مرگ بر ارتجاع" پیچید آنها شعار دادند "ساواکی دیروز، بیگاری امروز!"

اما چیزی که از همه جا لب تر بود بر خسورد مردم نسبت به اکثریتی ها بود اکثریتی ها همه - جا میکوشیدند که جلوی مبارزه توده ها را بگیرند آنان از اینکه مردم علیه ارتجاع شعار میدهند سخت بر آشفته و هراسان بودند، با همه نیسرو اینجا و آنجا سرک میکشیدند و الماتاس میکردند که این شعار را ندهیم، و در برابر سعی میکردند شعار "مرگ بر آمریکا را رواج دهند و مشخص بود که چگونه با این شعار سعی میکردند توده مردم را از مبارزه علیه ارتجاع و امیربا لیس معرفی کنند اما مردم با سخ دندان شکنی به اکثریتی ها می دادند، آنها میگفتند مگر این ارتجاع نیست که دست به حمله زده است؟

ایا دی رژیم به علت آنکه نسوا نسنند در حمله به خوابگاه دختران دانشجویی از پیش روید با ردیکر و زوسوبهم خوابگاه دانشجویان را مورد حمله مجدد قرار دادند که با ردیکر مقاومت توده ها رو بر و شدند.

### پوزش:

گزارشی دانشماریا رات دانش آموزان انقلابی دبیرستان "افنداد" (در ساوا (بلو حسان) بنقل از نبرد بلوچ نشریه تسکيلات بلو حسان سا رمان، و نشر گزارشی از مبارزات دبیرستان دخترانه ولی الله نصر (تهران)، مناسفم که به خاطر کمبود جا امکان استفاده از آنها را نیافتیم، با درود به رفقای کمونیست و انقلابی در جنبش دانشجویی و دانش آموزی!

دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!

### خاطره نبرد سیاهکل را گرامی، میداریم

ده سال از نبرد قهرمانانه فرزندان انقلابی خلق در جنگلهای سیاهکل میگذرد در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ گروهی از فرزندان کمونیست خلق بسا ایمن و با انقلاب سرخ تودهها جلوه‌ای از عشق و کینه طبقاتی را در برابر ارتش تابدندان مسلح شاه خلد به پیش گذارند. اژدهای این تیسرود انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق متولد شد و با انقلابیونی چون رفقا احمدزاده، ناسبدل معنای، حمید مومنی و... در دستر مبارزات خلق پا گرفته و به تبلیغ شهر انقلابی در برابر قهر سدا انقلابی مزدوران امپریالیسم پرداخت. آن رفقای شهید با مرزبندی قاطع با فرمیسم، با استوار و ریز و ریز بیونیم خروشچی و "قور-باده‌های خروشچی" نظیر حزب خائن توده، به مبارزه انقلابی با رژیم وابسته شاه خلد و امپریالیسم پرداخته‌اند.

نبرد سیاهکل با سرکوب فاشیستی مزدوران رژیم شاه خائن و روبرو شدن انقلابیون جان برکف آن با استواری مرگ سرخ را پذیرا گشتند و لسی خاطره آن به مثابه جلوه‌ای از دموکراسی کمونیست انقلابی در تاریخ مبارزات خلق ما با قسسی خواهد ماند.

مبارزه خرد و ریز بیونیمستی رهروان انقلابی سیاهکل، "اردستان‌های جنبش نویسن کمونیستی بشمار می‌رود، دستاوردی که با طر غلبه خط مشی غیر پرولتری جه‌گوارا - رژی دیره بر مبارزه رفقا، نتوانست در کلیه سطوح شعمیم پیدا کند و به رنده‌های بیولتری در جنبش کمونیستی کمک نماید.

آن رفقای انقلابی گرچه در پیرشومی غیر-تولتری چریکی مبارزه میکردند اما با مرزبندی با ریز بیونیم مدرن و حزب توده ضرورت و لزوم انقلاب را تبلیغ کرده و با خط کسی قاطع بسا سازشکاری و فرمیسم به تبلیغ مبارزه قهرآمیز انقلابی می پرداختند. آن رفیقان، رهروان صادق انقلاب بودند و امروزه مرتدان ریز بیونیمست "اکثریت" (فداشیان) هرگز نمیتوانند خود را ادا دهند و راه خونین آنها جا بزنند. قلب آن رفقا در راه‌های زحمتکشان می طپید، آنگاه ریز بیونیمست‌ها را دشمنان طبقاتی توده‌های زحمتکش میسر شدند و با ارتجاع و امپریالیسم بسا مبارزه انقلابی می پرداختند، در حالیکه این مرتدان خیانتکار زبه در یوزگی بسورژوازی ارتجاعی پرداخته و از زمره مجیزگویان سوسیال امپریالیسم رورس گردیده‌اند.

تخلیل از نبرد سیاهکل و انقلابیون جان بر کف آن مانع از آن نیست که به انحراف رفقا ارتشی بیولتری آثاره کنیم آن رفقای شهید با پذیرش و تبلیغ مشی غیر پرولتری چریکی و بسا برخورد نامخلقی به جنبش انقلابی خلقهای

### خاوبد یاد دکتر تقی ارانی چهره درخشان جنبش کمونیستی

رفیق تقی ارانی در ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ بدست دژخیمان رژیم استبدادی رضاشاه خلد در سیاهکل زندان به شهادت رسید.

رفیق ارانی از جمله دانشجویان انقلابی که پس از تحصیل در اروپا با ارمانی از آشار مارکسیستی و اندیشه‌های انقلابی به ایران بازگشت و به اسرار آناروا نکار مارکسیستی همت گماشت. دکتر ارانی در گروهی روشنفکری به فعالیت پرداخت. که به گروه ۵۳ معروف شد. در این گروه افراد مختلفی از با یکگاه طبقاتی متفاوت وجود داشتند و از ایرج اسکندری (از رهبران خائن حزب توده در حال حاضر)، عبدالصمد کا میحش، بزرگ علوی، یزدی، و... تا کمونیست‌هایی چون ارانی را در خود جای داده بود. این گروه هرگز نتوانست از چارچوب

فعالیت‌های فرهنگی و انتشار فرهنگ انقلابی و مارکسیستی خارج شود و مجموعه متضادی بود که نمیتوانست بسبب زحمتکشان و طبقه کارگر سمت بسگری عملی نماید. دکتر ارانی با انتشار نشریه "دنیا" به افشای دیکتاتوری رضاخانی و نشر اندیشه‌های انقلابی پرداخت ولی انتشار آن متوقف گردید و گروه ۵۳ نفیاسرکوب دژخیمان رضاخان فلج گردید و همه اعضای آن دستگیر شدند. رژیم استبدادی رضاشاه خلد آن را بزرگ شکنجه برد. در مقابل با یمردی و استواری انقلابیونی چون رفیق ارانی که تا آخرین قطره خونش از آرمای نهایی والای طبقه کارگر دفاع کرده بودند بزدلانی چون عبدالصمد کا میحش با رژیم همکاری کرده و از درخشان‌ترین در آمدن، رفیق تقی ارانی در پیدا دگا رضاخانی رژیم استبدادی حاکم را به محاکمه کشیده و بدفاع ارتجاعی انقلابی خود و آرمای نهایی زحمتکشان پرداخت. او بر علیه نظام حاکم ارتجاعی و توانین آن بساخاست و در پیدا دگا ها اعلام کرد:

"فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع توده‌ها باشد." او با بیان اینکه جقدر برای یک جامعه سنگین است که طرفداری از زنجیران و حفظ حقوق آنان در آن اینقدر سخت مجازات دارد، "ما هیت ارتجاعی رژیم وابسته‌ها را افشا کرد و

ایران، بانفی کارا کها هرکانه سیاسی در میان طبقه کارگر و رونی شکل پیشاهنگ طبقه کارگر (حزب کمونیست) و دم‌بیرنداشتن درجهت ایجا دان، طبقه کارگر را از پیشاهنگ انقلابی خود محروم ساختند و این بینش اثر منفی خود را در جنبش کارگری ما بجای گذاشت. در همین سالگشت نبرد سیاهکل با درودهای کمونیستی به آن رفقای شهید، یاد آن نبرد پر-تکوه را گرامی میداریم.



"دفاع از خود" را به دفاع از زحمتکشان و زنجیران تبدیل کرد و پای جان بر عاقبت بسد انقلابی اش با فشاری کرد. "حزب خائن توده" که برای کسب آبرو خون شهیدان را دستاویز مقام دشوم خود میبماند به عبث میکوشد خود را ادا دهد و راه را از نسی معرفی نماید، ریز بیونیمست‌های خائن حزب توده با نسبت دادن مجله "دنیا" ی خود به ارانی نمیتوانند یک دنیا فامله‌ای را که بین آن "دنیا" ی انقلابی ارانی و "دنیا" ی ارتجاعی کارگزاران سوسیال امپریالیسم روس وجود دارد محو نماید. آنان نه رهروان راه رفیق ارانی بلکه ادا مه دهندگان صفراء ایسرج اسکندری هسا و کا میحش‌های خائن هستند. این مرتجعین در تئوری و عمل با اندیشه و عمل ارانی شهید در تضاد آشتی ناپذیر بسر می‌رسد. برگ برگ آشار ارانی سخن از منافع آتی و آتی زحمتکشان میکوید و لحظه به لحظه حرف و عمل حزب خائن توده جز در دشمنی با طبقه کارگر، جز علسه کمونیست‌ها و جریبفج ارتجاع و سورژوازی نیست این خائنین به عبث میکوشند تا با استاب خود به اندیشه و عمل رفیق ارانی، کسب "اعشاری" برای خود بنمایند. توده‌ها این واقعبت را سه چشم خود می بینند که از راه ارانی تا راه حزب توده دریا می از خون انقلابیون صالده است. از رفیق شهید دکتر تقی ارانی آثار ارزنده مارکسیستی از جمله "مجموعه مقالات فلسفی" و... بساید کارمانده است.

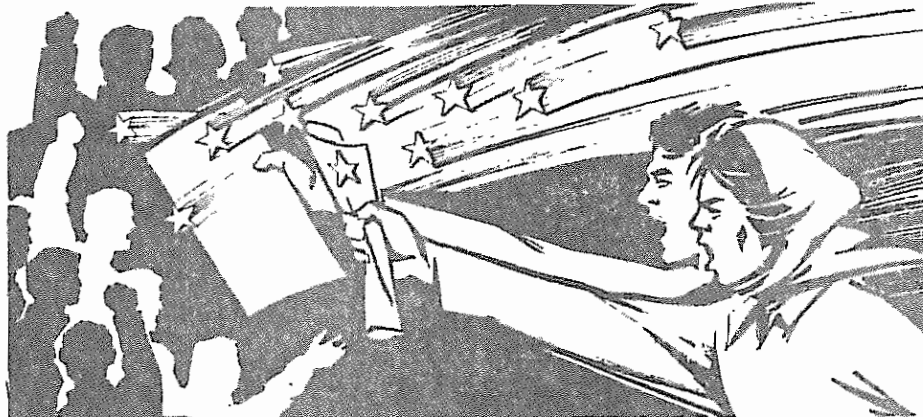
در جهل و یکمین سالگرد شهادت رفیق ارانی یادش را گرامی میداریم!



از  
انتشارات  
جدید  
سازمان



## دروود بریکهای انقلاب، پیام آوران آگاهی و انقلاب



ادامه دارد... اما بیست و نه سال ستمی از حقیقت است. ارسوی دیگر: مدای کا میهای آشنی... انقلاب می آید. نسیم بر طین انقلاب ز بسیدن گرفته است، سیده دم انقلاب، "سب" را بسختی نهیدید میکند و هم بیک مشعلهای روش آگاهی و سایر راههای طرح انقلاب، "سب" را آنچنان روزان کرده اند، که "سب" بخود می لرزد. آری یاران! همدکمون بیست و نه انقلابیون در شب تیره خاکمبت ارساخ، بیام آورشقی سرخ صبحدم اند، دشمنی "سب" نا انقلابیون از همدین روست یک اعلامیه، یک نرسیده، یک بحت آکا هکرانه، مصلحتی است که دل تیره "سب" را میدرد و نوید صبح نیروز ز چمنگان را س میدهد "سب"، رژیم خاشن ساه، "جمهوری اسلامی، وهر رژیم رنجا عی دیگر انقلابیون را سخت دشمن میدارد و از زپیا نشان به خلی بخود میبرد و انقلابیون را با تیرباران شکنجه و زندان یا سخ میگوید حرم انقلابیون این است: آکا ه و متشکل کردن توده ها و اعلان جنگ به امیریا لیسیم و ارتجاع!

ارتجاع و امیریا لیسیم از پاشیدن بسذرانقلاب در میان توده ها بشدت جلوگیری میکنند اس بذر چیست؟ همان اعلامیه ها شی است که زیر لبیا س خود محفی میکنند و شبها هنکا مدرخانهای ر چمنگان مباحن کنند، همان نشریات شی است که در حیا با آنها، در بیک فرصت مناسب، علنی می فرسند و در همان ساراها شی است که بسسرای سوسس سرد ووار دستگیر میسوید، شلاق میخورید و رمان می کنند. رمان ساه را با طرا آوریم: رفسی معصوم حانی سنها با طرد اشتن اعلامیه در رسنکجه گسسته شود و اونها نیست، اونمونه بسک انقلاب سوسی است که بخا طردا سسسی، اعلامیه و گسبا بکنند، سدد، اساق حسینی خلد را

"اسن امر (بخش) اهدیب فوق العاده ای، هم برای نظرات ها و هم برای میام خواهد داشت. رساندن سریع و صحیح نشریات، اعلامیه ها و فرا خوانها و غیره، انخسب از ترتیبی تا این کار بدون امطکاک انجام گیرد و سبکه کا ملی از ما موران سرای این منظور ترتیب شود، این کار یعنی انحصام بخش اعظم کار رساندن نظرات برای نظرات آتی و سایر ای فنام... سبب خود خه نبیا سدا جاره داد که این دستکا ه بخن، عرفت عال ساند با بدگوشید که این دستکا ه سآ آن در حه رکا ملیت سا خه شود که بتوان در عرض یک سب سماعی جمعیت کارگری سب بطرر - سورک را سا خرا ساج و سا مصلح سبج کرد" (لنی - ساهه بدیک رفسی در مورد وظایف سازماندهی ما)

از بیکو: بسک در شبی سره سر میبریم. سرما بدها ران و طبقات مرفه بهمدستی بسا امیریا لیسیم، سابه سوم خویش را بر سر امیریا لیسیم سببا خسته خونین مان گسترانیده اند. رنج و رجب سرشانه های ستبر کارگران و زحمتکشانمان بخت بسکتینی میکنند، عارت و استنما رجون حمانی کارگران و زحمتکشانمان را میگوید و رنجور سمسارد، با سخ حق خواهی - همچنانکه در درم کارگران سکا رامهان، دورود، ما سبیر و... ددیم - سلیک مصلحتی آمریکا سبسی پاسداران ارتجاع را بد نسال دارد ا رکیلان با خورسان و آردمانان نابلوجسان و... هرکا دکو زحمتکشان ساجا سندن، در خونگان غلطندند، چرا که این حکم ارتجاع و امیریا لیسیم است. خلق کرد، سرکش، و... مدها سبب دلاور سده انقلاب دمکراسک حوسس مهن ساز کرده اند ما را ری سازمان داری و اسده و از کانهای سرکوب مدخلقی

سحا طردا ریم، با های ارحم چرکس سده، سببا سوخته و سلاقی که با زهم، فاشتها ای اغراسه ر عزیزا انقلابیون را تکه - تکه سکرد، آسا مانیفست را از کجا آورده ای، آهای اس اعلامیه های کمونیستی را چه کسی بسردا دما هها اسهرادی مدها صربه شلاق، آ پولو، آ ویزان کردن و سبیر (۱- ۱۵ سال و با حبس ابد) اگر ریرنگ سدر سده سی ما ندی) بخا طردا ستن اعلامیه ما کسب ما رمانها ر کمونیست و انقلابی، سراسر جواع طبیا سس جنس است، رالسالوادور با کره جنوبی و ارتکوا سها و آرا زانسیون تا با کسان و ناملند و اساسا چند صد هرا را انقلابی و کمونیست گسسته داد سبب یزندان اساده و مکنجه سده اند، آ سبب ساط اعلامیه، بخا طرکا ستن بدرغای طرح انقلاب، اما هیچ افبخاری با لاترا را این کاس سبب انقلاب نیست چون نسیمی و ریدن و سدر اسللاب پاشانندن، چون سنا ره سرخی شب را شکانسی نورافشانندن، بسبا دآوریم بلشویکیها شی را کسب اینکرا را در میان توده ها شخس سکرد سسبب، لادوکت سخولی ها را که بخا طرا مین سبیر کاس سبب میشوند و هزاران بلشویکی که سه سبیری سبب میشدند، بسبا دآوریم همه کمونیستها را انقلاب سبب را که در راه افشانندن سدر انقلاب در اند و سسری ویتنام و... بسبها دت رسیدند، سببکه سسبب اعلامیه و نشریه امری است سببا سرررک، سررررگ و آنا را انقلابی چهان اگر بسبب سوده ها سبب سببا سببای روی کا غده بسبب نیستند، ما ر کسب لنینیسم، این ایدئولوژی رها شی بخش لنینیسم کا رگر با بدبا توده ها در هم آمرد و روشهای سبب یکی از پلهای بزرگ ارساط اسن اسد سبب رها شی بخش و توده های میلیونی سبب توده ها و بخصوص کارگران، گسسراری سبب عظیم و مترک و اعلامیه ها و نشریات ما، یاران! بدرها شی هستند که با بدر دل اس کسب عظیم و عزیز پیرو رده شوند و آنگاه سبب سبب انقلاب بسبب برخواهد فرساخت، اعلامیه های ما و نشریاتمان، یاران حرفه ها شی هستند که شعله های انقلاب را مشعل مسارد، آری همین نشریات ما، رهسبب اخگرها سبب که هر سبب بر میخیزد، خریق انقلاب و طبقه با سسما ر کسب را میسوزاند و خاکستر میکنند، آری یاران! بسبا ویران کنندنده دنیا ی کهن هستیم، بسس آرا کسب با اسلحه و با قهر، نطا میوسیده کهنه را سبب بسکنیم، سلاجهمان، همین سبب سبب ما سبب سبب که همیشه و همه وقت کار ساجا هدیو دونان را وای رفیق کارگری که با وجود آ سبب سبب سبب - ها یا عوامل جاسوسان کار فرما می سبب سبب با استنهمه کارخانه را علامه سبب و آکا آتن را در لانه رشور سبب کرده سبب، سبب سبب را میلرزانی و بسکا پووو مبداری، وای سبب دانش آموزی که در کیف مدرسه اب، سبب سبب سبب

به استقبال جنبش او جگین شده توده ها بش تاپیم

### “چراغی که به خانه رواست، به مسجد حرام است!”

کیهان ۸ بهمن در صفحه اول خود تیتر زده است که “وراثت امور حرام را به شکر بکنید، کروکات آنها را قویا تکذیب کرد.”

ما نمیگوئیم چرا آنها را تکذیب نکردید، آخر موضوع بالاتر از این حرفهاست، شکنجه را کسان دیگری در رژیم شما با بدببینند، تا وقتی کمونیستها و انقلابیون هستند، تا وقتی کارگران و زحمتکشان آگاه هستند، تا وقتی خلفهای بیباک خاسته کردند و ترکمن و عرب هستند، آنها را با پند شکنجه کرد، تا وقتی جوانان رزمنده ای هستند که نشریات و شعراهای انقلابی را به میان توده ها میبرند آنها را با پند شکنجه کرد و شلاق زد و پشت کمرا اینها را با پند زجاج شلاق سیاه کرد، گلوی اینان را با پند شرد تا خون از بینی شان بیرون زند، اینها را باید در زندانهای تاریک و نمور انداخت، اینها را با پند دشتا میباید و قضا نه داد، برای اینان با دهن صحنه های “عرب آور” اعدا می ترتیب داد، به خانه اینها با پند هجوم میبرد و موجب وحشت خانوادهاشان گردید، مادران و خواهران اینها را با پند در هوای سرد بر تنه های ازین برد، مادران مجاهدین را با پند مورد ضرب و شتم قرار داد و ساعتی متوالی در مستراح زندان، زندانی می کرد (شرمتان باد!)

آری ما هم تصدیق میکنیم که شما کوچکترین “بانه ای” به آمریکا نثار نکردید، اینها را شکنجه نکردید، اینها را با پند خودتان در دهلتها درجه یک سکونت داده اید، میدان باری و تفریح در اختیارشان قرار داده و فیلمهای هولناک را محض حوس آینه شان بنمایش گذاشته اید، انواع “بذیرا فیها” دیگر! چون ما هیتلر شما بورژوازی و ضد انقلابی است دشمن شما رهبریک شما کمونیستها و نیروهای بنیاده در صفحه ۲۳

نوشته و میدهند، در صورتی که چنین افرادی درست گفته باشند و از تشکیلات مربوطه تحقیق شود و موردتأیید قرار بگیرد آنها تمام حاصل خواهد شد در غیر این صورت سازمان خودش تصمیم خواهد گرفت، طبیعتا ادا می نماید شما با این فرد ضرورتی ندارد فقط سعی شما این خواهد بود که گزارش وی را از یک کانال مطمئن برای سازمان بفرستید.

رفقا! اگر شما را به دفت به اسن مثل برخورد کنید قطعا این تلاش مذمومانه ارتجاع کماکان بی ثمر مانده و نهایتا خواهد کرد که تشکیلات کمونیستی ما آنچنان آهنگین است که رخنه و نفوذ بین ضد انقلابیون بی مقدار در آن میسر نبوده و آنان درس دیگری از ما خواهند گرفت.

با امید به بیروزی!

نا بودی سرمایه داری و ایستاده سبج کردی سه پیش در کوشتی باز هم بیشتر در افتادن بذر انقلاب!

“  
یک رهنمود امنیتی  
برای پیکهای انقلاب  
رفقا!

موارد متعددی دیده شده است که عوامل مستقیم و غیر مستقیم رژیم حاکم؛ با ساد رهنمای ملسن به لباس شخصی، فالانزهای بی جیپ سره و مواجب، ایادی سا و اما، جاشیا و... با لباسهای عادی و قیافه های ظاهری فریب خود سعی کرده اند از طریق رفقای که نشریات سازمانی را می فروشند و یا رفقای که به بحث در خیابانها و اماکن توده ای میگردانند، خود را به تشکیلات نزدیک نموده و با اصطلاح ردهای و نفوذ نمایند؛ این عمل به چند صورت ممکن است انجام بگیرد:

الف: تعقیب و شناسائی منازل و اماکن رفت و آمد رفقا و کشف ارتباطات آنها،

ب: جازدن بعنوان افراد مبارزی که میخواهند با سازمان تماس بگیرند و یا افراد طرفدار انقلاب،

ج: حمل سازی و طرح این مسئله که مثلا در فلان شهر با رفقای تشکیلات در ارتباط بوده اند و بدلیل بیش آمدن مسئله امنیتی از آنجا فرار کرده و ارتباطشان قطع شده است...

بنابراین برای خنثی کردن این حیلها رسوای ضد انقلابی ضروریست که رفقای که نشریات سازمانی را میفروشند و یا به بحث در خیابانها میگردانند، به نکات زیر توجه نمایند:

۱- پس از اتمام کار (جمع کردن بساط، اتمام نشریات، پایان یافتن بحثها و دور شدن از محل شایسته که در آنجا به وظیفه انقلابی خود مشغول بوده اند) میبایست تصفیه نموده و از اینکه توسط عمال رژیم تعقیب نمیشوند مطمئن گردند و سپس به خانه ها یا اماکن مربوطه خود بازگردند.

۲- به افرادی که به اشکال مختلف سعی در نزدیک شدن خودشان به این رفقا دارند بسادگی اعتماد ننموده و سعی کنند فرد مربوطه را کاملاً ارزیابی نموده و با طرح سؤالاتی تناقضاتی را که احیاناً در حرفهای آنها مشاهده میشود استخراج کنند.

در اینجا با بد توجه نمود که نمیتوان ایس حکم را صادر کرد که تمام افرادی که به ما مراجعه میکنند با بدی ضد انقلاب هستند بلکه میبایست در نهایت هوشیاری انقلابی آنان را ارزیابی نموده و گزارش تماس خود را با رفقای دیگر خود مطرح نمایند تا در یک ارزیابی جمعی و آگاهانه به این افراد دبر خورد شود.

۳- اگر افرادی خود را وابسته به تشکیلات (مثلا در یک شهرستان) معرفی نمودند در قضا میبایست از آنها گزارشی بخوانند تا مشخصات خود و جمع مربوطه خود و رفقای همکلاسی اش و همچنین وظیفه ای که بعهده داشته است و وابسته تشکیلاتی که به آن تعلق داشته است را در آن

عوض سبب ما یعنی، ساعت مرگ سرمایه را نزدیکتر میکنند، رهبری رحمتکش، داشجو... که در زندانها طعم، مدل “حمپوری اسلامی را سلاقی و شکنجه مسجشی، اعلامیه ها میماند، بیدار آگاهی و انقلاب است و جنس است که رفقای بیگانه کرد لاور مسعودمانعی طلب نحمال دینی و رفیقی حصد رفقا حانمی و محاهد عباس عمالسی و... فقط سحر مفرس نشربند و بعضی اعلامیه سرور میخوانند و رهم غریب را زجوشی که با پای عضدی ورسولی گذاشته اند، سعنی لاجوردیها و کجوشیها و ما سا اللهد صابیهسا و عطا لیبیای جلاد، شکنجه کنان فرسا دمزنند، آهای اسن پیکار، اسن رزمندگان، اسن انقلاب این راه کارگر، اسن کارا قلمت و این محاهدرا ارکجا آورده ای؟ اما نه سرور، نه شکنجه و نه زندان با های شما راست نخواهد کرد و با رهمزحمتکشان صحگاه، هنگامی که میخواهند بسوی کارسروند، بر سرتکه های در، تراکتها و اعلامیه ها را خواهند بافت و با زهم کارگران در کارخانه های خود، ری دیوار، بیبا نیه ها و اعلامیه ها را خواهند خراب و با رهم دیوارهای رازشمار را توده ها خواهد شد و در زندان و در حمتکشان در خیابانها، با جوانان انقلابی مواجه میشوند که با فریب میگویند، پیکار، رزمندگان، مجاهد... و با در موقعیتهای نامناسب جوانی را خواهد دید که آهسته آهسته میکوبد سبک رنمی خواهد شد، و با زهم زنداننها سبک بر خراب خواهد شد، از انقلابیونی که با خود بذر انقلاب بپراکند، از انقلابیونی که گاه ها فریب دادن سازمانها و احمتکشان از جنگشان کریخته اند و کارها را از بدشولوییشان دفاع کرده اند و ادلی در هر صورت چه بنا به شرایط مشخص خود را از روی غیر سیاسی خوانده که “سنتها اعلامیه را” در گوشه خیابان یا فته است و چه در شراطلی خاص ارمان رحمتکشان قهرمانان دفاع کسرسره باشند در هر صورت هرگز هیچ رازی را بدشمن ستمنا ندر کربا را نشان را به دشمنان نشان نمی نکرده اند، شکنجه شده اند، اما دزخیسان رنسا فته اند که اعلامیه ها را جکسی به آنها داده است و با زهم شکنجه دیدگان بالنبسه اسرار نگه داشتن بر شکنجه و زندان بیروزمی شوند و سراج کام ارتجاعی و زندان و حبسهای طویل - المدت آن بیور خند خواهد شد.

یاران! اکنون، در هنگامه اعتلا جنبش در هنگامی که بوده ها بیش از پیش سیاسی شده و مسجوا هند مسائل انقلاب را حل کنند، نقش بیگانه ای انقلاب سیاسی روسیا بر برجسته گردیده است. کوشش بیشتر پیکهای انقلاب، ضربتی است بر کسرسردشمن طیفاتی گسترزرتوده های سبب آمده در انقلاب است، اگر ما کونا می کنیم، دشمن برای مدتی دیگر در آن خس و خا خواهد سروراند، ما عزمی بلشویک و اروپا کوششی بسس ارتیش در بخش شرکت کنیم و فراموش نکنیم که سخن خودتداری است عظیم برای قیام بدون شرکت فعال ما در بخش نشریات انقلابی در میان بوده ها، نمی توان بوده ها را در جهت

# دوستی است روئیزیونیستها در قبال مجاهدین: در یوزگی - چایلو سی و کینه توزی

(۲)

## چایلو سی ولجن روئیزیونیستها

علیه به مجاهدین

روئیزیونیستهای توده ای با چایلو سی تمام در گفتگوشی "دوستانه" با مجاهدین سخن خویش را آغاز کرده اند و گفته اند که منسوز برایشان این "فرض" وجود دارد که مجاهدین "فدا میریا لیست هستند و آنها را دوستان ...".  
خطاب کرده و تاریخ را به دروغ به گوا میگویند که این جریان فکری را از ابتدا مثبت ارزیابی کرده و همواره از آن حمایت کرده اند و سپس از معناری مدیحه سرائی چایلو سی، مواضع انقلابی مجاهدین را مورد حمله قرار میدهند و مدعی می گردند که بختیاری و ویسی و "خلق حلسمانی ها" و کلاً سرما یه داران و بزرگ مالکان و ... بدلیل مخالفت مجاهدین با رژیم پوپوزه جناح حزب جمهوری، برای مجاهدین کف زده و هورا میکشند! (نقل به معنی از مردم "بهمن ۵۹ شماره ۲۲۵")  
معتقد است که بر خورد مجاهدین با فدا نقشه است تغییر بریا فته است. کنی؟ کجا؟ چگونه؟ معلوم نیست و اصلاً مهم نیست! چه اگر برای اثبات حکمی با به خود نمیتوانند از نشریات ما هستند سندی بیا ورد چه پاک از کینه گشا دشمنی و دروغ پردازی خود که میتواند چنین نسبتی را به مجاهدین بدهد که گویا آنها معتقدند "گستاخ بزرگ مالکان، که در جهت برانداختن نظام جمهوری اسلامی هستند و نیرومند و قدرت باقی بمانند! بگذا ربتوا نشد و چه بیشتر این نظام را تضعیف کنند" روئیزیونیستها سپس مدعی میگردد که مجاهدین با تغییر سیاست خود در قبال رژیم خمینی سیاستی را دنبال میکنند که آمریکا توسط برزیلینکی در ایران دنبال میکنند و آن سرنگونی رژیم خمینی و حمایت از گروههای مخالف است! و سپس نظرات مجاهدین را به رسم خودشان چنین فرموله میکنند: رژیم گدوسی "ثما بنده خرده بوروازی سنی و سوسی است، که تاریخ آنرا محکوم کرده است" در نتیجه در نظر این "انقلابیون، هر نیروئی که در جهت برانداختن این رژیم، یعنی در جهت تسریع حکمتاریسیخ" باشد با دشمنان لاقوه دارای محتوای "مترقی" است و با پیدای آن پشتیبانی کرد! در نتیجه، توطئه های امپریالیسم آمریکا و فدا انقلاب پرورده اش و لیبرال ها و ما شوئیست ها و سرما یه داران و بزرگ مالکان، برای درهم شکستن این رژیم "واپسگرای محکوم" در نظر مجاهدین خلق

با لاقوه "مترقی" است پس با پیدای هر نیرویی که آما در اندازه این "رژیم" واپسگرای محکوم باشد همکاری کرد! (همانجا)  
روئیزیونیستها ارزیابی مجاهدین را از صف دوستان و دشمنان انقلاب، همان "ارزیابی کینه توز ترس دشمنان انقلاب و را دیوبختیاری" میخوانند و در سرتاسر این "مبارزه" تکیه میکنند که دوستان انقلاب در جبهه متحد انقلاب از دیدگاه مجاهدین واکتی ها، لیبرالها، سرما یه داران غارتگر و ... را در بر میگیرند! و قویا ندم مدعی میگرددند که "ما زمان مجاهدین خلق ایران از روند تضعیف رژیم حاکم کنونی بر وسیله لیبرالها و آمریکا و هر نیروی دیگر استقبال میکنند" (همانجا) و پس از اینهمه امترا، ولجن پراکنشی را زلاتا نیز مدعی می شود، و قویا ندم مدعی میگرددند: "ما منظور که شیوه همیشگی ما است، ما مقابل به بد مثل نخواهیم کرد. زیرا دستیاری به فحاشی و تحقیر زنی، آنهم تکرار ثما ولجن پراکنشی های ساواک، را دیوبختیاری و ویسی، کارکنان سنی است که در بحث سیاسی و در موضع ضعف و غیر قابل دفاع قرار میگیرند و آنها مت پذیرش نظرات منطقی را ندارند" (همانجا) سپس برای مجاهدین گزینی میخوانند که "ایا شما سیاست آرا دادارید که بدون توسل به نا سزا و توهین و اشیا مکه ما به اندازه کافی از فدا انقلاب هر روز در یافت میکنیم، پاسخ این پرسش ساده و روشن را بدهید؟" (همانجا) و با بیانی دروغین از بیابان به "فحش نامه" معروف مجاهدین، خودداری می کنند!

طبعاً پاسخ همه جا شده به این لجن پراکنشها که توسط حزب خائن توده صورت گرفته است، باید توسط خود مجاهدین صورت گیرد لیکن برای از نقطه نظریک سا زمان مارکسیستی، افشای سیاستها و شیوه برخورد بوروازی روئیزیونیستها بیک وظیفه تاریخی است.

### شیوه برخورد روئیزیونیستها با کیا ولجستی است

در ابتدا گفتیم که شیوه برخورد روئیزیونیستها با کیا ولجستی است، مدعی میباشند که برای آنها هدف وسیله را توجیه میکند؛ آنها بنا بر ما هست بوروازی خود، از سزا گرفتار هر وسیله ای اعم از دروغ پردازی، شارا زلاتا رژیم، فحاشی، ولجن پراکنشی و حتی جاسوسی برای رسیدن به هدفشان استفاده میکنند. آنها نیتها این شیوه را

در مقابل کمونیستها در پیش میگیرند، بلکه در مقابل انقلابیون دیگر نیز چنین برخوردی دارند و شوروی کونا به برتا ریخه شارا زلاتا رژیم سیاسی حزب خائن توده میتواند، به خوبی منظرهات ما را نشان دهد.

حزب توده بنا بر شارا زلاتا رژیم، هر یکباری و در نگاری خود مدعی است که از آغاز "حزب طراز سونین طبقه کارگر" بوده است و در حالیکه گذشته از آنکه یکمده از موسسین حزب را عضو ال زاده ها و جاسوسان نظیر ایرج اسکندری شارهاده ها و دکتر و دانش و احسان اللها جان طبری ارفندال زادگان نام، معطی فاشخ جاسوس انگلسان و رئیس شرکت نفت ایران و انگلیس مظهر حمال و خلق تشکیل میدادند، خود حزب سوشال اعلام بداشت؛ نسبت گدومستی به حزب توده ایران نسبتی که دست سید فضا، میگویند و اردا رند و بدان وسیله سخن دارند که سرما یه داران و تحار اسراشی را از ما سترسانند، نسبتی است غلط و دور از حقیقت. حزب توده ایران حزبی است مشروطه خواه و طرفدار قانون اساسی " (ر شماره ۲۸۵ سال ۱۳۲۲).

آری حزبی که هدف خود را "مافی هیچ طبقه اجتماعی" نمیداند و اعلام میدارد که "حزب توده ایران، برای سرمایه داران مالک از دنیا دور و اراحتی و جهان را فرا هم میکند" (جزوه سوشال حسابی ما چیست) خود را حزب طبقه کارگر میخواند و مدعی است که از زمان ابتدا برچم طرفداران مل را در ایران برافراشته است. (۱)

حزبی که مشهور است که لیت خود را "اجرای آن مقدراتی" میدانند که قانون اساسی ما تاکنون پنج شامه اجرا و حفظ آن سرگندنا د کرده اند " (دنیای - دوره دوم - سال دوازدهم - شماره ۲ سال ۵۵) یعنی مظفرالدین شاه محمد علی شاه، احمد شاه و پهلوی و محمد رضا شاه) حزبی که میگوید "در گدا مبادا گناهناست شده است که بر ما مورویسه حزب توده ایران با مقدرات غا نونسسی ۳۱۰ انقلابی دارد یعنی به اصطلاح ما نسون ۱۰۰۰ برای مورویسه شارا شراکتی است یا سلسله مراتب مشروطه ایران؟" (مردم سپر ما ۲۹۰) حزبی که شاره را نمابنده سرما یه داران اصلاح طلب خوانده و شاره و سوشال و سوشال را چه روا به خوانده (دنیای - مهر ۵۲) حزبی که خواهان آن است که جناح سالیستروواتح بین ترهیت حاکمه زمام امور را بدست گیرد و در همین حسابار "قدا مات شرقیها ناهناکه بمنظور زمین بردن سنا سنا ت فلودالی (توسط شاه) ... میباشند پشتیبانی میکنند (مردم شماره ۶۹ - پیام ایرج اسکندری ...) و سردیکی شاره شوروی را بنفع ایران میخواهند! حزبی که خواهان تبدیل سلطنت استبدادی به سلطنت مشروطه میشود و سرگونی رژیم استبدادی را با حفظ رژیم

# روئیزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

سلطنتی شاه ممکن می‌شمارد (بسوی حزب شماره ۱۱) و بدنیال جلب متحدینی در هیئت خاکه یعنی جناح "دورا ندیش وسا لستز" می‌گردد (دنیا شماره ۷۶ سال ۵۴) و دهها فرصت طلبی و عوام فریبی و شاید دیگر، امروزه بکلی منکر آنها شده و چنین واقعیاتی را اراجیف را دیویختیا روسا و اک و سیا میخوانند! این فرصت طلبان خائن، شارلا - تا نیمه رانه تنها در آستانه نبوسی درگاه در رژیم خائن شاه بکاری می بردند ولی امروز نفی میکنند بلکه برخورد فدا نقلایی شان نسبت به جنبش خلق را نیز منکر میشوند آنان که قیام تیرریز را تحریک مثنی "ما جراجو" خرابکار "ما شوئیست" و "سا واک" قلمداد نمودند آنان که دیروز جنبش سال ۴۲ را کارگزار محافل سیا هفتادالی "وارنجاعی (منطور خمینی است) خواندند، آنان که دیروز مسارات انقلابی مجاهدین و فدا نیاز را وارونه جلوه داده و اظهار میداشتند "چه بسا گردانندگان رژیم و به اصطلاح مقامات امنیتی، خود در تحریک خسته جوانان دست دارند" (گفتارهای رادیو - بی - فروردین ۵۵) و مبارزات مجاهدین را تفرقه بازی و آشاقه فروزی "که آب به آسباب شروریم عصبی" میریخت قلمداد کرده و معتقد بودند که مجاهدین مذهبی سرشان در "تویبره" تروریم بود. ۰۰۰ (بسوی حزب شماره ۱۱)

آری امروزه مدعی میگردند که زهمان ابتدا از مجاهدین پشتیبانی میکردند! و خمینی را که اکنون فدا نقلایی گشته است، رهبر جبهه متحد خلق خود میخوانند! اینان که تا دیروز از لیبرالهای خاشی چون سنجابی و بازرگان و ۰۰۰ - میگردند که رهبری جبهه متحد ملی را بدست نبرند، امروزه که هژمونی قدرت در دست حزب جمهوری است، فرصت طلبانه از او دید تا میسین مسافح سوسیال امپریالیسم، لیبرالها را جاده صاف کن امپریالیسم آمریکا میخوانند در حالیکه تا دیروز هر کس که جبهه ملی و بازرگان و امثالهم را لیبرال خاشی میخواند، آنرا شرا - چسب رویشیت" میخوانند و معتقد بودند جبهه ملی شما یکنده بورژوازی ملی ایران است و لیبرالها را جناحی از حکومت شاه مانتندستی! حمدها و ۰۰۰ تشکیل میدهند (بسوی حزب شماره ۱۱)

**حزب توده: هر که مخالف رژیم است در خط آمریکاست**

امروزه رویزیونیستها که بدرگاه خاکه است اسلامی "چشم دوخته اند و آن بی دروغ حمایت میکنند، هر نوع مخالفتی با خاکه است (بویسزه جناح حزبیها را ناشی از پیشرفت خط آمریکا میداند، اینان میگویند: هژودا لها و سرمایه - داران بزرگ برای مجاهدین هورا میکنند و کمونیست ها هم، خط آمریکا هستند! زیرا هم آمریکا و هم: بین نیروها هر دو مخالف جمهوری اسلامی هستند!

براساس این استدلال شاید آنها بدگفت سوسیالیسم و امپریالیسم با یکدیگر فرقی ندارند

چه در جنگ جهانی دوم هم امپریالیستهای خون - خوار آمریکا و فرانسه و... با فاشیسم هیتلری مخالف بودند هم شوروی سوسیالیستی پس ایندو در عمل هیچ فرقی با یکدیگر ندارند! بی شک ذکر چنین منالی خنده آ و راست، آخر مگر میشود اهدافی را که شوروی سوسیالیستی در جنگ بسا فاشیسم هیتلری دنبال مینمود با اهداف امپریالیستهای فرانسه و آمریکا و... یکسان قلمداد کرد؟! تنها یک ذهن علیل و شارلاتان میتوانند چنین تحریفی را بنمایند، در مسورد ایران نیز مسئله روشن است. همدا روسته بختیار برای تا مین منافع فدا نقلایی امپریالیسم آمریکا بر علیه خاکه است و بیوژه جناح - حزب فدا لیت می کنند و هم نیروهای انقلابی بسرا تا مین انقلاب، تا بودی سلطه امپریالیسم و کونا کردن دست سرمایه داران وابسته بسا حکومت فدا نقلایی کنونی که منافع و دستاوم انقلاب ایران است مبارزه میکنند بر خلاف ترهات رویزیونیستها، با روسته اولی برای تا مین منافع امپریالیسم و سرمایه داران وابسته و دست دوم برای نابود کردن آن به مبارزه علیه جمهوری اسلامی بی میخیزند و روسته رویزیونیستها نیز علیرغم هر گونه شکاری که بر علیه امپریالیسم بدهند، از آنجا که با دفاع از خاکه است کنونی، به دفاع از سیستم سرمایه داری وابسته ایران، این پایگاه اصلی امپریالیسم برخاسته اند، بنا بر این جزو بهترین حامیان امپریالیستها هستند.

رویزیونیستها برای توجیه مواضع ضد - انقلابی خود، نه تنها فرصت طلبانه میگویند اهداف نیروهای انقلابی و کمونیست را با اهداف امپریالیسم آمریکا یکسان جلوه دهند بلکه در این راه زهیج دروغ پردازی خودداری نمیکنند و قبحانه مدعی میگردند که مجاهدین از روند تضعیف خاکه است کنونی بوسیله لیبرالها و آمریکا پشتیبانی میکنند و بدتر از آن هسر نیروشی را که مخالف رژیم کنونی با شد متری میداند!

براستی چهره کریه شارلاتان نیسم و دروغ - پردازی چگونه میتوانند در لابلای این اراجیف پنهان بمانند؟ چه مجاهدین چه کمونیست ها در کجا گفته اند، هر نیروشی که فدا این رژیم باشد متری است؟! این تنها از مغز علی - ل رویزیونیستها بر میخیزد که همه جریانهای سیاسی را صرف نظر از ماهیت طبقاتی، اهدافشان و... تنها با ملاک مخالفت با رژیم خاکه می سنجند. اینان در لجن پراکنی خود و دروغ پردازی هیچ گونه شرم و حیاشی نمی شناسند، شاخه ارتریس دروغها را نیز برای توجیه مواضع فدا نقلایی خود بکار میبرند و از اینرو است که در نقد بسه - اصطلاح نظرات ما پیرامون جنگ کنونی و قیحا نه میگویند "هدف آن (منظور پیکار راست) وابسته و متجا وز نشان دادن ایران و مستقل و ملحدوست معرفی کردن رژیم جنا پیکار رسد ام است"

رویزیونیستها نمیتوانستند دور تحریف دروغ پردازی و بکار گرفتن شبهه های ساده اند و ماکیا ولیستی، مواضع نیروهای انقلابی را مورد نقد قرار دهند، و بجز این هم نشا، بدانند داشت، رویزیونیستها شی نظیر حزب خاشن نوده مشی و سیاست بورژوازی داران را نیز و صند البته در شیوه برخورد نیز، به شیوه های بورژوازی و ماکیا ولیستی متوسل میشوند. فرهنگسگ گنبدیده بورژوازی به آنان حکم میکنند بسرا ی رسیدن به هدف از هر وسیله، از دروغ پردازی و جعل و تحریف نظرات گرفته تا... استفا ده کنند.

**رویزیونیستها "اکثریت چه می گویند؟"**

اکثریتی ها که برادرخوانده حزب توده و رویزیونیست نوپا محبوب میگردند، با تقلید و فراگیری درسهای رویزیونیسم از حزب خاشن توده موبه موهمان لاطا ثلات را در مورد ما هدیس تکرار میکنند، اینان برای عقب نماندن از برادر بزرگان بازم در نامه پراکنی مجدد بسه مجاهدین ضمن چاپلوسی های گوناگون کسه بسا شید کلمات "موهن" را بکار میبریم، بسا شید گفتگوی منطقی" براساس "اعتقاد مشترکمان" که هدف "ارتقا" گاهای فدا امپریالیستی "را دنبال میکنند اما مدهیم و... از "با وردا شدن به ضد امپریالیست بودن" مجاهدین سخن میگویند (کا رویزیونیستی ۹۳) و گله و شکایت که چرا ما را جزء "جبهه متحد" را تجاع گذاشتید! سپس مدعی میشوند که امپریالیسم آمریکا در استرا - تژی خود "هدف مقدم را سقوط "خط امام" از قدرت و روی کار آوردن لیبرالها و دیگر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم قرار داده است" و مجاهدین نیز با افشای خط امام همان کار را میکنند. (هما نجا) سپس مجدداً لولو خر خسته امپریالیسم و... را علم کرده است که بنا سر آن مجاهدین با بدهمدوش با رژیم خاکه مفاصله با توطئه امپریالیسم برخورد.

رویزیونیستها از عمیق، سازنده صدا میرید - لیستی پس از گذشت دو سال بدیرکت تلانهای جناحی از رژیم جمهوری اسلامی، افشا شدن لیبرالها و شناخت امپریالیسم توسط مردم مبهمنان سخن میگویند. (نقل به معنی از کار رویزیونیستی ۹۴)

رویزیونیستها ی اکثریت به موضع گیری با لسنبه درست کنونی مجاهدین در قبال سفارت را که گفته اند کروگانگیری ما شوری برای بدر کردن حریف از صحنه و کوبیدن نیروهای واقعی فدا امپریالیست صورت گرفته است، اشاره کرده و قیحا نه میگویند: این همان مواضع میزبان بنویس ها و لیبرالهای دوا تشه است! (نقل به معنی از همانجا) و شیا دانته میگویند و نمود کنند که منظور مجاهدین از نیروهای واقعا فدا امپریالیست لیبرالها هستند، و سپس با دروغ - پردازی و وقفا حتی که از برادر بزرگان فرا گرفته اند، میگویند که مجاهدین با موضع گیری



علیه خط اما مبعنوان خط ارتجاع، به سرای  
امپریالیسم نقش پیشینترین نیروی مبارزه  
ضد امپریالیستی قائل میشوند! (نقل بسمعی  
از همانجا).

در قسمتهای قبیل تبلیغات دروغیست  
رویزونیستها را مبنی بر اینکه هرکس مخالف  
رژیم جمهوری اسلامی باشد، عملاً همدست آمریکا  
است، نشان دادیم، اکنون با پدید آمدن ششادان  
رویزونیستها به ما هدیه از چه زاویه ای صورت  
میگیرد.

### مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه علیه ارتجاع داخلی جدا نیست

رویزونیستها همواره مبارزه واقعی بر  
علیه امپریالیسم که لاجرم با مبارزه علیه ارتجاع  
داخلی گره میخورد را از یکدیگر جدا نمیکند.  
آنان این مسئله را که پایگاه اصلی امپریالیسم  
در یک کشور تحت سلطه ما ننهد ایران، مناسبات  
سرمایه داری وابسته و ماشین دولتی آن است  
را به فراموشی میسپارند. و بر این اساس مبارزه  
دمکراتیک را از مبارزه ضد امپریالیستی نیز  
جدا میسازند.

از نظر ما رکیبتهای مسئله روشن است. یک  
مبارزه انقلابی ضد امپریالیستی تنها با  
اقدامات انقلابی دمکراتیک صورت میگیرد،  
نمی توان توده های دمکرات و ضد امپریالیست  
را سرکوب نمود و ضد امپریالیست بود، نمیتوان  
با انقلابی ترین نهادهای دمکراتیک ما ننهد  
شوراهای واقعی کارگران، دهقانان، سربازان  
و خلقهای تحت تسلط دشمنی نمود و در عین حال ضد  
امپریالیست بود، نمیتوان حقوق ملیتهای  
تحت تسلط را زیر پا گذاشت آنرا سرکوب نمود  
از ما در راهی زمینداران توسط دهقانان  
جلوگیری کرد و صدای آنان را خفه کرد و در عین  
حال ضد امپریالیست بود و بالاخره نمیتوان در  
عرصه سیاسی و اقتصادی تمامی سیاستهای ضد  
انقلابی و ضد دمکراتیک را در پیش گرفت و بسا  
ضد امپریالیست بود، رژیم حاکم ما شین دولتی  
پاسدای سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است  
"خط امام" نیز خطی است در بطن حاکمیت کنونی  
و جزئی از آن و از اینرو خطی ضد انقلابی است.  
رویزونیستها مبارزه ضد امپریالیستی را  
بدون مبارزه علیه ماشین دولتی حاکم که بسا  
مناسبات سرمایه داری وابسته استوار است ممکن  
میدانند. برای آنها مهم این است که رژیم حاکم  
یا جناحی از آن فی المثل با امپریالیسم  
آمریکا مخالفتهاش داشته باشد تا از آن اختلاف  
و لواط نکه ضد انقلابی باشد، حمایت کنند.

به همین دلیل بود که حزب خائن توده بدشمال  
جناح مترقی و دوراندیش در هیات حاکمه میگشت  
تا همدوش با آن مبارزات توده ها را به پیش ببرد  
و با زبانه های دلیلی بود که قبل از قیام، اختلاف  
لیبرالها با امپریالیسم را مورد حمایت قرار  
میداد و از آنها بعنوان "بورژوازی ملی" پاسداری

مینمود، اینها حتی خواهان در دست گرفتن  
رهبری مبارزه ضد امپریالیستی توسط بازرگان  
و سنجایی بی بودند. و امروز نیز همچنان نفس  
اختلاف حزب جمهوری و خرده بورژوازی مرفه سنتی  
با آمریکا برای اینان ملاک حمایت است.  
رویزونیستها برخلاف ما رکیبتهای، ملاک حمایت  
یا عدم حمایت از حکومت را نه بر خورد دولت به  
پرولتاریا، توده های ستمدیده و کلا انقلاب،  
بلکه دوری یا نزدیکی به امپریالیسم آمریکا  
در نظر میگیرند. از نظر رویزونیستهای غروشیفی  
هر حرکتی که در جهت دور شدن رژیم جمهوری اسلامی  
از امپریالیسم آمریکا و نزدیک شدن به سوسیال  
امپریالیسم شوروی باشد، مترقی است! علت  
حملات رویزونیستهای توده ای و اکثریتی  
بر علیه لیبرالها را نیز باید در همین امر جستجو  
کرد. چه رویزونیستها از آنجا که می بینند  
لیبرالها نزدیکی بیشتری به امپریالیسم  
آمریکا دارند، خواهان افشای آن هستند تا بزعم  
خودشان خط امام را از امپریالیستها دور ساخته  
و به "ردوی سوسیالیسم" رهنمون سازند. از  
اینرو آنان از زاویه ای ضد انقلابی و به سرای  
کشانیدن جناحی از رژیم که دارای برخاستنی  
اختلافات با امپریالیسم آمریکا است، به سوی

سوسیال امپریالیسم وطنی راه رشد غیر سرمایه  
داری، خواهان افشای لیبرالها هستند. در  
حالی که کمونیستها از زاویه منافع طبقه کارگر  
و انقلاب لیبرالهای ضد انقلابی را در کنسپت  
تصانیف جناحی هیات حاکمه افشا میکنند و آنها  
را هدف مبارزه انقلابی خود قرار میدهند.

اگر رویزونیستها به گرایش لیبرالیستی  
مجا هدین حمله میکنند، برای جذب آنان بسوی  
جناحی دیگر از ضد انقلاب حاکم و نجات مبارزه ضد  
امپریالیستی دورغین از طریق طی راه رشد غیر  
سرمایه داری هستند!

اینان مخالفتها و یا حتی توطئه امپریالیسم  
را بر علیه این رژیم بهانه ای ساخته اند تا  
مواقع ضد انقلابی خود را در حمایت از آن بپوشانند  
و بر این مسئله اصلی پرده ها ترمیم میکنند که اگر  
امپریالیسم مخالفتهاش نیز با جناحی از هیات  
حاکمه دارد، به دلیل ضد امپریالیست بسودن  
حکومت با جناحی از آن، بلکه به دلیل عدم توانایی  
لازمه این حکومت در سرکوب جنبش انقلابی و عدم  
توانایی لازم در بازسازی سرمایه داری وابسته  
است. از اینرو است که امپریالیسم آمریکا با این  
رژیم اختلافی دارد و برای آن رژیم کاملاً  
مطلوبی نیست.

امپریالیسم برای سرکوبی جنبش انقلابی خلق  
ایران به طریق که بتواند عمل میکند، به دین  
لحاظ از رژیم جمهوری اسلامی در مقابل جنبشی  
خلق حمایت میکند و برای تأمین بیشتر و تأمین  
از لیبرالها در مقابل جناح حزب حمایت میکند  
و نه ایضا، ایده آل خود را در جایگزینی حکومتی  
کارگزار ربحی حکومت فعلی می بیند که هدف  
امروزه با توجه به رشد جنبش انقلابی ایران،  
هوشیاری توده ها در مقابل امپریالیسم و

وضعیت بین المللی، امپریالیسم آمریکا قادر به  
چنین حرکتی نیست و خط اصلی اش تقویت  
لیبرالها و مجبور نمودن جناح دیگر به سازش با  
خود میباشد. اما در صورت هدف امپریالیسم  
آمریکا از هر کدام از تاکتیکهای که در پیش  
گیرد، مصلحتاً باید جنبش انقلابی خلق است. چنین  
است که برای تأمین این مقصود، حتی رژیم  
ارتجاعی وابسته ترکیه را سرنگون نموده و  
حکومت ژنرالها را برقرار می نماید. بدین لحاظ  
از نظر کمونیستها و انقلابیون، مصلحتاً باید توطئه  
های امپریالیسم بر علیه خلقهای ایران با  
مبارزه علیه رژیم و در شرایط معین سرنگونی آن  
میسراست. نه شمشیر زدن بزرپرچم دروغیست  
جناحی از هیات حاکمه، تنها با اتکا به بسیج  
مستقلانه خلق بر علیه توطئه های امپریالیسم  
و تعمیق مبارزات ضد ارتجاعی - ضد امپریالیستی  
خلقهای ایران است که میتوان همچنان در راه  
انقلاب به پیش رفت.

### مهمترین انحراف مجاهدین: مناسبات بالی

این امر که رویزونیستهای غروشیفی  
میگویند تا ما هدین را بزرپرچم جناحی از ضد  
انقلاب بکشند تا از کدام سالهاست و موضع ما  
در قبال ما هدین چیست؟

همانطور که قبلاً نیز گفتیم انحراف دوستان  
ما هدین در برداشتن شوروی هنوز هم سوسیالیستی  
است از زمینه ای است که رویزونیستهای غروشیفی  
خروشیفی را بر آن مینویسند که برای ما هدین  
دانه های شیده و بگوشند آنها را نیز همراهی با  
"خط امام" به راه "رشد غیر سرمایه داری" گام  
راهی جز سرمایه داری وابسته به امپریالیسم  
شوروی نیست، بکشند، رویزونیستها به سرای  
تقویت و مستحکم کردن جبهه متحد ارتجاع خویش  
که البته ویژگی اش با مستگیری مسوی شوروی  
مختص میشود، به لحاظ تزلزل ما هدین در این  
مورد و همچنین نقش مهمی که در عرصه مبارزه  
دمکراتیک ایفا میکنند، حساب می نماید.

این دوستان ما هدین بدینگونه استدلال  
ارتقاء مواضع خود و قاطعیت نمودن مرزبندیها -  
بتان در قبال شوروی امپریالیستی، آنان را  
"نامید" گردانیدند و فقط این، بلکه مدتی از  
آن و در درجه اول، مرزبندی خود را در مقابل  
قدرت سیاسی حاکم، مستحکم نماید. چه موفق  
قاطع شما در مقابل رژیم جمهوری اسلامی نیست  
بشود و این را در بسودخواهد کرد، چنانکه  
می بینیم حزب خائن توده، حملاتش را بر علیه  
شما افزوده است و ما از شما تقاضا میکنند که  
مبارزه های حاکمه را بکناری گذاشته و بزرپرچم  
جناح حزب جمهوری و "خط امام" گرد آید.

اما مهمترین انحراف که رویزونیستها  
میتوانند با تکیه بر آن، به ما هدین شدیداً  
حمله نمایند، عدم مرزبندی قاطع ما هدین با  
لیبرالها است. سر تا سر توده رویزونیستهای  
فدائیان و "حزب توده" سلواژ "بل گوی" از این  
بسته در مضمون ۱۴

بقیه از صفحه ۱ رهنمودها

دارند و با بیستی چنین روزی را گرامی بدانند  
کدبه آرمانهای انقلابی خلقهای مادریام ۲۲  
بهمن وفادار بوده و همچنان پیگیران آنسرا  
دنیا ل میکنند. آنها با یدکوشش فریبکارانهای  
را که رژیم جمهوری اسلامی بمناسبت سالروز  
قیام مبعرج میدهد و وسیعترین شکل ممکن افشا  
شده و چهره گریه آنرا برای توده های زحمتکشی  
که تا کنون بدلیل نا آگاهی نتوانسته اند  
بشناهند، افشاء نمایند. با یدبه توده ها نشان  
داد، رژیمی که در عرض این دو سال، قدم بقدم  
پاجای پای رژیم شاه گذاشته است، رژیمی که  
مناسیات ستعگرا نه و ضد مردمی سرمایه داری  
و بسته را حفظ و احیا نموده است، رژیمی که  
سرمایه داران و زمینداران بزرگ را در مقابل  
بورش طبقه کارگر و توده های زحمتکش حماست  
کرده است، رژیمی که تنها در خلال این دو سال  
هزاران تن از زحمتکشان و انقلابیون ما را در  
کشان، ترکمن صحرا، انزلی، درود، اندیشک  
و... به خاک و خون کشیده است، رژیمی که تا  
همین مدت مدها تن از انقلابیون و کمونیستها  
وکسانی را که پیگیرترین مبارزین در دوره  
خفان و دیکتاتوری شاه و پس از آن بودند، به  
بند کشیده، شکنجه و اعدام کرده است، رژیمی که  
هزاران تن از توده های زحمتکش ما را بگروشت  
دمتوب سرمایه داری در جنگ ایران و عراق  
تبدیل نموده است... آری چنین رژیمی  
حکومتی نیست که وارث قیام مردمی و پرشکوه ۲۲  
بهمن باشد و همین دلیل با یدفریبکاری و  
شایدی او را وسیع افشاء نمود. به این ترتیب  
کمونیستها با حرکت از این درک که این قیام  
فقط بهمت و با تکا قدرت و فداکاری عظیم طبقه  
کارگر، زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران  
نتعلق یافته و از همین روشا بستگی بزرگداشت  
و گرامی مدها شد این روز را فقط، طبقه کارگر،  
و های تحت ستم، انقلابیون و کمونیستها  
ندوند، با یدبه استقبال آن رفته و سالگسرد  
آنرا وسیله ای برای افشای گسترده رژیم  
جمهوری اسلامی و رویزیونیستها ی خائن بنامید،  
در راه بطنه با درک فوق رهنمودهای ما به  
رفقای هوادار چنین است:

۱- کلیه رفقای که در راه بطنه با سازمان  
دانشجویان و دانش آموزان پیکار (س.د.د.پ)  
و با در طیف سمیها و هواداران سازمان، قرار  
دارند، با یدوظیفه شما رنویسی بر روی دیوار،  
بزرگ نویسی یا تکثیر و پخش و فروش نشریات و  
اعلامیه های سازمان را در تمامی نقاط فعالانه  
بر عهده گرفته و در مقامیسه با گذشته آنرا گسترش  
و بهبود بخشند.

۲- تبلیغ و توضیح ایده های سازمان در  
میان طبقه و توده ها، به جریان انداختن بحث و  
گفتگو در مجامع توده ای حول قضا یای قیام و  
پیامدهای آن، روشنگری در باره رژیم جمهوری  
اسلامی و ماهیت سرمایه دارانه و فدا انقلابی آن و  
افشای کارنامه سرمایه و دوسال آن.

۳- افشای خیانت ها و تملق گوئی های  
رویزیونیستها ی خائن حزب توده و فدا شسی  
"اکثریتی" و افشای همکاری بیدریخ آنها بسا  
رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب جنبش توده ای و  
نیروهای کمونیستی و انقلابی.

لزم به تذکرات که خائنین "اکثریتی" اخیرا  
ما موریت یافته اند تا سازمان ما را که در افشای  
چهره مزورانه این فدا نقشبون و رژیم جمهوری  
اسلامی نقش بارزی داشته و به اشکال مختلف  
مورد حمله و اتهامات و قیبا نه قرار دهند. در این  
مورد کلیه رفقا وظیفه دارند، با هوشیاری و  
آگاهی کامل مع این خائنین را در نزد توده ها  
با زکرده و آنرا را رسوا سازند.

۴- توضیح این مساله بسا ر مهم و اساسی  
برای توده ها که فقط و فقط پرولتاریا و حزب  
اوست که میتواند انقلاب دمکراتیک - فسد  
امپریالیستی خلقهای ما را به پیروزی رسانده  
و آنرا بسوی سوسیالیسم سوق دهد و در همین رابطه  
برجسته نمودن وسیع و گسترده آلترنا تیسو  
کمونیستی در جا مع و حقا نیت کمونیستها و  
مواضعشان در این دو سال و توضیح و تبیین  
حملات و یورشهای و خنیا نه رژیم جمهوری اسلامی  
به کمونیستها و انقلابیون، همچنین در رابطه با  
مسئله بالانراست ضمن اینکه رفقا با هواداران  
مجا هدین نهایت همکارانه همکاری را محتایند  
(طبقه ۱-۲) دمکراتیسم آنان کشش داشته  
با سدو این آمادگی را از خود نشان دهند (سند)  
مواقع متزلزل و شدیدنا پیگیرانها را نسبت به  
کل رژیم و پیروزیه لیبرالها توضیح داده و ایسن  
مواقع را ستروا نه را افشا نمایند. وظیفه  
برجسته کردن آلترنا تیسو کمونیستی بخصوص در  
شرایطی که نیروها یی چون مجا هدین تا ایسن  
اندازه متزلزل و نا پیگیری نشان میدهند، از  
اهمیت برجسته ای برخوردار است.

۵- کلیه هواداران غیرتشکیلاتی و رفقای  
که بهر دلیل در رابطه با تشکیلات، سازمان  
نیافته اند بسهم خود وظیفه دارند در چهار چوب  
رهنمودها و شعارهای سازمان که از سوی "پیکار"  
و سایر نشریات و اعلامیه های سازمان مطرح  
میگردد، به اشتراک و کار رتوده ای پرداخته و  
به اشکال مختلف نظیر تکثیر و پخش نشریات  
و اعلامیه های سازمانی، پیوژه اسناد افشا گرانه  
شاعرنویسی بر روی دیوار، بحث و گفتگو و...  
نظرات سازمان را بدرون توده ها بچرند.

رفقا باید توجه نمایند که این قدمهای کوچک  
امری ضروری برای تحقق چشم انداز باشکوه فداست.  
تحقق آرمان با شکوه سوسیالیسم و آزادی طبقه کارگر  
و زحمتکشان ایران فقط با پشتکار و پیگیری عظیم  
تمامی پیشروان طبقه کارگر و آزاده جمعه تکتک اعضا  
و هواداران مدنی و فدا سازمان، امکان پذیر است.  
رفقا! بکوشیم، سالگرد قیام خونین بهمن ربه  
عاملی جهت طرح آلترنا تیسو کمونیستی و افشا و  
مبارزه علیه آلترنا تیسوهای ارتجاعی و فدا انقلابی و  
افشای نا پیگیریهای مجا هدین تبدیل نمائیم!  
پرشکوه با دخاله قیام خونین ۲۲ بهمن

بقیه از صفحه ۱۳ رهنمودها

انحراف مجا هدین است. ما میپرسیم چرا دوستان  
مجا هد، با افشای بیدریخ لیبرالها در ارتقاء  
مبارزات دمکراتیک - فدا میپریالیستی خلق  
های ایران نمیگوشند؟ ما یددوستان مجا هد  
بگویند ما (سازمان پیکار) نیز همچون رویزیو-  
نیستها، به این انحراف مجا هدین حمله کرده ایم  
پس هر دو یک چیزا میکوشیم! نه دوستان مجا هد  
اگر به صداقت انقلابی وفاداریم، ندره ای در  
اختلاف پیکاران موضوعی ما بر علیه ترسزلات  
لیبرالی شما با موضوعی های رویزیونیستها  
در اینها ره شک نخواهیم کرد. اختلاف ما و رویزیو-  
نیستها در انتقاد از موضع لیبرالی شما،  
علیرغم شباهت ظاهری از دو موضع یکی انقلابی  
و دیگری فدا انقلابی است. رویزیونیستها برای  
ترک صفوف مبارزه و پذیرفتن رهبری جناحی  
دیگر از فدا انقلاب از شما دعوت میکنند و کمونیستها  
و از جمله سازمان ما برای گسترش مبارزه علیه  
کل رژیم جمهوری اسلامی به منظور بشمورساندن  
انقلاب فدا رتجاعی - فدا میپریالیستی خلقهای  
ایران! همانظوری که مخالفت مجا هد بسن و  
امپریالیسم آمریکا در مقابل ما با مخالفت حزب  
جمهوری (علیرغم شباهت ظاهری) ۱۸۰ درجه بسا  
یکدیگر منفرات!

باری ما زدوستان مجا هد میپرسیم چرا در  
جبهه متعدد رتجاعی که ما میپرسیم، ما کسی از  
لیبرالهای فدا انقلابی نیست؟ ما فدا لیته جبهه ای  
که شما به افشای آن پرداخته اید، رتجاعی است،  
لیکن علیرغم اختلافاتی که لیبرالها با ایسن  
جبهه دارند، خود نیز جزئی از این جبهه فدا انقلابی  
هستند. لیبرالها نیز دشمن شما و سا برا انقلابیون  
و کمونیستها هستند، آنان فریبکارانها امروزه  
میخواهند با حمایت های تاکتیکی و عوامفریبانه  
از شما، از حیثیت شما سوء استفاده نموده و خود را  
با صلاح در دل خلق جای دهند!

دوستان مجا هد! بار دیگر از شما میخواهیم  
با تعمیق مبارزه علیه کل حکومت و با افشای  
لیبرالها و قاطعتر نمودن مرز بندیها بستان  
با آن، و اولادرا ارتقاء مبارزات توده ها بیش از  
پیش بکوشید و تا نیا تبلیغات مسموم کننده و ضد  
انقلابی رویزیونیستها را عقیم سازید!

اگر خواست افشای لیبرالها از بسوی  
رویزیونیستها، خواستی است که از حلقوم ضد  
انقلاب بیرون میاید، خواست افشای لیبرالها  
از سوی ما، خواست کمونیستها و کلیه انقلابیون  
وتوده های متحدیده ایران است که بد منظور  
گسترش انقلاب بر علیه امپریالیسم و ارتجاع میباشد.

(۱) - البته اگر چه حزب توده مرکز حزب طبقه کارگر  
نبوده است، لیکن تا قبل از سال ۲۲ یک حزب خرده-  
پروروا - دمکرات محسوب میشد.

درود بر تمامی شهدای به خون خفته خلق  
بسرقراریا جمهوری دمکراتیک خلق  
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

# سندی دیگراز خرید قطعات یدکی از آمریکا

سراں رژیم زحزی ها گرفته تا لبرالها همه منکر واسطه بیسن آمریکا و ایران هستند، همه آنرا حانا میکنند، اما هیچیک به توده ها صحبت را نکندند و در حساب ما هست مدخلی انا ن نمیتوانند صحبت را بگویند:

سندی مدر میخواهد اما مدحک " بدون دریافت قطعات یدکی " را میبرد و بر ما سدی خودش وانمود کند و راجائی فریبکارانه ادعا میکند که در سراسر ایران کجا و هوا سما های دشمن ارنارنجک دستی وجوب و حقای اسفاده میکنند! احاروا سنادی کدما و دیگر کمونیستها در رابطه با خرید سلاح و قطعات یدکی منشر کرده اند بمرور روز حقیقت خود را بیسریه بوده ها سنا ن بیدهد و در ریزش شوهم آنا ن نسبت به این رژیم مدخلی سس صالی را ایفا مینماید.

سندروسرو نشان میدهد که در تاریخ ۳۱ دسامبر ۸۰ (دهم دیماه ۱۳۵۹) تلگرافی از طرف شرکت " وسترن دینا مکزنا بینترنا شنسال " Western Dynamics INT'L به نیروی هوایی ایران (خطاب سه سرهنگ لسانی) ارسال شده است. در این تلگراف لیست تفصیلی قطعات یدکی آمریکائی جهت تحویل به نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران ذکر شده است و سبای آنها از طریق بانک "آستردام - روتردام" هلند قابل برداشت میباشد. " وسترن دینا میکرا بینترنا شنال " در پایان تلگراف اعلام کرده است که کالاهای آماده تحویل اسد و هر طور نیروی هوایی ایران صلاح بدانند آنها را به خطوط کشتیرانی آریایا به دفتر خطوط هوایی ایران در لندن یا به جلفا، یا به مرز سازرگان یا بندر عباس تحویل خواهد داد.

این تلگراف که مستقی برقرار داد سن نیروی هوایی ایران و آن شرکت آمریکائی اسد در زمانی ارسال شده که هنوز کروزگانها در ایران سوده اند و مذاکرات ادا مددا تنه است. این فراداد در حالی اجرا میشود که قریبا دهائی " حدآ آمریکا تی " رژیم کوش فلک را کر کرده اسب.

رژیم جمهوری اسلامی خود با امسرا لیسنها روابط پنهانی و سارس های خاشانه دار دآ تنگ دکمونستها و نیروهای انقلابی را وصحانه " آمریکا شی " هلندا دمیکند. اربک رژیم فدا نملایی جز اسس انطاری نسبت.



## خانه گردی شبانه پاسداران در میانند آوب

حوالی سنده شب ۲۵ دسامبر، پاسداران و کمیته جی های میانند آوب به خانه های مردم رحمتکس این شهر هجوم برده و به خانه گردی و رفتنیش پرداختند. این مرتجعین که که ادعیا ل شخص معینی میکنند، فرد دیگری ارخا خواهد وی را به کروزگان گرفته و با خود میبردند. این مردوران " مگسی " از دزدان پول و اشاء قیمتی مردم بنبر فروکدا رنگردند، رفقای هوادا در میانند آوب با انتشار اعلامیه نوضیحی، سورش سبانه مزدوران رژیم را به خانه های مردم میانند آوب اعنا کرده و با اساره به جنابا ت رژیم، مردم را به مقاومت و مبارزه در سراسر افندا ماب سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی و پستیبا نسی ارسروهای کمیوست فرا خواهد اسد.

DEC 31/80  
ATTN: MR. TABATABAI  
FYI, FOLLOWING SENT TODAY ---  
DEC 31/80  
TO: IRANIAN AIR FORCE  
ATTN: COL. A. LESSANI, DEPUTY MGR, PURCH AND CONTRACTS  
REF OUR REVISED PROFORMA INVOICE NO. 1/80/12 AND CONTRACT F-C1 DATED 26 DEC 80.

GENTLEMEN,  
PLS ESTAB 100 PCT IRREVOCABLE, CFMD TRANSFERABLE AND DIVISIBLE L/C AT SIGHT IN FAVOR OF WESTERN DYNAMICS INT'L, INC, THRU AMSTERDAM ROTTERDAM BANK, N.V., P.O. BOS 949, 3000 DD ROTTERDAM, HOLLAND FOR ACCT NO. 423348485 COVERING FOLLOWING-

QTY	NSN	DESCRIPT	MFG CODE	UNIT PRICE	TOTAL
200 EA 400	2620-00-052-4222	TIRE NOSE 18X5.5/14PR MAIN TIRE	25427	DLR 107.	DLR
200 EA 0.	2620-00-159-8647	TIRES NOSE 22X6.6 10/20 PR	25472	244.	48,80
200 EA 0.	2620-00-159-8648	MAIN TIRE 37X11.5 16/28 PR	25472	469.	93,80
4 EA .20	5930-00-275-7036	SENSITIVITY SWITCH	04428	283.30	1,133

TOTAL PRICE FOB PORT OF NEW YORK: DLR 145,133.20

FREIGHT DATA-  
 ITEM 1 14 LBS EA, 17X17X5 INCHES EA  
 ITEM 2 27.5 LBS EA, 21X21X6.5 INCHES EA.  
 ITEM 3 90 LBS EA, 36X36X11 INCHES EA.  
 ITEM 4 2.5 LBS EA, 2X2X2 INCHES EA.

OCEAN FREIGHT COST, PORT OF N.Y. TO LONDON - DLR 4,987.50

INSPECTION- INSPECT CHARGES BY SUPERINTENDENT CO. OF GENEVA OR OTHER INTERNATIONALLY RECOGNIZED INSPECTION CO. AT 1-1/2 PCT TO BE ADDED TO ACTUAL AMT OF L/C - DLR 2,551.81

INSURANCE - INSUR CHARGES FRM N.Y. TO LONDON AT 1.75 PCT OF TOTAL AMT OF L/C TO BE ADDED TO ACTUAL L/C AMT. --- DLR 2,977.11

TOTAL CIF LONDON, ENGLAND : DLR 175,649.62

IT IS TO BE UNDERSTOOD THAT THE GOODS WILL BE SHIPPED TO ARYA LINE AND/OR IRAN AIR IN LONDON AT YR OPTION FOR TRANSHIPMENT TO JILFA/BAZARGAN AND/OR BANDARABAS ACCORD TO YR INSTRUCTS. ANY AIRFREIGHT/TRUCKING/OCEANFREIGHT FRM LONDON TO FINAL DESTINATION TO BE BORN BY YR ORGANIZ AND BE PD DIRECTLY TO IRAN AIR AND/OR ARYA LINE ACCORD.

IN CASE YU DEEM IT NECESS, WE WOULD SHIP THE GOODS TO SCHENKERS IN LONDON OFFICE FOR FINAL TRANSHIPMENT TO TEHRAN DIRECTLY BY TRUCK OR RAIL CAPS.

REGARDS,  
WESTERN DYNAMICS INT'L, INC.

### اردوهای آوارگان و توطئه رژیم بر علیه جنگ زدگان

این روزها دیده میشود که عمال رژیم به عناوین مختلف فشار خود را بر آوارگان جنگ گسترش داده اند. قصد آنها از اعمال این فشارها وادار کردن آوارگان برای رفتن به اردوهای متلا خوا بگا ۲۵ بیشتر دستشوییها و حمامها و آشپزخانهها پیش خراب شده و سقف آنها ریخته است. با خوا بگا ۲۲ بسیار کثیف است و سایر خوابگاهها نیز کمابیش چنین وضعیتی دارند. غذا، پوشاک و کمکیها نیز کمتر شده است. در جواب همه اینها تا رسا شبها ما موران رژیم میگویند: خوزستانها کشیفند. اینها بی فرهنگ هستند و راه حل را هم عزیزمت آوارگان به اردوگاهها میدانند. اما آیا رژیم زغرسدان جنگزدگان به اردوها خیر و صلاح آنها را میخواهد و آیا اینکه طبق معمول کاهای زیرنیم کاهاش دارد؟ هموطنان جنگ زده زمانی که می بینند اردوگاه جبریت از شدت با دوبروان در وضعیتی است که بنی صدر حتی با طلبگویش نمیتواند بنشیند وقتی می بینند اردوهای جنگزدگان در شقایط دور افتاده، بسد آب و هوا، و در خا شیه شهرهای کم جمعیت برپا شده اند، وقتی رفتن ما موران رژیم را با خود دیده و می بینند... جای شکی برایشان باقی نمیماند که رژیم از اردوهای آوارگان هیچ قصد و هدفی بجز خلاص شدن از "شر" جنگزدگان، بجز دور کردن آنها از محیط های پر جمعیت بسه نحوی که صدای اعتراض آنها به گوش دیگتر زحمتکشان نرسد تا به خیال خود بتوانند صدای حق طلبان آنها را خفه سازد در سر نمیپوراند. هموطنان جنگزده فقط با اتحاد و تشکل و افشای بی امان توطئه انتقال به اردوگاههای جزگان قادر خواهید بود در مقابل رژیم مقاومت نمود و از پراکنده شدن خود جلوگیری بعمل آورید.

در جهت خنثی نمودن توطئه انتقال جنگ زدگان به اردوهای متحذانه عمل کنیم! آوارگان جنگ

هواد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - شیراز

### نگاهی به جنبش آوارگان جنگ در سراسر ایران

شویمتا مسئولین برای ماکاری گنند با بسد دست از زندگی بشویم، آنها هیچگاه برای ماکاری نخواهند کرد. تجربه ما این است: برای رسیدن به خواسته های برحقمان، باید متحدانه مبارزه کنیم. در این راه ما خواسته های خود را به شرح زیر اعلام میکنیم:

- ۱- تهیه هر چه فوری تر مسکن برای آوارگان در بیرون
- ۲- تامین ما به احتاج زندگی از خوار بار تا سوخت
- ۳- تامین بهداشت برای آوارگان (رایگان)
- ۴- پرداخت حقوق کارگران و کارمندان و معلمان خوزستانی
- ۵- شبت نامها نشی آموزان خوزستانی و تامین مخارج تحصیل آنها (رایگان)
- ۶- بدست گرفتن کلیه امور آوارگان بوسیله نمایندگان منتخب از بین خوزستانها، اتحادیه اتحاد آوارگان اتحاد شما رهرا و راه بنان، آس، آزادی مسکن، مسکن، حجت علم ما است، رسیدگی تا موقع بیکسبایی برای آوارگان پرداخت با بیدرگردد جمعی از آوارگان خوزستانی - بیرون بنقل از مریاد آوارگان کمیته خوزستان سازمان شماره ۱۲

### خطابه آوارگان مبارزه رژیم جمهوری اسلامی:

"خوب گوشها یگان را با زکندی ای گردانندگان مرتجع جمهوری اسلامی، این ندای آوارگان مستقر در اطفا ن است که شما را مورد خطاب قرار میدهد... شما که با تمام قدرت مذبحا نه در جهت با زسازی و احیای سرمایه داری و با بسد در ایران تلاش میکنید، امروز بصورت جنا جهسای مختلف جهت کسب قدرت هر چه بیشتر در حکومت با چماق بزرسیکدیگر کو بسیده و هر کدم خود را حامی مستضعفین جا میزنید، با همیالکی خود رژیم عراق جهت منحرف کردن افذا ن عمو مسی از مشکلات داخلی به مسائل بیرون مرزی جنگ بر راه انداخته اید... وقتی ما در زیر گلوله و خمپاره و خمسه خمسه مجبور به ترک خانه و گانه خود شدیم در ابتدا در شهرهای مختلف از طریق بلندگوهای تبلیغاتی به شدیدترین وجهی به شوین و آزار ما پرداختید ولی هنگامیکه ما مبارزه و عکس-

العمل هم شهریان مادرشیرا زوکرمانشا ه... روبرو شدید، یکشنبه رنگ عوض کرده و ما را "برادران و خواهران" خود خواندید. اما ما آوارگان شما را از عملکردها یگان میشنا سیم و به شما رهسا و حرفها یگان اعتماد نداریم... ما آوارگان جنگ همرا هها سا بیزحمتکشان و کارگران بتدریج به این واقعیت پی میبریم که حکومت جمهوری اسلامی، حکومت سرمایه داران است... متحذ شویم و خیا نشهای رژیم جمهوری اسلامی را به همه زحمتکشان بشناسانیم."

بنقل از ندای آواره "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - کمیته اطفا ن شماره ۵ ۱۳۵۹/۱۰/۲۴ با اندکی تلخیص.

### وضعیت آوارگان در اردوگاه جبریت

اردوگاه آوارگان در ده کیلومتری جبریت واقع شده است. چادرها در منطقه با دگبرقرار گرفته و آوارگان از این جهت هم در غذا ب هستند. ما نشندتا ما اردوگاههای دیگر، آوارگان از جهت مواد غذایی و سوختی در مضیقه هستند. کنترل پلیسی برای اردوگاهها کم است و هر ما شینی از آوارگان که به اردوگاه وارد میشود از طرف پاسداران مستقر در آنجا تفتیش و آوارگان شناسائی میشوند. رژیم وحشت خود را از تماس آوارگان با دیگر توده ها در این اردوگاه هم نشان میدهد. هر فرد غریبه ای که به اردوگاه وارد میشود با بیدر دفتر نگهبانی شناسائی شود و بعد با خل اردوگاه راه یابد. ما رژیم با همه فشارهایی که بر آوارگان زحمتکش وارد میکند نمیتواند از اجکیری مبارزات آنها جلوگیری نماید.

### نامه فرهنگیان مناطق جنگ زده به "بانهز"

اخیرا معلمین مناطق جنگزده تحت عنوان "کمیته هما هنگی منتخب معلمان جنگزده" در شیراز نامه ای به "بانهز" وزیر آموزش و پرورش نوشته و در آن درخواستهای خود را بصورت زیر مطرح کرده اند:

"سلطت شرایطی که جنگ غیر عادلانه بر مردم مناطق جنگی تحمیل نموده است و تمامی آنها را آواره شهرها کرده است، ما فرهنگیان خوزستان نیز به عنوان بخشی از این مردم، آواره شهرها گشته ایم که عده ای از ما در شیرا رسکنی گزیده ایم، و با کسبل نمایندگان خواسته های بحق زیورا به ادا رده کل آموزش و پرورش ابراز داشته ایم؛

### خواستهای برحق خود را با مبارزه بدست آوریم

ما در طی مدت چند ماه آوارگی در بدترین شرایط بسر بردیم و هر گونه توهین و رفتار سرکوب گرانه را از مسئولین دولتی دیده ایم. این مدت چند ماه نشان داد که اگر بخوا هم منتظر

## مبارزه علیه جنگ و راه اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم



### وضعیت مردم در آبادان جنگزده

شدت با بی همبهاران شهرآبادان در ۱۵/۱۵/۵۱ تا ۲۵/۱۵/۵۱، وضعیت مردم با قیامت در شهر که به نسبت آوارگان کوچک کننده بسیار کمتر هستند بحرا تب و غیم تراست. به جز نان چیز دیگری برای خوردن پیدا نمیشود چیره غذایی با زهمکا هاش یافته است بطوریکه برای هفت نفر در ماه یک کیلو سیب زمینی و سه کیلو برنج و یک کیلو روغن داده میشود. بی غذایی پیدا میکنند. مردم با قیامت در شهر بدست نارضی هستند، اکثر خانه ها مورد سرقت قرار گرفته اند، ارتشیان و پاسبانان خانه های مناطق کوی آریا و کوی کوروش و کوی - شیخ را غارت کرده اند و عرقا قیبا خانه های آتسوی رودخانه خر مشهر را چپاول نموده اند. آری این جنگ ارتجاعی برای توده های ما نیرمانند مردم عراق فقط فلاکت و بدبختی بهار میا ورد!

### پوداخت باج برای رفتن به جبهه!

هر روز که از جنگ ارتجاعی ایران و عراق میگذرد توده ها بیشتر به ما هیت رژیمهای ارتجاعی درگیر جنگ بی میبرند. توده های ارتش نیز که خود را بعنوان گوشت دم توپ سرما به داران دیده

۱- برسمیت شناختن نمایندگان شورای منتخب معلمان و عدم دخالت ارگانهای غیرمسئول  
۲- ما... خواهان پرداخت تمام حقوق و مزایای هستیم که در محل اشتغال به کار به روال شغلی قدیم باشد.  
۳- از آنجائی که ممکن است تحت شرایط فعلی از مسائل لاینحل ما بوده، لذا میتوان تعدادی از خوابگاههای دانشگاه شیراز را که اکثر خالی میباشد و یا آنها را برای ما حیوان آنها سرما به داران فراری میباشد، در اختیار جنگزدگان قرار گیرد.  
۴- انتقال به آموزش و پرورش شمسراز و تدریس به کودکان جنگزدگان.  
۵- به روال گذشته شرایطی فراهم کرد که بعنوان فرهنگیان جنگزده ما بحتاج خود را از شرکتها و تعاونی بطور اقساط خریداری نمائیم.  
اما مدیرکل آموزش و پرورش استان فارس بجای پاسخگویی به خواسته های برحق ما متوسل به شیوه های پلیسی گشته و ما زورین را جهت پراکندن جمع ما خیر میکنند. اینک فرهنگیان خوزستانی در شرایط سخت و بحرانی بسر میبرند. ما موفقیت و پیروزی معلمان جنگزده را در دست آوردن حقوقشان خواهیم.

بنقل از اعلامیه "کمیته هماهنگی منتخب معلمان جنگزده" با اندکی تلخیص و تغییر

و تا مین منافع آنها را درگروکشته شدن خویش می بینند که دیگر به هیچ قیمتی حاضر به رفتن در جبهه های جنگ ارتجاعی نمیشوند. نمونه ربرتا شدیدی برگرفته های بالاست:

دراواسط دی ماه فرماندهان مزدور سنا بر طرح فرستادن عده ای سربازان و "جوانمردان" و افسران به جبهه، باجی به مبلغ ۶ هزار تومان به هر نفر سربازان و "جوانمردان" شهر به بهیمان که حاضر نبودند به جبهه بروند قرار میدهند ما آنها با زهم حاضر به رفتن به جبهه جنگ ارتجاعی نمیشوند.

بگذار رسماً به داران خود سه جنگ ارتجاعی بروند که نمیشوند، چاره چمتکشان گوشت دم توپ شوند؟

### فریاد خود را بر علیه جنگ بلند کنیم

- جنگ غیر عادلانه کنونی برای زحمتکشان ما چاره رسانی آورده است؛
- مکشتا زحمتکشان و فرزندان نشان در زیر بمب ها و توپها و خمپاره ها،
- آوارگی یک میلیون و نیم از مردم زحمتکش ما
- تشدید سرکوب و خفقان
- مهاجرت طولانی برای نفت، روغن، قند و...
- تشدد بینگاری، گارتی، قحطی و...
- از دست دادن هست و نیست و خانه و کارخانه
- پوشیدن جیب سرما به داران و تاجران و...
- پس نا بود با این جنگ ضد مردمی و ارتجاعی!

۱- حاجی حبیب الله شفیق: علاوه بر اینکه از سرما به داران میلیونها زرتهران است با تاجر شیخ نشین ها و سعودی معاملات بزرگسی دارد. در شرکت "دژا زنو" سهام است و خانه مجلل او نیز پشت حسینیه ارشد میباشد.

### در باره برخی "تجار محترم"

۲- حاجی ابوالفضل توکلی: تا جر میلیونها قماش، زمین با زوبسا و بفرش بزرگ کسه در ساپا منبت تا هانه و با شراکت آقای هاشمی - رفسنجانی و تحریریان (صاحب کارخانه معروف خودکار ریپیک) و توسلی (سرا در شهرداری سابق) و احمد علی بابائی (سرما به دار با مصالح لیبرال و شما بنده شرکت لیبلان و دفا ایپا لپا ئسی در تهران) پولهای کلانی به جیب زد. توکلی همراه همین شرکا "محترم" شرکتی بنا مالبر جنوب نیز دارد. این یک شرکت خانه سازی و کشتا و رزی است و جالب است بدانید که پس از قیام کارگران کشتا و رزی شرکت علیه ما حیوان سرما به دار "اسلامی" قیام کرده و زمینهای را که بر روی آن جان میکنند و ما در انقلابی نمودند. توکلی در قم نیز شرکت "دژا زنو" را دارد که به همراه باران مکتبی اش زمینهای را که به ۳۰ تومان از تولید قیمت خرید به بودنده متری ۱۰۰ و بعد ۵۰۰ و با لاف به ۱۰۰۰ تومان فروختند. تنیسار قطعه ای از این زمینها منطقه ای بنام "سالابه" درست شده است منزل چند میلیون تومان نسی توکلی پشت حسینیه ارشد قرار دارد.

چندی پیش کمیته تهران سازمان ماطسی اعلامیه ای تحت عنوان "تاجران میلیونها با زار در راه بنیاد مستضعفین" چهار رتنس از مکنندگان خون زحمتکشان را افشا کرد. اینها از جمله "تجار محترم" با زار هستند که همواره از طرف آیت الله خمینی با همین صفت از آنها یاد میشود. اینها کسانی هستند که نمایندگان سیاسی شان در رژیم فعلی براریکه قدرت (در حزب جمهوری اسلامی، مجلس و دولت) سوارند و خودشان هم مشخصاً به "رتق و فتق امور" در جاهائی مانند "بنیاد مستضعفین" مشغول میباشد. ارتش کارخانه ها، مزارع، باغات و شرکتها ی تجاری اشیاء و جواهرات گران قیمت که تحت نظارت این بنیاد است سربه میلیونها تومان میزند. ما در جای دیگر لیست بیش از ۱۲۰ شرکت را که این بنیاد مالک آنها یا در آنها شریک است منتشر خواهیم کرد.

اما چهار سرما به داری که در اعلامیه مزبور مورد افشای قرار گرفته اند عبارتند از:

۱- حاجی مسعود کریمی: عمده فروش قماش، صاحب دهها میلیون تومان ثروت، صاحب سهام عمده در شرکت لبا با قاشم (واقع در جاده ورامین که ۲۰۰ کارگر را استیفا میکند) و معاون رجائی در "بنیاد مستضعفین"!

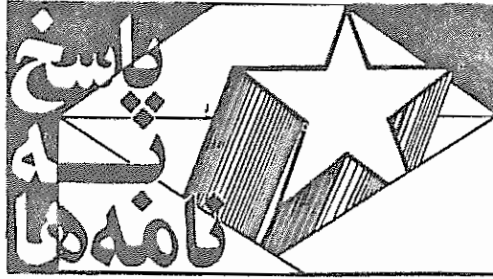
۳- جواد رفیق دوست: میدان دار معروف میدان تره بار رومیوه تهران و برادر محسن - رفیق دوست (رئیس تدارکات سپاه ساران که در قتل ۴ رهبر خلق ترکمن دست داشته و حواله ۲۰۰ میلیون تومان رفسنجانی برای خرید سلاح بنام او صادر شده بود)، این دو برادر سال ۵۴ یک قلم ۱۲ میلیون تومان برتغال از لبنان وارد کردند که پرتغالها در کشتی فاسد شد و البته این ضرر کوچک! با غارت حاصل کار کارگران و دهقانان جبران گردید. ضمناً چون ایشان در چپا ول دسترنج دهقانان و کارگران کشتا و رزی تخصص دارند مورد علاقه نخست وزیر مکتبی افسران گرفته و به ایشان سمت رئیس اداره کشتا و رزی بنیاد مستضعفین داده شده است.

۴- اکنون پس از نقل خلاصه اعلامیه مزبور یکی دیگر از تجار محترم را معرفی میکنیم:

۵- علی اصغر حاجی بابا: حدود بیست سال بقیه در صفحه ۲۰

### درباره آلترا تئو کمونیستی

رفیق ص از اصحان طی نامه‌ای انتقاد -  
آمیخته‌شده است آیا با توجه به ضرورت وحدت و اتحاد  
عمل و... برای کثرت نیدن دمکراتها به دنبال  
پرولتاریا و کسب قدرت سیاسی، سرخوردگی‌های  
سازمان که آلترا تئو خود را بجای آلترا تئو حزب تبلیغ  
میکنند، نگوشی سکتاریستی آنچنان که رفقای نبرد  
میگویند نیست؟ و بعد با ذکر جملاتی از پیغام  
سازمان به ما هدیه می گوید که ما خودمان را  
به تنهایی نیروی پیگیر جنبش کمونیستی می -  
دانیم و دلیل آن، اینست که حتی اسمی از ما سر  
نیروهای کمونیستی پسگینیا ورده ایم و گفته  
- ایم "قدرت خائنانه چریکهای فدائی اکثریت  
سازمان ما نشانه قدرت آنها ما کل جنبش  
کمونیستی ایران، با ما رکسیم- لنینیسم و  
تسلطه کارگزار است" و بعد می گوید: آیا بدین ترتیب  
ما با لایحه‌ها بین شما خرده بورژوازی نمیرسیم  
که "تنها ره‌ها می، پیوندی پیکاری!"  
رفیق عزیز! در پاسخ بدانشا قادات تو  
بدیگویشیم همانطور که از کلبه مواضع سازمانی  
ما پیدا است ما تنها خود را نیروی کمونیستی  
پیگیر نمی دانیم و هرگز جنبش ادعائی نیبر  
نکرده ایم، ما خود را جزو بخش پیگیر جنبش  
کمونیستی میدانیم و علاوه بر سازمان نیرو -  
های دیگری نیز هستند که ما آنها را علی‌رغم  
انحرافاتشان جزء این بخش بشماریم آوریم.  
اما آیا طرح ضرورت تبلیغ آلترا تئو  
سازمان، به معنی نادیده گرفتن سایر اجزای  
جنبش کمونیستی و جانشین نمودن سازمان  
بجای حزب است؟ بنظر ما چنین برداشتی بجای  
آنکه از نگوشی ما رکسیستی نشأت گرفته باشد  
ارزوا و بهای انحلال طلبانه و ایده آلیستی صورت  
میگردد، زیرا همچنانکه در جامعه خودمان نیز  
بسرای العین مشاهده میشود، امروزه تبلیغ  
کمونیسم، بصورت کلی معنی ندارد، ایدئولوژی  
کمونیسم در تشکیلات کمونیستی مختلف متبلور  
نموده است یا فته است امروزه تشکیلات گوناگون  
اعمال تشکیلات کمونیستی‌ها را پیگیر و پیگیر  
حتی رویزونیستها، خود را کمونیست میخوانند  
از اینرو طرح آلترا تئو سازمان، به معنی  
آن است که آلترا تئو کمونیستی پیگیر رزده توده‌ها تبلیغ  
سودنوده‌ها بنا شناختن تشکیلات پیگیر کمونیستی  
از جمله سازمان ما، مرز آن را با سایر جریان‌های  
مدعی کمونیسم و کمونیستهای نا پیگیر دریا بند  
در کجای انحلال طلبانه ما ننند درک نرسد سازمانها  
را از مشی و برنا مه جدا نموده و درکی انتزاعی  
ار مشی و برنا مه را نه میدهند، با پدرا بطسه  
دیالکتیک مشی و سازمان را درک نمود، تکثیر  
آلترا تئو کمونیسم، بدون آنکه توده‌ها، حیثیات  
سیاسی، نمودن توده‌ای، مشی و برنا مه معین و  
آلترا تئو تشکیلاتی معین کمونیستی را دریا بند  
بی معنا خواهد بود، بهیچوجه کافی نخواهد بود  
که ایده‌های عمومی کمونیسم تبلیغ شود علاوه بر  
آن باید مشی‌های مشخص را نیز در میان توده تبلیغ کرد  
سروا ضاح است که مشی‌های مشخص از سازمانهای معین جدا



نمی باشند، تنها یک درک ایده آلیستی و انحلال  
- طلبانه این مسئله را نمی میکنند، امروز توده  
- ها علاوه بر ایده‌های عمومی کمونیسم از طریق  
مشی یک تشکل سیاسی خاص به کمونیسم روی می-  
آورند مگر مینوا بند بطور آگاهانه کمونیسم  
آلترا تئو برای توده‌ها کشته باشد، بی آنکه  
تشکیلات سیاسی کمونیستی معینی در نزد توده‌ها  
آلترا تئو نگردد این همان درک ایده آلیستی  
و انحلال طلبانه است که رفقای نبرد دنبال  
میکنند و میگویند با تحریف نظرات ما، ما را متهم  
بدان نمایند که جنبش کمونیستی را محدود به  
خود میدانیم، چه بنظر ما اتفاقا نیروها مشی  
امثال "نبرد" تنها با چنین اشکال تراشی‌ها و  
مرز بندی‌های کاذب است که میتوانند موجودیت  
مستقل خود را توجیه نمایند اما همچنان فریاد  
وحدت طلبی سر دهند.

با رد دیگر تذکر می‌دهیم طرح آلترا تئو  
کمونیستی، تنها با طرح آلترا تئو سازمانهای  
کمونیستی امکان پذیر است، اگر چه آنها بیست  
آلترا تئو طبقا تی حزب است و حزب نیرو بدون  
وحدت کمونیستهای راستین امکان پذیر نیست  
لیکن تا تحقق وحدت نیاید از طرح آلترا تئو  
سازمانهای کمونیستی خودداری نمود، این امر  
برای طرح آلترا تئو طبقا تی (حزب) ضروری  
است از اینرو هر جریان سیاسی کمونیستی در عین حال  
که فعلا لانه با پدرا ها مر و وحدت جنبش کمونیستی  
و ایجا دستا دیرولتا ریا بکوشد لیکن هرگز  
نباید طرح آلترا تئو کمونیستی را موقوف  
به وحدت نماید کمونیستها با پدرا طرح خط مشی  
و برنا مه پیگیر و کمونیستی و معرفی و تبلیغ  
سازمان کمونیستی پیگیر خود، در برابر آلترا تئو  
کمونیستی موشربوده و راه تحقق آلترا تئو  
طبقا تی راهوار نماید، بر همین ساق مسا  
وظیفه هواداران خود میدانیم که در کجای  
انحلال طلبانه را افتا کرده و با تبلیغ خط مشی  
و برنا مه پیگیر سازمان و تبلیغ و معرفی  
سازمان در نزد توده‌ها، در برابر آلترا تئو  
کمونیستی در نزد توده‌ها با تمام قوا بکوشند.  
فکر میکنیم توضیحات فوق، روشن نموده  
باشد که ما تنها ره‌های را پیوندی کمونیستها  
و اعمال رهبری آنان بر جنبش انقلابی میدانیم  
و برای این سیاسی، پیوندی سازمان پیکار را کارگران  
وزحمکشان را، جزئی از پروتست مین رهبری  
کمونیستها میدانیم.

رفیق م - کارا ز برورد:

این رفیق طی نامه‌اش اشاره به شما یعدای

کرده که گویا پیکار رتئوریک (۲) بدلیل اختلاف  
نظر بر سر حاکمیت منتشر نگشته است. رفیق  
خواهان روشن شدن این مسئله است.  
رفیق! ما نمی دانیم این شایعات را چه  
کسانی رواج میدهند، لیکن برای اطلاع شما  
با پدیکویشیم، علت اصلی تا خیرا نشا رپیکار -  
شورویک ۲، سرخی ایها مات و اشکالات موجود  
در قطعنامه‌ها بود که اصلاح آنها ضرورت داشت و  
این تا خیر بهیچوجه بعلت اختلاف در بر خوردن  
قدرت سیاسی نمی باشد.  
پپروز با شید

رفیق ن.

این رفیق در مورد ضرورت برخورد به  
مجا هدین خلق ایران "که بزرگترین نیروی  
انقلابی جامعه ما است"، توضیحاتی داده است و  
برخورد با مجا هدین را از دوزا و به سیاسی (بسه  
"دو آلیسم" فکری آنان) مطرح ساخته است.  
لیبرالی و ایدئولوژیک (به منظور درهم تکستن  
"دو آلیسم" فکری آنان) مطرح ساخته است.

رفیق عزیز! همانطور که خود نیز ذکر کردی،  
امروزه برخورد به مجا هدین از دوزا و به سیاسی و  
ایدئولوژیک لازم است، این وظیفه جنبش  
کمونیستی ایران است که با مآرزه ایدئولوژیک  
فعال با مجا هدین، گرایشات لیبرالی آنها را  
طرد نموده، دمکراتیسم آنان را ارتقاء داده و  
این نیرو را بمشا به متحدی قابل اعتماد در صف  
انقلاب نگه‌دارد، از طرف دیگر، امروزه مجا هدین  
توده‌های وسیعی را بسوی خود تحت جذب شعارهای  
"سوسیالیستی" میکشاند، بسیاری از هواداران  
مجا هدین ساده اندیشانه میپندارند که نمایندگان  
سیاسی طبقه کارگرند! و سوسیالیست‌های واقعی  
میباشند! و پرواضح است که این تفکروا بین تلقی  
را رهبران سازمان اشاعه میدهند، آنان گاه و  
ببگاه با نقد "درک خرده بورژوازی" از اسلام  
(گویا درک پرولتری از اسلام هم وجود دارد) نهم  
متعلق به مجا هدین است! (با با نقدا پورتونیم  
راست و چپ "به هواداران خود چنین القا میکنند  
که خود را ای خط پرولتری هستند! و کمونیستها  
دچار پورتونیم راست یا چپ میباشند! بهرحال  
ما با تکثیر برای این امر که ما رکسیم- لنینیسم در  
ایران نه تنها در مبارزه علیه رویزونیسم و  
اپورتونیم قوامی یا بد بلکه همچنان در  
مبارزه علیه نا رودنیسم (سوسیالیسم خلقسی) و  
وطنی نیز قوامی یابد!

ایدئولوژی مجا هدین خلق احیای نوع  
جدیدی است که همان تفکرات خرده بورژوازی  
نار دنیکی را دنبال میکند، این ایدئولوژی  
بر آنست که ما تریالیسم تاریخی آری، ماتریالیسم  
فلسفی نه! تفکر کما کما مجا هدین با پیوندین  
ایده آلیسم و ماتریالیسم تاریخی تحت عنوان  
رثا لیسم! و خط مشی پرولتری! شعارهای تخیلی  
"پیش بسوی جامعه بی طبقه توحیدی" را دنبال  
میکنند و اقیعت اینست که مجا هدین دمکراتها می  
میباشند که خود را سوسیالیست جلوه میدهند و ار

# پیرامون جنبش زنان زحمتکش

ذهنی لازم برای بدست آوردن حقوق از دست رفته فرا هم کرد در جا که کلیه رژیمها ودولتها می کشند اینده استشما رگران و سرما بدها را ن می با شننده میخواد هندونه میشوا نندکوچکتربین ا قدا می دروا ها بیجا دز میشه مناسبت برای رها بی زنان زحمتکش از قیدقوانین ظالمانه دوران گذشته بشما بیند .

بهدین ترتیب مبارزات زنان زحمتکش میباید حول هدفهای اساسی طبقه کارگر شکل گیرد که پرچم را انقلاب تا استقرار راجا معس کومونیستی عیبها شد بدون شک کارآموزشی و آگاهانرا نه دربارهن زنان درجاسه سوسیالیستی همچنان ادامه میباید و از اینجا ست که پرولتاریا موظف است برای حرکت پیروزنده بدست جا معس سوسیالیستی و... توده زنان محرومجا معس را که به مناسبت به نیمی از ارتش آزادی بخش میباشند تحت آموزش و سازماندهی خود قراردهد تا پیروزی انقلاب قطعیت یابد .

## مبارزات زنان زحمتکش حول چه اهدافی انجام میگیرد؟

از آنجا که محل واقعی مبارزه زنان زحمتکش بانفیی مالکیت خصوصی، از بین رفتن جا معس طبقاتی ونها یتنانا بودی سرما بدها مکن پذیر است ، از آنجا که رهائی کامل زنان ستمدیده دربروتوجاسه سوسیالیستی واستقرار کومونیسیم برقرار میگردد ، از این لحاظ مبارزات زنان زحمتکش ما تا انجام انقلاب سوسیالیستی هم چنان ادامه یافته و بطور کلی دارای سمت و سوی سوسیالیستی و دسرمایه ای خواهد بود .

"جمع بندی تحلیل ما بجا ختم میشود که این دقیقاً سرمایهاست که محدودیت منطقی بر اجتماعی شدن کارخانه قرار میدهد و از این طریق موجب شرایط نابرابری زنان ودوام و بقا این شرایط میگردد ، از اینجا کاملاً روشن میگردد که مبارزه زنان برای رهائی واقعی مستلزم مبارزه ای مستقیم علیه سرمایهاست ، وجود کار خصوصی ومنفرد درخانه همراه با موقعیت پایین ترین در تولید اجتماعی ، بایه ستممادی زن را تحت نظام سرمایهداری بنسب می کند ، رهائی و برابری حقوق زن با سررد ، تنها درجاسه ای سوسیالیستی که در آن تولید برنا مریزی شده ، هنوع جدا شی بین تولید

ونبرای راتمامیاتی برای فروش کالا بکسار گرفته شدند ، در عین اینکه با هم همسایان محروم میباشند از حقوق اجتماعی برجای مانده بود بطور کلی زنان در عوام طبقاتی حکم کالارادا رسچرا که بصورت محترمانه اما در حققت در مقابل پول (مهریه وشیربها) خرید و فروش میشوند ، این امر بسوی هم در طبقات مرفه وهم بطور مشخص در طبقات زحمتکش وجود دارد .



همانطور که در سرمایهداری طبقات حاکم واستشما رگران ، از طریق قانونی نمودن بهره کشی از طبقات زحمتکش ، اختلاف طبقاتی را بصورت ابزیر بدیهی جلوه گونموده و منیما بیند ، به همان شکل نیز از بین ستم آشکاره زنان را که مربوط به دورانهای ماقبل سرمایهداری می باشد بصورت قوانین گوناگون وتضییع شده در آورده ، بدو زمین را ببله فرهنگ این ستمگری را در اندیشه وتفکر کلیه افراد جامعه (حتی خود زنان) تبلیغ وترویج نموده وآنها گریزنا پذیر جلوه گری ساخته اند .

حال با توجه به موارد بالا از بین بردن چنین تفکرواندیشه ای از ذهن توده های مردم وابسته بدو عالم ذهنی وعینی است . عالم ذهنی صارت است از تلاش و کوشش پیگیر کومونیستها در جهت توضیح ما سبت این ناسرابریها و... و عالم عینی عبارتست از نابودی عناصر است سرمایهداری ونفی مالکیت خصوصی . زنان زحمتکش همباید مردان زحمتکش به مبارزه برای استقرار "جمهوری دمکراتیک خلق" میگردانند تا پس از آن همیشه عینی و

با توجه به اینکه سازمان ما بمنزله یک سازمان مارکسیستی - لنینیستی وظیفه خود میداند که در سازماندهی و ارتقا جنبش زنان زحمتکش بمنزله نیمی از نیروی انقلاب در جامعه قدم برداشته وسهم خود را در حد توان نسبت به توده های زحمتکش ادا نماید ، از این رو فضای "کمپوزنان" تهیم گزیننده تا به جمع بندی و شور و پز نمودن مجموعه نسله ای ستمین ماهه اخیر خویش پرداخته وبا ارائه ای به سطح جنبش این زمینه را فراهم آورنده که این بحث اساسی در میان ، از مناسبت و گویای مدلسا بگردد ، زیرا به اعتقاد ما تنها از طریق جمع بندی تجربیات و گشودن بنگه جاری مبارزه به دشواریها است که میتوانیم به سوسیالی مارکسیستی - لنینیستی را در مبارزه جنبش زنان زحمتکش ، چگونگی سازماندهی آن ونقش اشان (زنان زحمتکش) در تحقق انقلاب دمکراتیک با زنده و به مناسبت با رهائی عینی سنجش کومونیستی عرضه کنیم ، از طریق این کوشش جداگانه است که هم میتوان راه رهائی کامل زنان را نمایانده و هم از نیروی این توده های محروم و ستمدیده جهت تحقق آرمان پرولتاریا بهره گیری .

با وجودیکه کار "کمپوزنان" بطور ویژه بر روی زنان خانهدار و مملکت انجام شده ولی در نهایتاً مربوط به ستم در هم میباشد ، تجارب حاصل از سازماندهی وتشریح های مملکت است که مستقیم حد اقل تا ستمدیده از فعالیت در میان زنان سوسیالیست ما دارای دو محور اساسی است :

اول : چرا بایه در میان زنان زحمتکش کار کرد ؟ دوم : با چه ابزار و روشهایی ما بدو زنان زحمتکش را متشکل نمود ؟ البته هر دو محور و دو راهی سخنهای مختلفی است که در این بحث به آنها برخورد میکنیم . برای پاسخگویی به قسمت اول استخا ضروری است که بطور مبسوطی به علت پیدایش مسئله زن بپردازیم :

زنان در ابتدا و در جاسه های سرانگی اولیسه بواسطه مناسبت در تولید اجتماعی "میلیتاریست" دارای مقام خاصی بوده و حتی در سده دور از تاریخ بصورت نقطه برجسته ای ، "نورانی مسا در سالاری" را بوجود آورده اند ، ما بجا بپردازیم مالکیت خصوصی وتقسیم جامعه به طبقات وهم چنین تقسیم اجتماعی کار و روزنی کومونیست نقش مرد در تولید ، زنان به تدریج از گردونه تولید اجتماعی بکناری گذاشته شدند (ب) ونقشی جاسه ای در پیش بردار مورخان نوانده سسه عهدشان نبوده شد .

از آن پس از حقوق برابری مردان وسایر حقوق اجتماعی محروم گشته و تنها بمنزله ابزاری برای تولید مثل ، نگهداری انقباس ، جاسه داری ونها بجا در جوامع بورژوازی به عنوان ذخیره نیروی کار و دربارها را از جهت

(ب) بورژوازی علیرغم دوره های قبل زنان را نیز در تولید و امور اجتماعی دیگر بکار کشیده وآنها را تحت ستموا استشما رقرار داده است ، لیکن این حضور در تولید و فعالیت اجتماعی بر منبیا ستم نسبت به حقوق وی بی تاثیر نیست مانده وبدلیل وجود مالکیت خصوصی و روابط استشما رگرا نه تا از این همان قوانین ظالمانه را شکل فریبنده تر بدست و پای بند میگذازند .

بقیه از صفحه ۱۷ دریا و ...  
پیش او و برادر و پدرش درخیا بان بوذرجمهری به شغل آهن فروشی مشغول بودند، آنها از طرفداران آیت الله میلانی بودند در سالهای ۴۰ میلانی بیشتر از طرف لیبرالها حمایت میشد دلالی و فروش آهن و بچیب زدن دسترنج زخمکشان هر روز بیشتر کار آنها را سکه کرد و کارخانه ای درجا ده کرج برای پرس آهن قراضه " و سپس کارخانه پارس متال را دادا برکردند.

هم اکنون علی اصغر حاجی بابا مدیرعامل کارخانه شرفا زکا روهه کارخانه پسران ناسیونال میباشد. او حدود ۷ ماه پیش حدود ۳۰ میلیون تومان از لوازم پزشکی کارخانه ایران ناسیونال دزدی میکند و ۳ ماه قبل که با اعتراض شدید کارگران بر سر مسائل صنفی روبرو میگردد رژیم حامی سرمایه داران او را در خطری بیند و ظاهراً به زندانش میاندازد و مبلغ ۱۸ میلیون تومان خمس و زکات کارخانچاش را که در دوره رژیم گذشته نبردخته بوده مطالبه میکنند. سپس برای "مصلحه" قضیه به او پیشنهاد میشود که ۹ میلیون تومان به حساب دولت بریزد و یکی از شاخص "معتبر" نیز او را ضمانت نماید علی اصغر حاجی بابا به آیت الله بهشتی پیشنهاد میکند که ضمانت او را بنمایند و بهشتی میگوید: "چون من وضع خوبی ندارم و گفته اند که من حامی سرمایه داران هستم گرا بی ضمانت را بکنم بیشتر آبرویم میریزد".

بهرحال علی اصغر حاجی بابا حدود دو هفته پیش با قید ضمانت از زندان آزاد شده است. ضمناً بدنیمت خاطر نشان کنیم که میگویند شاپور بختیار خان قبل از اینکه در زمان نخست وزیری با زرگان به خارج فرار کند سه شب در منزل برادر آقای علی اصغر حاجی بابا مخفی بوده است!

سرمایه داران چه آنها که با حزب جمهوری دمخوردند و چه آنها که همگامه لیبرالها هستند همگی از خون کارگران و زخمکشان تغذیه میکنند و فریب ترمیشوند. تنها پتکهای طبقه کارگر و پرچم حزب او است که سرمایه داران و حامیانشان را از قدرت سیاسی و اقتصادی به زیر خواهد کشید!



به نقل سرگذشت خویش برداخته بخوبی اشاره میکنند که چگونه انجمنهای زنان کارگر و روسیه را در سال ۱۹۵۳ ایجاد کردند که این خودبیا نگر وجود تشکیلات برای زنان زخمکش در مرحله انقلاب دموکراتیک میباشد.

(ادامه دارد)

زنان زخمکش را محول به مرحله انقلاب سوسیالیستی مینمایند. برای برخورد به چنین دیدگاهی بچند نقل قول میپردازیم.  
لنین در مقاله "کاریکای توری از ما رکسیسم و اکونومیسم" میریالیستی "چنین مینویسد:  
"سمکوفسکی (Semkovsky) و کیفسکی (Kievsky) هر دو، در بحث خود پیرامون مسئله طلاق، از درک مسئله عاجزند و جوهر آنرا نادیده میگیرند فی المثل، تحت نظر سرمایه داری حق طلاق، مانند کلیه حقوق دمکراتیک دیگر بدون استثناء، مشروط، مقید، محدود، صوری و مضرب الحمول است. با اینحال هیچ سوسیال دمکرات اصیلی، آن کس را که حق طلاق را نفی میکند، نه تنها دمکرات بشمار نمی آورد، چه در سوسیالیسم اصل مطلب همین جا است "دموکراسی" کلا عبارت است از اعلام و تحقق "حقوقی" که در نظر سرمایه داری تحقق آنها محدود و نسبی است. اما بدون اعلام این حقوق، بسودن مبارزه برای معرفی آنها، هم اکنون و بنابراین بی آنکه توده ها را در بر توان مبارزه آموزش دهیم، سوسیالیسم غیر ممکن است ..."

منظور ما از آوردن این نقل قول چیست؟ بدون شک وقتی لنین بخاطر اهداف دمکراتیک که سرمایه داری خود عنوان کرده اما از برآورده نمودنش خودداری میکند مبارزهای بلا فایده و در شرایط خاکمیت سرمایه داران مطرح میکند، این مبارزه بدون وجود تشکیلات تشکیلات ممکن نیست و بدون شک زنانی که با بیست تحت رژیم سرمایه داری به مبارزه برای بدست آوردن همین حقوق بپردازند باید در یک تشکیلاتی متشکل شوند و با لایحه ای که متشکل نبودن توده زنان زخمکش بحول چنین خواسته های دمکراتیکی کار مشخص در درون آنان را می طلبد و آنها پتانسیل لنین معتقد به کار مستقیم و مشخص در میان زنان در مرحله انقلاب دمکراتیک فدا میریالیستی میباشد و در این باره میگوید که "در بر توان مبارزه است که میتوان توده ها را آموزش داد و آنها را برای برپایی سوسیالیسم آماده نمود".

همچنین به نقل قولی از الکساندر کولنتای توجه کنیم:  
"... با این حال، این بدان معنا نیست که بهبودی های نسبی در زندگی زن، در چهره رچوب نظام سرمایه داری غیر ممکن است حل ریشه ای مسئله کارگران (و زنان) تنها با بازی کاملاً دیگرگونه مناسبات تولیدی نوین امکان پذیر است، اما آیا این می بایست ما را از فعالیت برای اصلاحاتی که میرمترین منافع پرولتاریا را برآورده میسازد بازدارد؟ برعکس هر توفیق تازه طبقه کارگر نشان دهنده این است که بشریت یک قدم به قلمرو آزادی و تساوی اجتماعی نزدیکتر شده است. هر چقدر که زن بدست می آورد و او را یک قدم به هدف مشخص رها بی کاملاً نزدیکتر میسازد" (تا کید و پیرا نشان از ما است)  
همچنین الکساندر کولنتای در کتابی که

شروت در کل جا معوباً از تولید نوع بشر را از میان میبرد، قابل حصول است. تنها با اتخاذ چنین موضعی، یعنی بر مبنای درک بیپروایی ناکزیرها یعنی زن سوسیالیسم است که میتوان برای دفاع از منافع زن ورهائی کمال مبارزه شود.

(کولنتای: "پایه های اجتماعی مسالهن")  
بدین جهت دیدگاهها می کشایدون شکافتن این مسائلی یعنی جنبه سوسیالیستی مبارزات زنان، فقط مبارزات زنان را در چهارچوب هدفهای دمکراتیک محدود میکنند، در حقیقت دچار یک شبه نگری میشوند چرا که با توجه به جنبه اصلی مبارزات زنان زخمکش که همانا جنبه سوسیالیستی است نمیتوان نیم جنبه دمکراتیک مبارزات زنان در این مرحله از انقلاب را نادیده گرفته و مبارزه زنان حول اهداف دمکراتیک چون حق طلاق بطور مساوی، حق قضاوت، حق ارث مساوی پسران و... را نفی کنیم. اما رها می زنمان رها می شود، اما منظور که با مالکیت خصوصی نه بند کشیده شده اند و منظور نیز با مبارزه حصول هدفهای دمکراتیک و سپس برقراری جمهوری دمکراتیک خلق، شرایط عینی ذهنی برای نفی مالکیت خصوصی ورهائی کاملاً زنانه آماده میگردد. یعنی زنان زخمکش همچون کل طبقه کارگر برای دستیابی به اهداف حداکثر خویش در مرحله انقلاب سوسیالیستی میبایست قدمهای اولیه را توسط دست یابی به برنا مه حداقل پرولتاریا بردارند و بدین جهت نیز هست که مبارزات زنان زخمکش در این دوره دارای مضمونی دمکراتیک فدا میریالیستی میباشد. چون همانطوریکه پرولتاریا می بایست برای مشکل نمودن متدینش منافع آنها را نیز در برنا مه خویش بگنجد و بدیه همین دلیل نیز در برنا مه حداقل پرولتاریا اهداف دمکراتیک جای اساسی برای خویش دارد. به همین خاطر نیز در رابطه با بسیج توده زنان که از فشار دمکرات و متحد پرولتاریا میباشد در این مرحله از انقلاب هدفهای دمکراتیک برای جنبش زنان زخمکش مطرح میشود تا بتوان زنان این اقشار را نیز بسیج کرده و زیر رهبری پرولتاریا حرکت و مبارزه بین اقشار را حول هدفهای دمکراتیک پرولتاریایی سمت و سوداند.

**آیا کار پروری زنان زخمکش و متشکل نمودن آنان مستلزم مرحله ای معین در انقلاب است؟**

در این رابطه دیدگاههای مختلفی بیان شده و میشود و اگر چه بصورت مستند آنها را در دسترس نداریم ولی به جهت وجود چنین دیدگاههایی در جامعه بجا است که به آنها برخورد نماییم:  
۱- دیدگاهی که متعقد است کارخانهای سازمان داده شده بر روی زنان می بایست پس از استقرار جمهوری دمکراتیک خلق و زمانهای انجام شود که زمینه شرکت کلیه زنان در تولید اجتماعی فراهم گشته است و در حقیقت کار متشکل بر روی

(۱) - "پایه های اجتماعی مسئله زن" کولنتای



### انقلاب خلق السالوادور، شکستی دیگر برای امپریالیسم آمریکا

"پیروزی انقلاب در سالواتوراه انقلا ب انقلابی با هیفت آزادیخواهانه مستعمرات و مالک غیرمستقل برضدا امپریالیسم جریان مینماید."

اسنلین

این حقیقتی است که پیروزی انقلاب سوسیالیستی در کشورهای امریالیستی رابطه ای لاینفک و گسست نا پذیریا رشد و پیروزی جنبشهای آزادیبخش دارد. امپریالیسم به قیمت استثمار و غارت توده های شمشدیده کشورهای تحت سلطه به حیات خود ادامه میدهد، بدون انقیاد خلقها، بدون ستمگری امپریالیستی، بدون چپاول و حشانه کشورهای مستعمره و نومستعمره نابودی امپریالیسم حتمی است، بنابراین مبارزات انقلابی خلقهای تحت ستم نقش بس عظیمی در سقوط امپریالیسم جهانخوا ر بازی میکنند. پرولتاریای کشورهای امپریالیستی بسر ای آنکه بتوانند راه پیروزی خود را بر پیروژوازی هموار نمایند با قیمت قاطعانه و بیگبراسه از مبارزات انقلابی خلقهای تحت ستم پشتیبانی کنند، پرواضح است که طبقه کارگر و توده های تحت ستم کشورهای تحت سلطه نمیتوانند از مبارزات طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی حمایت نکنند، اما مسئله اساسی اینجا است در شرایطی که مبارزات فدا امپریالیستی در جهان کنونی اوج سیاسی بقدهای یافته و ضربات ایمن مبارزات مستقیم را ارتجاع داخلی و امپریالیسم سرود میباید این امر نظام جهانی سرمایه مالسی را بسوی مرکز قطعی سوق میدهد، پرولتاریای جهانی و کمونیستها باید به پشتیبانی بیدریغ از این جنبشها بپردازند.

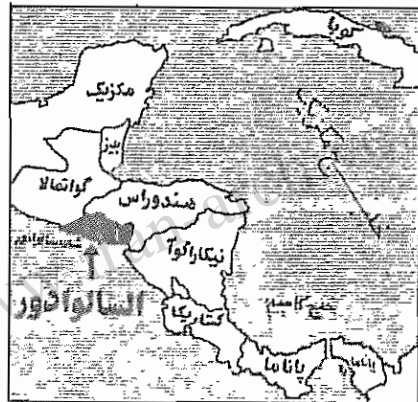
پرواضح است که کمونیستها از هر جنبش سوسیالیستی در کشورهای تحت سلطه حمایت نخواهند کرد، کمونیستها از جنبشهای حمایت خواهند کرد که در راستای منافع طبقه کارگر و خلقها بوده و اساسا به امپریالیسم و ارتجاع ضربه بزنند. جنبشهایی که تحت نفوذ بخشی از ارتجاع و امپریالیسم جهانی با شدفا قدامت مترقیانه بوده و مورد حمایت مارکسیست لنینیستها نمیباشد. براساس این دیدگاه است که ما از جنبش خلق السالوادور حمایت میکنیم، جنبشهایی که پیروز مندانند علیه امپریالیسم جهانخوا را آمریکا و مزدوران بومی اش میرزمد.

پس از سقوط رژیم نظامی - دیکتاتوری ژنرال "رومرو" در اکتبر ۱۹۷۹، اساسا حمایت امپریالیسم آمریکا و برپایه سیاست مزدوانه کارتر، ژنرال "خوزه نابلئون دوارت" به نماندگی از حزب ارتجاعی دیکرات مسیحی بر سر کار آمد، اینها را امپریالیسم تکی کوشید



### اخبار و مسائل جهانی

تا در برابر مبارزات او جکیرنده خلق السالوادور حکومتی را روی کار بیاورد تا با یکسری اصلاحات "حقوق بشری" منافع آمریکا را نجات بخشد، اما رژیم نظامی جدید نشوا نیست با برخی رفرمهای عوامفریبانه جلوی گسترش مبارزات انقلابی خلق را سد نماید، بلافاصله در مقابل دولت جدید اعتمایات کارگری اسناد بسیار باقی باقیه و در اوایلین روز اعتمایات ۵۰۰۰۰۰ کارگر صنعتی



ونوده زحمتکش شهری دست از کار کشیدند و قریب ۸۰ درصد منابع کشور را اعتمایات فرورود، این مبارزات که مشت محکمی بود بر پیروزه آمریکا و مزدوران بومی اش، دشمنان خلق را بسر آن داشت تا کماکان وحشیانه ترین سیاستها را ادا نموده و همسانند گذشته مبارزات توده ها را بخون کشند. در طی سال گذشته هزاران نفر از توده ها و انقلابیون بدست جلادان حکومتی به خاک و خون کشیده شدند و رژیمها کمپیونته مراکز تمرکز انقلابیون و توده های مبارزان مسسورد حملات تویخانه و بمباران هوایی فرار داد، اما این حملات و کشتارها در ارا ده پولادین طبقه کارگر و توده های بیچاره سالوادور نمنسی توانست خطلی وارد آورد.

توده های مبارز و درکنار آنان پارتنیژانهای مسلح همچنان مبارزات خود را گسترده ساخته و ورشکستگی رژیم نابلئون را بنام پیش گذاشتند، توده های که زیر فشار انقلا رات امپریالیستی جان میکنند، توده های که شاهد غارت تمام منافع طبیعی و انسانی کشور خود توسط امپریالیسم آمریکا و ارتجاع بومی میباشند، توده های که به اسن حقیقت انقلابی دست یافته اند

بمبیده در صفحه ۲۲

### بیان کنفرانس امپریالیستی طائف

کنفرانس ۵۹/۱۱/۹ کنفرانس اسراعی سران دول اسلامی در طائف (عربستان سعودی) با بیان گرفت، اسن کردهائی رسوا را رآن بود که توده های مبارز "کشورهای اسلامی" اسن امیدی ببندند، بلکه از ابتدا اسرا محکوم کردند، اسن کنفرانس یک ما سورونظا هرات آمریکا شی غلبه رقیبان روسی اسن و همسرا رآن جهت تحکیم موقعیت سرکوبگران امپریالیسم آمریکا علیه مبارزات خلقهای منطفه سوزنه خلق فلسطین بود.

آنچه اسرا نجام موضوع عمد اسن کنفرانس را تشکیل داد دعبارت بود از صف بندی رژیمهای کد دست نشاند امپریالیسم استبدادریکطرف و رژیمهای که در ریکاب مسکود مرسند و اسن، دیگر، اسن صف بندی با شرحی کسند خود در قطعنا مه کنفرانس بجا کدا رد و برآیند اسن، اسن شذکده نسو سال امپریالیسم سوروی سنا طرا سنا افغانستان اسما محکوم کردند و سدگری آر امپریالیسم آمریکا سنا طرحا بس اسر و سوسن سنا بیجان آمد، و هر دو سنا لبا اسرا و اسما کد دست چندبار نرئاس اسن دول مزور برای کناندر ایران به کنفرانس موقعیت آمرسو توده بدسته از کشورهای ارتجاعی منطفه که به آمریکا وابسته هستند از ایران نومید نوده و نیستند (السنه مفسران آمریکا شی نیر منقند که اسنکی اسر و اسنکی ایران سنا اردو که غر ب نومند شده بلکه در اسنطا ر نزدیکی بسسری اسن اسن

را د بمونت کار لو - مرادی آزادی کروکاسیا) این رژیمهای وابسته آمریکا دوسس را سده عهده داد اسن یکدسته در رابطه با جنگ اسرانی عراق جانب صدام حسین را داشتند (مثل - بودن وار دن) و دسته دیگر جانب ایران را داشتند

با کستان) شکی نیست که عدم سیات در اسرا ر عجز رژیم ز سرکوب جنبش انقلابی خلق ما سنا امپریالیسم آمریکا و رژیمهای دست نشاند، آنرا تهدید میکنند و برخی افدامات بسوسد ناسانه رژیم جمهوری اسلامی جهت با صلاح صدور انقلاب اسلامی "خواب خوش" این رژیمها را آشعه سنا، لذا آنها خواستار اسن هستند که "وضع ناسا ما ر کنونی" در ایران خاشه با بد آنها سمد سور آنکه بر رژیم ایران سنا ر وارد آورد اسرا با سنا کنند که دست از "صدور انقلاب اسلامی" اسن سردا ر از محکوم کردن عراق خودداری نمودند، که اسن خودا متیاری سیاسی سرای عراق بود، سنا اسن حسین علاوه سرحما بیت سیاسی، رحما بیت مساد اسن که فضل از کنفرانس همبنا وسده کسرس سنا بسببیشتری، سر خوردا رشد.

هیاتی برای میانجی گیری بین اسرا و عراق ما مورفا لیت شد که در آن اسر اسر

بمبیده در صفحه ۲۲

### تظاهرات هواداران سازمان پیکار در شیراز

روز پنجشنبه دوم بهمن ماه، رأس ساعت ۵/۵ بعد از ظهر تظاهراتی از سوی هواداران سازمان پیکار در شیراز، در خیابان زینت، مقابل سینما پریسا برگزار گردید. حدود ۴۰۰ نفر در این تظاهرات موضوعی شرکت داشتند. تظاهرات با شعار "اتحاد مبارزه، پیروزی" آغاز گردید. و با شعار دانشجوی مبارزه بهمت توده‌ها، سنگر خود را بگشا، ادامه یافته و فقط پلاکاردها را با مفاصلی "مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران"، "ارتجاعی، ارتجاعی، از قحطی و گرانای، مردم به تنگ آمدند" با خود حمل میکردند. در طول تظاهرات تعداد زیادی اعلامیه بین مردم پخش شد که با استقبال پر شور مردم روبرو گشت. مردم با عطش اعلامیه‌ها را میخواندند و سپس آنها را تا زده در جیب‌هایشان میگذاشتند تا برای دیگران بماند.

هنگامیکه صدای شعارها در فضا پلنین انداخت ارتجاع بوحشت افتاد. حدود ۲۰-۳۰ نفر فاولانژها چوب و زنجیر به تظاهرات کردند و به ضرب و شتم شرکت کنندگان پرداختند. اما مرتجعین با تمام تلاش خود نتوانستند مردم را بدین حال خود بکشند. برعکس مردم از تظاهرات استقبال خوبی کردند و برخی از آنها به صفوف ما پیوستند. چند تن از شرکت کنندگان سپس از پایان تظاهرات توسط عمال ارتجاع دستگیر شدند.

### پیکارگران در میان توده‌ها بند آگاهی می‌باشند

تهران، میدان راه آهن پنجشنبه ۱۸ دیماه بیش از ۲۰۰ نفر از هواداران سازمان پیکار در تهران آگاهی به توده‌های زحمتکش به میان آنان رفته‌اند. عصر است ولی فعالیت افشاگران پیکار در تهران سکوت هر روز را شکسته است. پخش اعلامیه، فروش پیکار، تابلوهای افشاگران، بحث‌های آگاهی بخش محیط پرشوری اینجا دگر کرده بود. زحمتکشان ما با علاقه به کسب آگاهی از پیکارهای آگاهی استقبال میکردند و نشریه و اعلامیه طلب میکردند و به گفتگو میپرداختند اما پاداران جهل و سرمایه، نگاهبان رژیم ارتجاعی سر رسیدند و وحشیانه به جوانان انقلابی یورش بردند. عده‌ای از رفقا دستگیر شدند اما راه سرخ مبارزه چون افق روشن همچنان در برابر کمونیست‌ها گشوده است پس زنده بماند پیکار توده‌ها!

و نا بودی است. تلفیق عملیات نظامی و پارتیزانی با اعتمادات عمومی سیاسی کارگران کشاورزان، کارمندان، دانشجویان و... حیثیات اقتصادی کشور را فلج ساخته و رژیم حاکم را کاملاً مستأصل نموده و او را به واردات ساخته تا با اعلام حکومت نظامی و دریا فت کمکیای نظامی جدید از آمریکا به مقابله وحشیانه تری روی آورده. امپریالیسم آمریکا نیز پس از شکست در نیکاراگوئه با تمام توان میکوشد تا رژیم مزدور شاه را نجات دهد. اخیراً وزارت امور خارجه آمریکا در اطلاعیه‌ای اعلام نمود: "ایالات متحده به منظور حمایت از دولت "خوزه فونسلون دوارت" رئیس جمهور کنونی السالوادور، معادل ۱۰ میلیون دلار کمک نظامی که شامل مقادیر سلاح، مهمات و چند فروند هلی کوپتر جدید جنگی به همراه تعداد زیادی مستشار نظامی است، به این کشور تحویل خواهد داد."

بدین ترتیب ما شده میکنیم که جنا پیکاران و شنگتن چگونه به سرکوب متحرک ز انقلاب برخاسته است. البته فراموش نباید کرد که آمریکا علاوه بر کمکیای گسترده نظامی به رژیم ناپلشنون کشتیهای جنگی خود را به سواحل السالوادور فرستاده و از رژیمهای مزدور همسایه السالوادور مانند هندوراس و گواتمالا خواسته است تا ارتشهای خود را به سرکوب توده‌ها و انقلابیون السالوادور بفرستند. در همین ارتباط در حال حاضر ارتشهای این دو کشور شهرهای مرزی که تحت کنترل انقلابیون میباشند را بمباران میسازند. اما در مقابل تمامی این جنایات و سرکوبها انقلاب خلق دلوارالسالوادور به پیش می‌تازد. لیکن فراموش نکنیم که خلق السالوادور تا پیروزی قطعی راه درازی را در پیش دارد و موانع زیادی را باید از سر بگذرانند. در حال حاضر نیروهای سازشکار میکوشند تا جنبش را به سازش بکشند و مهمتر اینکه در واقع فعلی طبقه کارگر السالوادور فاقد حزب مارکسیستی-لنینیستی خود میباشد. این ضعف اساسی جنبش خطر مهلکی را در بر دارد و آینده آنرا تهدید میکند. مبارزات طبقه کارگر توده‌های مستمندیده السالوادور سیاست "حقوق بشر" کارتر را رسوا نموده و بر امپریالیسم نیکی ضربات مهلکی فرو آورده است. این مبارزات با اتکا به قهر انقلابی ارتجاع حاکم را به سمت سقوط نهائی گشاده و توده‌های رویزیونیستی و ضد انقلابی "گذار مسالمت آمیز" خروشچنی‌ها را یکبار دیگر رسوا ساخت. این مبارزات درس دیگری بود برای خلقهای جهان و نشان داد که برای پیروزی بر دشمن باید انقلاب کرد. اما این مبارزات علیرغم تمامی این دستاوردهای گرانبها که به قیمت خون هزاران آزادیخواه به چنگ آمده، بدون رهبری طبقه کارگر نمیتوانند به پیروزی قطعی و نهائی دست یابند.

ولی فلسطینی‌ها که تلاشهای سابقشان بنحوی زنده‌های به شکست انجامیده بود هنوز قبول نکرده اند که عضو آن هیات باشند. از طرف دیگر رهبری جنبش فلسطین که بدنبال سیاست غیر انقلابی خود و عدم اتکا به نیروی انقلابی عظیم توده‌های فلسطینی میکوشد دنیا زهای جنبش (بویژه دنیا زهای فراوان مالی آن) را با نزدیکی به رژیمهای نظیر سعودی مرتفع سازد. و با از حمایت اینگونه رژیمها برخوردار باشد تا درجانه زینتهای بین المللی از "نفوذ" این رژیمها با صلاح استفاده کنند. در این کنفرانس نتوانست بنفع مساله فلسطین - ولودرظا هر دستا رودی داشته باشد. مساله فلسطین و قدس به مساله درجه چندم کنفرانس افت کرد و بیست و سه عرفات برای آنکه این رهبران دول اسلامی برای آزادی قدس در مکه با صلاح سوگند یاد کنند، مورد قبول واقع نشد. (لابد رهبری جنبش مقاومت در توجیه اقدام خود، زیر لبی به توده فلسطینی خواهد گفت، با این پیشنهاد آنها را افشا کردیم و ما هیتشان را بر ملا ساختیم!) در پایان بدنیست اما فاش کنیم که رژیم سوریه که "محرران رژیم ایران است و حافظ اسد که از با صلاح چهره‌های انقلابی پیش سران حزب جمهوری اسلامی برخوردار است چنان از نتایج کنفرانس بنفع قضیه فلسطین یاد کرده که گوشه فلسطین همین روزها آزاد میشود!

قطعا ما کنفرانس این پیشنها دستوری را تصویب کرد که یک "مندوق توسعه و عمران اسلامی" تشکیل شود که سعودی یک میلیارد دلار سهم گذاشته است. هدف از این صندوق حمایت از رژیمهای ضد خلقی و وابسته به آمریکا و سرکوب جنبشهای کمونیستی و ضد امپریالیستی است. رو بهمرفته این کنفرانس ارتجاعی یک "گل" بنفع آمریکا در دروازه نشاندا ما بدون شک توده‌ها که با زیکن اصلی و نهائی میدان اند، سرانجام آمریکا دست نشانندگان و نیز رقیبان صحت بیرون خواهد کرد. این حکم تاریخ است!

### بقیه از صفحه ۲۱ انقلاب

که برای رهائی از یوغ مرتجعین باید صلاح بدست گرفت و مسلحانه حکومت ستکران را نابود ساخت. آری، این توده‌های مصمم اند تا پیروزی را به چنگ آورده و دشمنان خود را شکست دهند. از ابتدای سال جدید میلادی و همزمان با روی کار آمدن ریگان تبهکار رنبروهای انقلابی السالوادور حملات نظامی خود را بطور بیسابقه‌ای گسترده ساخته و کارگران و سایر توده‌ها نیز به مبارزات سیاسی وسیعی پرداخته‌اند. بنحوی که در حال حاضر پنجاه شهر السالوادور در دست انقلابیون قرار داشته و رژیم حاکم در حال سقوط

# برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

برای دروغهای گوبلزیشان دلیل بیاورند .  
این دروغها از کینه طبقاتی آنان نسبت بسه  
کمونیستها و نیروهای انقلابی مایه میگردد و  
همین گویندگانش را افشا می نماید .

رژیم پایداری ادعای وقیحانه است  
دلیل بیاورد که میگوید :

کمونیستها و نیروهای انقلابی "فدا انقلاب"  
هستند!

کمونیستها و نیروهای انقلابی "امریکائی"  
هستند!

کمونیستها و نیروهای انقلابی "ساواکی -  
های" "دیروزند!

کمونیستها و نیروهای انقلابی با اختیار  
واویسی در کردستان همدستند!

کمونیستها و نیروهای انقلابی خرمسار  
روستائیان را آتش میزنند!

.....

شما از سرعزودرماندگی به بازی کردن با  
احساسات و عواطف اخلاقی توده ها پرتاخته

کردید که "قرص فدحای ملکی" و "روابط نامشروع"  
را در بین کمونیستها و انقلابیون سراغ کرده -

اید . زهی بشیرمی!

کمونیستها از سرمایه داران و دیگر نیرو -  
های ارتجاعی هرگز انتظار محبت و راستگوئی

رانندارند . منطبق مبارزه طبقاتی بین کارگران  
و سرمایه داران ، بین خلقهای تحت ستم از یک

طرف و سرمایه لیستها و عمال و همدستان آنها  
از طرف دیگر حکم میکنند که قهر انقلابی بین دو

دسته حکمفرما باشد .

ما مصممانه به افشای ارتجاع و دشمنان خلق  
ادامه خواهیم داد ، سرانجام این کارگران و

زحمتکشان هستند که آگاهانه موضوع ما را تا شید  
خواهند کرد و دشمنان خود را به زیاده ان تارخیخ

خواهند افکند و جمهوری دمکراتیک خلق را بسه  
رهبری طبقه کارگر حجت نیسل به جا مسمه

سوسیالیستی برپا خواهند داشت .

\*\*\*

بقیه از صفحه ۱۰ پرواضی \*\*\*

انقلابی هستند نه آمریکائیها! شما در انواع شکنجه -  
ها اسفاده شده اید که یکی از آنها هم شکنجه ای است که

۱/۵ میلیون آواراهین جنگ ناعادلانه زدست شما  
میباشند ، مگر "جلسه یان" خود شما در "مجلس شورای

اسلامی" تان اعتراف میکنند که بیش از ده روز سه  
هزاران تن از آنان را غذا نداده اید ، آیا اینها

شکنجه نیست؟ شما صدها نوع شکنجه دیگر را نیز که  
بصورت فقرگرائی و فلاکت نصیب میلیونها تن

از توده های زحمتکش میهن ما ست بلدید .  
لازم نیست قسم بخورید که آمریکا شیها را

شکنجه نگردا ید ، این را توده های آگاه میدانند  
آنها اینرا نیز میداندند که چرا زبان "هیسات

بررسی شایعه شکنجه "در مورد شکنجه کمونیستها و  
انقلابیون بنده امداد است و با همه وقاحت شان

هنوز جرات تکذیب آن را نیافته اند . در منطق  
شما مگر نه این است که "شکنجه ای که به انقلابیون  
میتوان داد ، برگروگانهای آمریکایی حرام است"؟

\*\*\*

# آنکه باید دلیل بیاورد آیت الله خمینی است نه ما!

حوزستان و فرمانده نیروی دریائی جمهوری  
اسلامی ، این قاتل مرزندان خلق ستمدیده  
عرب و این لیبرال آمریکائی و کانندیسپدای  
ریاست جمهوری را بطور مستند افشا کردیم .

■ - ما تیمسار شاکر رئیس ستاد مشترک  
ارتش را که در زمان شاه پست مهمی در رکن

۲ داشته و رابط بین مستشاران امریکائی و  
ارتش بوده است افشا نمودیم پس از چند مساله

بنام خان از کار برکنار رود دستگیر شد .  
ما همچنین فلاخی ، علوی مقدم و بیساری

دیگر از فرماندهان دست پرورده امریکا و شاه را  
برای خلق افشا نمودیم و این آیت الله خمینی

و دیگر سران رژیم بودند که همیشه از انسان  
دفاع می نمودند . ما رابطه با امریکا و دیگر

امپریالیستها ، خرید اسلحه در همین دوره بسه  
اصطلاح تحریم اقتضای و با اصطلاح قطع رابطه با

امریکا را با سند افشا نمودیم (پیکار ۸۷)  
ما خیا نتهای بسیاری روحانیون بزرگ

مواضع فدا انقلابی آنان طی سالهای گذشته و  
فتوهای آنان بنفع فئودالها ، سرمایه داران

و روابط نزدیک و تا شیده میزآنان با رژیم  
قاجار و پهلوی را با اسناد غیر قابل انکار افشا

کردیم .  
ما فرمان عفوسا و اکیها توسط آیت الله

خمینی را "نازست به جنا پیکاران ساواک"  
خواندیم (پیکار ۴۸ مورخه ۱۱ فروردین ۵۹) .

رژیم دافریا دیرا ه نداشت و ما را مجبور د  
اتهامات گوناگون قرار داد ولی پس از چند ماه

خود آیت الله خمینی از سرور شکستگی گفت :  
"این عفوسا و اکیها ، خلاف واقع شد"

ما بهمین ترتیب قطب زاده ، یزدی ، چمران ،  
بنی صدر ، به زرگان ، معین فرو بهشتی و رشیدانی

و اکبر پرورش و بسیاری دیگر از هردو جناح رژیم  
یعنی حزبیها و لیبرالها را افشا نموده و توده ها

را نسبت به خیا نتکاران هشیا ر نموده ایم .  
ما برای تمام حرفها و موضعگیری هاییمان

دلیل آوردیم ، ما کمونیستیم و به توده ها جسز  
حقیقت نمی گوئیم در صورتیکه این طبقات

ارتجاعی و رژیمهای فدا انقلابی هستند که نساه  
کزیر ندیده توده ها دروغ بگویند تا بشو اند سر -

گردتان سوار شوند و آنها را استخما رنمایند ،  
این آیت الله خمینی و دیگر سران رژیم

جمهوری اسلامی هستند که با پایداری آنها مسبات  
وقیحا نه خود به کمونیستها و نیروهای انقلابی ،

دلیل بیا ورتند اما آنها هرگز نخواهند توانست  
دلیل بیاورند

افشاکاری های ما و دیگر کمونیستها و نیرو -  
های انقلابی ، رژیم جمهوری اسلامی را کلافه

کرده است . "گرفتن مج مجرم در حین ارتکاب  
جرم" عوام فریبی رژیم را با رها رسوا کرده است

و سران رژیم را مجبور نموده که به برخی از خیانت  
- های که هرگز خا فربه افشایش نبودند اعتراف

کنند . مثلا در رابطه با افشاکاری های مستند ما  
آنها مجبور شده اند به پشمه ای از امثال بی -

حساب "بیت المال" را که به جیب روحانیون  
شیعه و سنی ریخته اند اعتراف نمایند و

بپذیرند که آری ۲۵۰ میلیون تومان را رفسنجانی  
از خارج اسلحه خریده است و با بسیا رموارد دیگر

که هنوز جرات اعتراف به برخی از آنها را نیافته  
- اند مثل اسناد جا بسو سخا نه امریکا و ملاقات

بهشتی با ماورین سیا ،  
آیت الله خمینی در سخنرانی ۲۹ دی ماه

خود برای مقابله با اینگونه افشاکاری ها  
میگوید :

"گروههای هستند که می خواهند یکی یکی  
اینهای که مشغول خدمت (درواقع خیانت!) (

به این مملکت هستند از نظر مردم بیاندازند و  
آنها را از ملت جدا کنند ، با ید توجه دا شته با شید

که اینها که آمدند و مطلبی را گفتند مج شمان  
را بگیرند که این آقائی که تومی گوئی فسلان

است دلیلت چیست ؟ و ببینید چه خواهد گفت .  
آن کسی که مثلا در ارتش هست فرمانده ارتش

هست اگر گفتند فلان کار کرده ام چش را بگیرند  
که دلیل شما برای من مطلب چیست ... آتوشکست

خواهید فهمید که دلیلی در کار نیست ، فقط  
تبلیغات هست که می خواهند شخصتها را بشکنند

... اشخاصی که من بیش از بیست سال است می -  
شناسم و می دانم جدا شخاصی هستند لکه در می -

کنند ... " (روزنامه جمهوری اسلامی ۵۹/۱۰/۳۰)  
ما بر اساس وظیفه انقلابی و کمونیستی ما ن

دشمنان زحمتکشان را در هر چهره ای با شنید  
افشای کنیم و تا آنجا که در توانمان باشد

کرده ایم ، سیر و قایع طی دوسال گذشته تنها  
صحت تحلیلها و موضعگیری ها و افشاکریهاسای

ما را ثابت میکند .  
■ - ما فرماندهان دست پرورده امریکا را

که طی "توطئه سازش" یک شبه "مسلمان و مردمی"  
شدند یک بیک افشا نمودیم ولی شما وقیحا نسسه

ما را بخاطر این حقیقت گوئیها "امریکائی" و  
فدا انقلابی" نامیدید اما سرانجام صحت سخنان ما

ثابت شد .  
■ - ما تیمسار باقری را در پیکار ۴۷ مورخه

پیکار ۶۴ (۱۴ خرداد ۵۸) افشا کردیم و بهزاد شوی  
پس از متجاوزان یکسال در سخنرانی شما زجمه

دا تنگنا ها اعلام کرد که او فرما بسو نر بوده است .  
■ - ما تیمسار باقری را در پیکار ۴۷ مورخه

۲۷ اسفند ۵۸ افشا کردیم و چیزی نگذشت که او  
به عنوان کسی که با سیا ارتباط داشته دستگیر

شد .  
■ - ما در شماره های متعدد پیکار ، تیمسار

سید احمد مدنی ، "دست راست امام" استا نسدان

عرو، که سبک در دستمه راهی از عقبب...  
ما سبک، ارسا عی سون، و ضد خلقی بودن رژیم  
جمهوری اسلامی و در اسی آن اصل ولایت، فقیه  
آسا رنر سورد.

رژیم که میگردد از با هیت صدا انقلابی  
رژیمی که "ولایت فقیه" استوار است سورد  
سبکی سار میبرد.

رژیم که میگردد دکارگان، دهقانان و عموم  
رحمتکسان سبکی ما بیشتر درک میکنند که آنچه  
ساطرش انقلاب کردند سبکی سدان، در اسن  
رژیم سبکی سبکی سبکی.

رژیم که میگردد رژیم سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سوده های انقلابی انجا مداد سبکی سبکی سبکی  
را که سورا زا و گرفته شده است، سبکی سبکی.

رژیم که میگردد سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی

رژیم جمهوری اسلامی تحت فشار انقلابی  
سوده های سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی

سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی

سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی

سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی

سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی

سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی

سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی

سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی

سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی  
سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی

# چماق ولایت فقیه بر سر دهقانان

ناظر اندر هر چه جمیع مالک و حضرت آیت الله العظمی آخای حاج شیخ بهاء الدین، مجلس  
مظالمه العالی راجع به طرح اصلاحات ارضی، مبره ترویج انقلاب

## بسم الله تعالی

جناب درویشترین ایران است - نزار

در این کشور که از ده سال پیش در راه اصلاحات ارضی گام برداشته است، در فصولی که  
گذشته است، ملاحظه میکنید آقای محلاتی سبکی  
استفاده از "حق ولایتی" که بر اساس قانون  
اساسی جمهوری اسلامی دارد، اجرای اصلاحات  
ارضی انقلابی را هم حرام میسازد  
و میگوید که روستا ثیان حق ندارد زایی که  
"متعلق به مالک" است حتی "وضو بگیرند".  
روستا ثیان بر اساس حکم شرع ولایت فقیه نه  
تنها حق دارد بلکه باید در زمین "مالک و  
فشودا ل" جان بکنند و عرق بریزند! ولی حسیق  
بندارند آب جوی مالک دست و صورتشان را  
بشویند!

زمینها به بیتکار دهقانان و شوراها ولایتی  
آنها در دوره قیام مویس از آن مصداق شده بود و  
رژیم زترس توده ها نتوانسته بود صدایش را در  
سبکی و در وجه سبکی برای این عمل دهقانان  
توجیه شرعی هم پیدا کرده بودند، ولی مجتهدین  
بزرگی که حق "ولایت" دارند (!) وقتی که بتدریج  
آب از آسیاب افتاد در فضا خودشان را بتفصیح  
فشودا لها و زمینداران بزرگ بلند نمودند.

بر اساس اصل ولایت فقیه این مجتهدین  
"قیم" مردم هستند و هر چه رای شان تقاضا کرد و  
تیغشان برید میتوانند اجرا نمایند.  
حاطی سلسله مقالاتی در پیکار مهر و آبان ۵۸  
ارتجاعی بودن اصل ولایت فقیه را روشن کردیم  
و آن را بمشابه قانونی که میتوان آن را به رسوم  
ملوک الطوائفی و قانون جنگل تشبیه کرد افشا  
نمودیم و گفتیم:

"... تا زه مشکل اینجاست که کار "ملکت"  
به یک "قیم" ختم نمیشود که بقول معروف بگوئیم  
"مرگ بیکار، شیون بیکار" بلکه فاجعه از اینجا  
آغاز میشود که حتی اگر قانون اساسی هم تصویب  
شود در کشور فقیه علم و رسمی هم داشته باشیم  
بر اساس همین "ولایت فقیه"، آن فقیه علم و  
رسمی و حاکم نمیتوانند جلوی فقیه دیگری را که  
نظری مخالف او دارد بگیرند و آن فقیه نمیتواند  
بر اساس تشخیص خود "حدا سلام" را اجرا کند..."

تاکنون غیر از آیت الله خمینی که در  
تقدیس مالکیت (زمین ۱۰۰۰) یعنی به تفصیح  
زمینداران بزرگ و سرمایه داران فتوا داده  
است (رجوع شود به پیکار ۷۰ دهم شهریور ۵۹  
کلیشه چند فتوای امام)، مجتهدین در حه اول

مستعدی مثل آیت الله مرعشی نجفی، آیت الله  
کلبا بکائی و آیت الله قمی به نفع زمینداران  
و علیه دهقانان و زحمتکشان فتوا داده اند.

و اینک فتوای دیگر را ملاحظه میکنید، که  
از جانب آیت الله محلاتی (بزرگترین مجتهد  
شیراز) حدود ۳ ماه پیش صادر شده است. توجه  
داشته باشید که روابط نزدیک آیت الله محلاتی  
با فئودالها و خوانین فارس زبا نزد

مردم شیراز می باشد، او به خاطر  
آنکه ادعای رهبری دارد، حاضر به تسلیم در  
برابر آقای خمینی نیست و در یکی دو سال  
گذشته تقریباً عزلت گزیده است. در فتوایی که

کلیشه آن را ملاحظه میکنید آقای محلاتی سبکی  
استفاده از "حق ولایتی" که بر اساس قانون  
اساسی جمهوری اسلامی دارد، اجرای اصلاحات  
ارضی انقلابی را هم حرام میسازد

و میگوید که روستا ثیان حق ندارد زایی که  
"متعلق به مالک" است حتی "وضو بگیرند".  
روستا ثیان بر اساس حکم شرع ولایت فقیه نه  
تنها حق دارد بلکه باید در زمین "مالک و  
فشودا ل" جان بکنند و عرق بریزند! ولی حسیق  
بندارند آب جوی مالک دست و صورتشان را  
بشویند!

سندرا بدقت بخوانید که خود گویا است!  
مرگ بر سرمایه داران و زمینداران بزرگ  
مکنده خون کارگران و دهقانان!  
برقرار با جمهوری دمکراتیک خلقی!  
ما زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹ بهمن ماه ۱۷

بقیه از صفحه ۱۸ پاسخ ۵۵۵

اینها و برابری جنبش کمونیستی ایران و پرولتاریای  
ایران زیانمند نبوده و باید مورد برخورد قرار گیرند.  
بر بستن نقش کنونی مجاهدین خلق در جامعه

و گرایش بسیاری از هوادارانشان بسوی  
سوسیالیسم با بست در عرصه یدئولوژیک نیز  
مبارزه فعالی را علیه "دولت فکری اینسان  
و علیه توهمات این سوسیالیست های "خلقی"

بر انداخت و بدین ترتیب - ل را در ایران  
غنائی بیشتر بخشیده، جنبش کمونیستی را تقویت  
نموده و به طرفداران سوسیالیسم آموخت که تنها  
پرولتاریا و نه یانگان نشان یعنی کمونیستها

هستند که میتوانند، سوسیالیسم (و سپس کمونیسم)  
را برقرار کرده و آرمانهای ولایت طبقه کارگر را  
تحقق بخشند.

با درک چنین وظیفه ای، همچنانکه از جنبش  
کمونیستی ایران خواستاریم، خود نیز در صدد  
هستیم چنین مبارزه ای را در هر دو عرصه یدئو -  
لوژیک و سیاسی به پیش ببریم، پیروز و با شید!  
با بر رفقای که برای ما نامه نوشته اند:

مرتضی - میرزا - ع - پیشمرگه - س، ب -  
د، ۳۳ - محمد، ص - با زبرورد - م، خوزستانی -  
برورد - جا ویدا هو - ز - غلام، م، سوم - دستان - ن،  
دانش آموز - م، شهر آرا - لیلک، نا هید - م، م، ار  
شرق تهران - م، ۲۴۰ - تهران - ب، د - و - م، ر.

ارتویسرکان

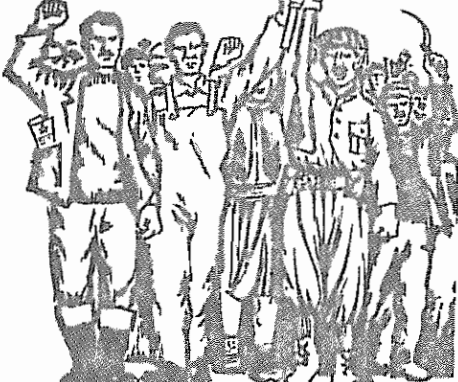


# مصاحبه "مجاهد" باقاسملو: ضربه‌ای بر جنبش انقلابی

دمکرات همان نیروی است که بطور پیوسته با عوامل بعث عراق همکاری داشته و مترصد موقعیت مناسبی است تا با اقدام خائنانانه تجزیه طلبی دست ببرند. حزب دمکرات همان نیروی است که بی‌پوسته کوشیده است از تعمیق مبارزه و مقاومت مسلحانه خلق کرد جلویگیری کرده و این جنبش را بر پایه‌ی منافع فدا انقلابی و سوزناکی خود بنا بد. آری ارکان مرکزی سازمان مجاهدین با سرکرده چنین نیروی به معاصیه نشسته و تمام اقدامات فدا انقلابی و تمام سازشکاریهای حزب دمکرات را تطهیر نموده است. مجاهدین از موضع باثبات میزنند. "تایعات" در مورد حزب را از زبان قاسملو "تکذیب" کرده و بدون هیچگونه مرزبندی با مشی سازشکارانه و فدا انقلابی حزب، عملاً به حمایت از حزب دمکرات دست زده اند. جالب است که سازمان مجاهدین در کنار همان مصاحبه در مطلب دیگری و فیجانه سه نیروهای کمونیستی فعال در کردستان بعنوان "گروههای چپ رو" حمله کرده و آنها را فرا هم کشنده "تاریخ سرکوب خشن" خلق کرد معرفی کرده و با زهمین نیروها را در کنار احسان فدائیان اکثریت قرار داده و در نتیجه آنها را به "محزوبی قدرت مداران" منتهم نموده است.

براستی چرا سازمان مجاهدین از یکسویه حمایت از حزب دمکرات برداشته و از طرف دیگر به حمله علیه کمونیستها و انقلابیون اقدام نموده است؟ برآستی چرا این سازمان از مشی سازش در برابر مشی انقلاب حمایت میکند؟ آری ایمن

## پیروزی با جنبش مقاومت خلق کرد



سازمان مجاهدین خلق ایران با طراوتی در حمله با رخلی دلور کرد شدیداً دچار انفعال بوده و به وظایف انقلابی خود در قبال این خلق ستمدیده عمل نمی کند. سازشکارها و به درستی مسورد استفا دسروهای جنبش کمونیستی فرا گرفته است. اس واقعیتی است که در طی دوره ۲ ساله حکومت سکن جمهوری اسلامی، در مقابل جنابات و کشنارهای که این رژیم نسبت به خلق کرد و نیروهای انقلابی و کمونیستی فعال در کردستان رو دادند، سازمان مجاهدین اساساً ساکوت کرده است. به عبارتی دیگر سازمان مجاهدین نه تنها به وظیفه خود جهت شرکت در جنبش مقاومت خلق کردها و بیگانه افدای نمی شود، بلکه همچنین از مبارزه با این خلق دلبر و بیشرکان انقلابی حمایت نموده است و نیز پیوسته فعالیت انقلابی کمونیستها را که فعلاً لانه در کردستان پیکار کرده اند به عنوان "چپ روی" تخطئه نموده است. این امر ناشی از کدام واقعیت بوده است؟ این امر انعکاسی از ناپیگیری طبقاتی و مشی راست روانه مجاهدین است. عدم برخورد انقلابی مجاهدین به قدرت سیاسی و ویژه مماشات طلبی با لیبرالهای خائن رابطه مستقیمی با عدم حمایت فعال از جنبش خلق کرد دارد. البته رهبری سازمان مجاهدین پیوسته این ادعا را داشته است که از مبارزه خلق کرد پشتیبانی نمی نماید، اما زمانی واقعتاً این ادعا روشن می شود که می بینیم سازمان مجاهدین تا بحال حتی یک مقاله در تائید جنبش مسلحانه خلق کرد علیه رژیم جمهوری اسلامی منتشر نکرده است، تا بحال حتی یک مقاله افتخارانه در باره جنايات سما می چنای هشتاکم ارتش و سپاه پاسداران حکومت در کردستان استشعار ندادند و تا بحال حتی یک مقاله در تائید حرکت انقلابی کمونیستها مانند کومه له و سازمان مادرچ ننموده است. آری این مماثلت اتفاقی نیست، همان طور که حمایت از نیروی سازشکاران مانند حزب دمکرات و فردی چون قاسملو اتفاقی نمی باشد.

اخیراً نشریه مجاهد شماره ۱۰۷ بدرج مصاحبه ای با قاسملو اقدام نموده است و به یکباره بر روی تمامی حرکات سازشکارانه و فدا انقلابی حزب دمکرات آب تطهیر ریخته است. حزب دمکرات همان نیروی است که سازشکارها کوشند با رژیم جمهوری اسلامی سازش کرده و منافع خلق کرد را به قیمت گرفتن امتیازاتی چند از بورژوازی فرانسوی نماید، اما زیر فشار جنبش مسلحانه خلق کرد نتوانست به چنین حمایتی عربانی دست بزند. حزب دمکرات همان نیروی است که بر اساس مشی سازشکارانه و فدا انقلابی خود با معادله انقلابی زمین های مالکان توسط دهقانان رحمنکش شدیداً مخالفت کرده و عملاً به حمایت از مالکین دست زده است. حزب دمکرات همان نیروی است که بر اساس ماهیت طبقاتی خود به خلق سلاح نیروهای انقلابی مانند کومه له سازمان ما و راهکارگرد دست زده است. حزب

مسئله اتفاقی نیست. این سیاست اپورتونیستی و راستروانه مجاهدین نشانه ما هیت مشی متزلزل و راست خاکم بر این سازمان است. این سیاست انعکاسی از سمنگبری مجاهدین بسوی سازش طبقاتی و سوزناکی است. نیروی که در مقابل کمونیستها از نیروی سوزناکی دفاع میکند. تنها نمایان طبقاتی خود را به نمایش می گذارد. سازشکارانه و فدا انقلابی است. سازمان مجاهدین خائن به سازمان مجاهدین، از این سازمان حمایت میکنیم، اما ما سوسه خود در برابر ناپیگیریها، مماشات طلبیها، و اقداماتی عمیقاً انحرافی مانند حمایت از حزب دمکرات شدیداً بمباران دست میزنیم. ما این حرکت مجاهدین را در تضاد آشکار با منافع انقلابی قلمداد نموده و آنرا محکوم می نمائیم. سازمان مجاهدین در توجیه عدم همکاری خود با نیروهای کمونیست چه بسا برای نوده های خود چنین دلیل بیجا و رد کرده ارتجاع ارائه میدهد. استفاده میکند، اما وقتی نوبت مصاحبه قاسملو پیش می آید نیت در دست در صحنه اول مجاهد درج میگردد و دیگر مسئله سوا استفاده از ارتجاع هم مطرح نیست! واقعا علت این سر خوردگیست؟ در حقیقت مجاهدین اگر به همکاری با کمونیستها دست نمی زنند در اساس خود ناشی از آنست که دارای خط مشی متزلزل و ناپیگیری و مماشات طلبی به بورژوازی میباشند. و به همین خاطر است که عدم همکاری با کمونیستها مترادف است با پشتیبانی از نیروی فدا انقلابی مانند حزب دمکرات و مماشات طلبی و سازشکاری با لیبرالهای خائن و واسطه ها. برای این علاوه بر اینکه این اقدام مجاهدین ناشی از مشی ناپیگیرانان میباشند. در عین حال در انطباق با حرکت و تاکتیک لیبرالها نیز قرار دارد. لیبرالها پیوسته کوشیده اند تا از طریق سرکوب و منزوی ساختن نیروهای انقلابی از یکسو و سازش با حزب دمکرات از سوسه دیگر جنبش خلق کرد را به شکست کشانند و به اصطلاح بطریق مسالمت آمیز در کردستان مسلح سر فرار کنند. ملاقات اخیر نمایندگان حزب دمکرات با بنی صدر در باره اجرای طرح ۶ ماده ای نیز بیان این کوشش مزورانه است (رجوع شود به انقلاب اسلامی ۹ بهمن) حال آنکه خط مجاهدین در انطباق با چنین سیاستی قرار نمیگیرد؟ آیا مجاهدین با مخالفت با نیروهای کمونیستی فعال در کردستان و با حمایت از حزب دمکرات به اهداف لیبرالها خدمت نمی کنند؟ سیر حال مجاهدین چنین هدفی را چه آگاهانه و چه نا آگاهانه دنبال کنند، نتیجه محسوم آن خدمت به بورژوازی است و بهر واضح است که این امر ضربه ای است به منافع انقلاب دمکراتیک - فدا مبر با لبستی خلقهای ما. و اضافه کنیم که حزب دمکرات به عنوان یک نیروی فدا انقلابی هرگز چنین امتیازی را کسب نکرده بود که از کانال نشریه ای مثل مجاهد رسوا بران معرفی شود. کسب وجهه نماید!

### پیکار زندانیان کمونیست و انقلابی در زندانهای جمهوری اسلامی

بنا بر این انقلابی در بند، زندانیان کمونیست و انقلابی را در محله‌های سرورمداره طنائی تبدیل کرده‌اند. زندان و محله به بیجا تحولات حال حاظر محسن کوچکرس بر لبر لسانی در راه‌های کمونیست‌ها و انقلابیون است. در ادامه سردان انقلابی بنا رسا ورده بلکه سر اسواری آنها در مبارزه و مقاومت افزوده و مبارزاند.

در سورس با زنداران در روز ۲۹ آبان سال به زندانهای زندان او سن، علاوه بر آرای زندان. ساسی انقلابی ۴۵۰ خلدگنا بنای زندان ن فتح آوری شده بود. مبارزین در سددرا عسرای در رهای درون زندان و رسیدن به حواسپهای خود در مورد آزادیهای دیگر است دست به اعتصاب اندازیدند. در اس اعتصاب غذا گلبد زندان کمونیست و انقلابی شرکت داشتند. و جانشین رو بر سوئیست "اکریتی"، "سوده‌ای" و "هواداران حاج بلورمان" (منستین از حزب دیکرات) به سپاه در اس اعتصاب غذا شرکت نکردند بلکه با "خدا ص" نام با ارباع بهمکاری ننسید و با مسوا ننسید در مبارزه انقلابیون در بند ایجاد اختلال کردند. اما انقلابیون اس سرد را اعتصاب عدای ۱۶ روزه موفق شدند بیرو بیتهای بندس آوریدار حمله بیس کرتس سما کمابها جز ۸۷ خلد که در جنگ زندان با نای است، اخصای طغه دوم بند در زندان ساسی انقلابی (الند در زندان روز سوئیست "اکریتی"، "سوده‌ای" و "دیکرات" (منستین) و صلحنا عبور اس شده‌ها هستند و سر زندان اس امنیتی بحصل شد. اسحاب سما بنده صغی ارتس زندان انقلابی (روز سوئیست های خائس سنی کرد در انتحاب نمانند با خد خلال کسند که با همسنگی و اتحاد کمونیست همسا و انقلابیون دیگر، سرمان به سنگ خورد). دسرسی به کنا سهای شوریک (ارطرسو ملائی ها)، سول مواد عدائی و جوراکی که در کسند مسموع بودو...

زندان انقلابی بحکم کردند اندکسه نعلت ثاریکی های روز سوئیستهای خائس در مبارزات انقلابیون اردان کنا که حاصل مبارزه انقلابیون بوده آن خدا انقلابیون که در زندان سردر هندی ساسی ارباع به سوطه غلبه کمونیست‌ها و شروهای انقلابی ادا مسه سدند خودداری کنند. مبارز در زندان انقلابی برای رسیدن به

### اخبار مبارزات ثوردهای

بصد حواسپهای نخی سان و ارجلند در اخبار داسی نغای کافی همچنان ادا مدارد. نعلت سندن سرکیزت سروهای اندی، مبارزین در سددرا در محله مسجد، در سدهای ۲۳ سده بریب ۱۸ و ۱۵ زندان ساسی انقلابی و روز سوئیست اسر مسرید و سددرا اربطرحسا و سهداسا با اراحی مواجده سندن. در روزهای آخردیما دکی ارزندان کمونیست و حسا با اراحی مسوولی اراوردن ترک خودداری میکنند و در سددرا عسرای زندان مبارزند با سدر مردوریدرون زندان آخده و بعضی می سددرا سددرا و یک زنی معمر من را سددرا مسرود سددرا سددرا.

در روز سددرا انقلابی خلق کدا سرود مبررحسنگان بر لسان، بر حما زردا در زندانهای جمهوری اسلامی برابر اسه نگاه داشتند!

### رژیم آلونکهای زحمتکشان بی مسکن حلبی آباد و انیزویران کرد

اخبار از حسنگان حلبی آباد با سسور س و حسا به پاداران سرما به مواجده سددکه حرات کردن سساری ارجابه‌ها سان همسراه بود. هواداران سارمان در حلبی آباد همس اعلامه‌ای سرده ارجه در مردمی حکومتگران سددرا سددرا، در سس می ارا اعلامه جس آسده است؛ "ترک به دوا" از حکومت سس و سراسا حنا ندر رسم جمهوری اسلامی مسکرد، اما هر روز که مسکرد ما سب ارباعی اس رژیم سس ارس برای رحسنگان ماروس مسود... همس دو هسه سس ما به چشم خودند. سددکه حکومت روز سسه ساعت ۹ صبح با سدداران سرما به ساطحه‌های آمریکا سنی خود سسلی آبادا مند و حابه‌های را که عددهای از رحسنگان محله ما پاکل وسک، بلوک می با حید و حسا به حرات کردند... اکنون ما دیکر بحوسی می فهمیم که عدده‌های آب اللد حسرو ساسی اس سددرا رسم ارباعی جمهوری اسلامی سددرا سس مبنی برنا مبنی سکن برای رحسنگان حقد ر عوا بر سانه و سوج بوده است. همچس می فهمیم که سارما نیا و موساب رنگارنگ رژیم همچون سسبا دسکن،

دسرحا سساری برای مسسفنس، و رارب سکن. ناک سکن و... جری سوده اند حروسا سسلی در دست رژیم سرما سدداران برای عسارب و حاول هر چند سسرن رحسنگان... اکنون که هر روز ما سب رژیم جمهوری اسلامی سسرسی مبرم برنا سسبا مسجسد و سکا رجه سددرا عسرای خود را علیه ظلم و سسلی کدا ر حنا ندر رژیم سرما مسرود سسند کرده و سسارب خود را علیه رژیم سسرس بحسم و سسبا سسک سده حواسپهای انقلابی ما کد سسکن حرضی آر آن است. سسبا در سسرابری جمهوری دیکر اسک خلق سسنی سس می که سددرا زحامتکشان در دست کارگران و رحسنگان اس قابل سسرسی حوا همدود.

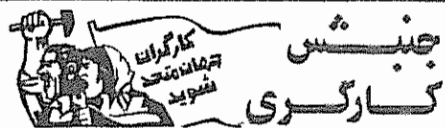
### راهپیمائی دهکده داران زحمتکش و محکوم کردن سیاست سرکوب رژیم!

سبکاری یکی از حراتهای داسی سسسم سرما به داری است و حل آن فقط در کرجا کسبت رحسنگان است. در همین ما سسرمدها سسراب سبکا ر خودداری سسکاری آسبا سسدا سسکاری بر ما سب ضد مردمی حکومت حافظ سرما به داری و اسسده است بحس ریادی اراس سبکاران برای ما سس معاس خود سسب به ابا دد کرده اند ما جمهوری اسلامی در حبت حفظ منافع سرما سسده داران به سرکوب آسان مسددرا د، سددرا سسهد سدن ۴ سس از دهکده داران در سورس و حسا سسده رژیم در سسسان ۵۹، ما با دیکر سسها هدی سسده‌ها سسب سسبا و سسرا حما محله و حسا به سس ساط دهکده داران و در سس کوسدن سسبا و سسده معاس سسسان سسسم، در ۲۷ و ۲۸ سسما سددرا سسهددهای مکرر سسزدارا را د سوو سسورس، سسها سسها به دهکده های حسان صددی ارمندان ولی عسرن حسانان طلائقی حمله کرده و آنها را حرات مسکنند. روز سسده سسسی ۵۹/۱۵/۲۹ دهکده داران رحسکن سسده سسها عسرای سددولت سرما به داری در سسزدارای مسحص مسسوند، سددرا در روز سسراب سسزدارا حدد رژیم در سسح اعسراب دهکده داران سسنی سسبکا سسندسان مسکود؛

"اس سدن مسرود سسبت، ددردی و عسارب کنند، حنا سسب کنند و... و در جواب اس عسراس دهکده داران و ساساره به سسبدها سسبدها سسبدها در سسسان و سسحانه مسکود؛" ما سسها ۴ سسراب سسرای سس سسری سسکنند، اگر هه سسراب سسره هم اسحاجع سسود، سسده سس را سسکس "حرفهای اس مردور حدم دهکده داران را سسسر کرده و آنها دست سسرها سسبانی مسرود در سسزدارای با حسان صددی سس سسرا سسنی حون: "سسزدارا،

### جنبش اعتراضی بر علیه گرانی، کمیابی و فلاکت زحمتکشان را سازمان دهیم





نقشه از صفحه ۴ نگاه می...

البته عملکردهای غلط و انحرافی کانون  
ستوانت موجب جذب ابعدده گردیده و حفا نیت  
خود را بدان ثابت کند.

### نقش کانون در کسب حقوق کارگران

عملکرد یک اتحادیه را میتوان به دو بخش  
تقسیم نمود: یکا ه در محدوده دفاع از حقوق یک یا  
جسد کارگری و حداکثر کارگران یک کارخانه  
ساقی میماند و کاه بمنظور کسب حقوق کارگران  
در سطح وسیعی، صورت میگیرد. یک بخش از عمل -  
کردهای اتحادیه جنبه تدافعی دارد و از حقوق  
کارگران در مقابل شهاجم کارفرما دفاع میکند  
بخش دیگر جنبه تعرضی و شهاجمی دارد که بستگی  
به شرایط جامعه دارد (شدت بحران، اعتسلائی  
انقلابی، موقعیت انقلابی و...) البته وظیفه  
اتحادیه است که مبارزات بخش اول را بصورت  
مبارزات نوع دوم ارتقاء دهد.

در شرایط بعد از زقیما زمینه مبارزات جمعی  
و شهاجمی طبقه کارگر وجود دارد، اما غالباً خود  
را بشکل تگ جوشایی نظیر مبارزه متشکل ۴۵  
کارخانه در گیلان در سال گذشته، بروزمی دهد  
این بخاطر توهمی است که بعد از زقیما در ذهن  
کارگران نسبت به رژیم جمهوری اسلامی بوجود  
آمده بود، اما نیروهای منزلی که جنبه  
تدافعی و عقب نشینی طبقه کارگر را عمده می -  
کنند، قادر نخواهند بود در صورت فراهم شدن  
زمینه یک حرکت شهاجمی آنرا سازمان دهند  
بمنوان مثال سال گذشته هنگامیکه مبارزات  
کارگران برای کسب سود ویژه در همه جا اوج  
گرفت، رهبری کانون که در دست نیروهای  
منزلی بود، در خواب خرگوشی فرورفته بود.  
بنا بر این عملکرد کانون را در عملکردهای  
پراکنده بخش اول میتوان خلاصه کرد که آنهم  
بصورت بی سرنام، نا پیگیرانه و مصلحت طلبانه  
بود، اگرچه در جلسات عمومی کانون با رها به  
وسيله عناصرا نقلائی مطرح میگرددیکه: کانون  
میبایست موضع فعالی نسبت به مبارزات کارگران  
در کارخانجات داشته باشد و با یدمتلا به کارگران  
اعتمادی رهنمود بدهد، با یدتجار ب کارگران  
کارخانجات مختلف یکدیگر انتقال یابد و...  
ولی هیئت مدیره محافظه کار و مصلحت جوی  
کانون به بیانه اینکه خواندگفت کانون باعث  
اعتمادت شده و آنرا تعطیل خواهند کرد! از  
زیر مسئولیت خویش شانه خالی میکرد.

بطور کلی با یدگفت که اگر چه دامنه ترکیب  
کانون بصورت منطقه ای (بجای اینکه به اتحادیه  
هایی بر حسب رشته های صنعتی تبدیل شود)  
مانع بزرگی بر سر راه پیشبرد امر مبارزه در  
کانون بود، و اگرچه تجمع کارگران در کانون

ارتباط پیدا کردن آنها با یکدیگر و دفاع بر -  
اکنده کانون از مبارزات کارگران ایجاد نشود و  
سرکت در چند حرکت اعتراضی، تا شیرات مثبتی  
بودند که کانون بر مبارزات طبقه کارگر بجا  
میگذاشت، ولی با این وجود، غلبه منفی انفعالی  
و مصلحت طلبانه بر رهبری کانون باعث شد که  
کارگران از کسب تجارب با ارزش و پیشبرد  
چشمگیر مبارزات سازمان، محروم گردند. این مسئله  
با ردیگر اهمیت نفس رهبری را در مبارزات  
طبقه کارگر، بنمایش میگذارد. و نشان میدهد که  
مبارزات این طبقه تا به آخر انقلابی اگر از  
رهبری انقلابی و واقعی خویش برخوردار نشا شد  
نتیجه ای جز شکست نخواهد داشت.

حال به بررسی عملکردهای کانون در سه  
جنبه اساسی آن میپردازیم:

### ۱- حرکت از بالا، نگرش غیرتوده ای و ناپیگیری در کارها

حرکت از بالا و در نتیجه دید غیرتوده ای، دیدگاه غالب  
بر کانون بود. عدم همکاری نمایندگان کانون بر سر تبلیغ  
اهداف کانون و ایجاد پیوند مستحکم با توده  
کارگران، موجب توده گیر شدن فعالیت کانون  
میگردید، زمانیکه نمایندگان کانون حاضر به  
همکاری با یکدیگر نمی شوند، با یدد فکر انجام  
شیوه هایی بوده که بوسیله آنها بتوان اهداف  
کانون را بمیان کارگران برد، با آنها نزدیک  
شدنشان داد که کانون یک تشکیلات خودی است  
و برای تحکیم اتحاد کارگران با یداز آن حمایت  
کرد، ماهیئت مدیره نسبت به این مسئله بی -  
توجه ماند.

ذکر یک نمونه نشان میدهد که چگونه کانون  
میتوانست در توده ها نفوذ کند: بعد از فروردین  
۵۹ مسئله تدوین قانون کار مسئله روز شده بود و  
وزارت کار برای عوامفریبی مسئله مشارکت  
کارگران در تدوین قانون کار را عنوان کرده  
بود، کانون هم این مسئله را در دستور کار قرار  
داد و برای جمع آوری نظرات و پیشنهادات  
کارگران در این مورد اقدام به تهیه و پخش فرمی  
در میان کارگران کارخانجات نمود که در ضمن  
جنبه آگاهی دهنده نیز داشت. همچنین از هر سر  
کارخانه نماینده ای انتخاب شد که پیرامون  
مسائل مربوط به قانون کار برای کارگزاران  
خود توضیح داده و مسئله را تشریح نماید. بدین -  
ترتیب ارتباط مستقیمی بین کانون و کارگران  
برقرار شد و کارگران از این عمل استقبال خوبی  
کردند، اما دیدگاه انحرافی حاکم در رهبری  
کانون قادر به درک اهمیت چنین شیوه ای نبود و  
لذا نا پیگیری خود را نشان داد. و پس از چند  
مسئله بدست فراموشی سپرده شد. این امر تا شیر  
منفی بر روی کارگران باقی گذاشت. آنها که  
با شوق و ذوق فرم را پر کرده بودند، سؤال می -  
کردند: "پس چی شد؟" و طبیعتاً بیاد کارهای  
فرما لیبستی وزارت کار میافتادند.

### ۲- کم بهادادن به مبارزات اقتصادی و دنباله روی از سیاستهای بورژوازی

اتحادیه کارگری تبلور مبارزات خودیسه -  
خودی کارگران است که همواره ارکانال مبارزه  
اقتصادی آنان میگردد، و در واقع واکنشی  
است که کارگران بر اثر فشار سرمایه داران و  
افزایش شدت استثمار، از خود نشان میدهند.  
تشکیلاتی که بدین ترتیب بوجود میاید و محور  
آن مبارزات اقتصادی است، مسائلی سیاسی  
در آنها جنبه ثانوی بخود میگیرد. البته با رشد  
مبارزه طبقاتی زمانی فرا خواهد رسید که محور  
اقتصادی به سیاسی و اشکال عالیتر مبارزه  
ارتقا یابد اما نباید اتحادیه های کارگری سولیوی  
که چند ماه پیش مسلحانه در مقابل کودتای  
آمریکائی در کشورشان، ایستادگی کردند، اما  
اوضاع کشور ما امروزه به گونه ای دیگر است.  
اولا مبارزات کارگران عمدتاً اقتصادی است  
و ثانیا مبارزات سیاسی کارگران با یدبیه  
پیروی از منشی انقلابی بوده و نباید دنباله رو  
سیاستهای بورژوازی باشد. حتی در شرایطی  
نظیر اوضاع حاکم سولیوی هم که مبارزات  
کارگران ارتقا یابد، بدون اعمال رهبری  
انقلابی مبارزات مسلحانه کارگران نمیتوانند  
به پیروزی برسند. بنا بر این بهادادن به  
مبارزات اقتصادی در شرایط مشخص ایران از  
طرفی و کارگران را به دنبال سیاستهای  
بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم انداختن  
(توسط رهبری کانون) از طرف دیگر چنان کرد  
که موجب سلب اعتماد کارگران نسبت به کانون  
از یکسو و ایجاد آشفته فکری کارگران در مورد  
مسائل سیاسی از سوی دیگر گردید. کارگزارانی  
که درک نادرست کانون از مسائل اقتصادی شان  
و بی توجهی آنرا نسبت به این مسائل می -  
دیدند، کم از دور کانون پراکنده شدند و حتی  
بسیاری از نمایندگان نیز دیگر در جلسات  
کانون شرکت نمیگردند.

### ۳- عدم وجود تشکیلات لازم و حرکت خود بخودی کانون

یکی دیگر از خصیصه های بارز کانون بی -  
برنامگی آن بود که یکی از ستایج بوجود نیاید  
وردن تشکیلات لازم برای هدایت حرکتش  
بود. با نظرا فکندن به جلسات عمومی کانون که  
جزا تلاف وقت، انجام بهشهای پراکنده و غیر  
ضروری و حسته کردن شرکت کنندگان شمری  
نداشت، بروشنی به عمق این بی برنامگی پی -  
میبریم. جلساتی که میبایست موجب جذب هر چه  
بیشتر کارگران به کانون میشدند، نتیجسه ای  
معکوس بر جای می گذاشتند، و این در حالی است  
که حتی بورژوازی در جلسات ضد کارگری خود، می -  
تواند تا حدودی کارگران نا آگاه را جذب کند.  
حال بطور خلاصه و محوری ضعفها و انحرافات حاکم بر  
کانون شوراهای شرق تهران را بیان میکنیم:  
بقیه در صفحه ۲۹



بسمه از صفحه ۳ اجتماع ۵۵۵

بعده کفیل وزارت نفت (سادات) خواهد بود. در قسمتی از قطعه‌ها چنین آمده است: "ما کارکنان جنگزده صنعت نفت آبادان و خونین شهر مستقر در شیراز با تفریق نمایندگان شورای سراسری و به نمایندگی از طرف کلیه کارکنان جنگزده مستقر در شهرهای امپهان، ماه شهر، تهران، بوشهر، اراک و... اعلام می‌داریم که تجمع یکپارچه امروز ما در آذربایجان شیراز همداری خواهد بود به شما (کفیل وزارت نفت) و سایر مسئولین که هر چه زودتر جهت آزاد نمودن همکاران زندانی ما و تحقق سایر خواسته‌های برحقمان حرکت کنید."

موارد سه گانه قطعه ما: ۱- آزادی بی قید و شرط و هر چه سریع‌تر کارکنان زندانی و رفع توقیف از سایر کارکنان جلب شده.

۲- معذرت خواهی از کارکنان جنگزده به خاطر حمله و توهین‌هایی که در این مدت به جنگزدهگان شده است.

۳- اجرای فوری و سریع خواسته‌های ۹ ماده‌ای مندرج در قطعه ما مورخ ۱۳۹۵/۹/۳۰ کارکنان مبارز!

تجمع کارکنان شیراز و نمایندگان شورای سراسری به حمایت از نمایندگان زندانی مشت محکمی بود بردها را رژیم که قصد داشت با دستگیری نمایندگان به خیال خام خود، رعب و وحشت در دل کارکنان ایجاد کرده و آنها را پراکنده سازد.

کارکنان صنعت نفت عموماً و کارکنان جنگزده آبادان و خرمشهر خصوصاً از مبارزات دو ساله گذشته در سپاه گرانمایان آموخته‌اند. آموخته‌اند که در رژیم‌های سرمایه‌داری همچون رژیم جمهوری اسلامی، هیچ سلاحی جز حرکت است. آگاهانه، متشکل، یکپارچه و سازمان یافته قادر به تحقق اهداف صنفی-سیاسی کارگران نمی‌باشند. بنا بر این همچنان که یکی از نمایندگان آگاه و بدستی اشاره کرده از آنجا که اتحاد و یکپارچگی و حرکت متشکل و سازمان یافته شما فایده آزادی نمایندگان و دست یافتن به سایر خواسته‌ها را می‌باید.

۱- با تشکیل اجتماعات هر چه مستمرتر و گسترده‌تر و افشای سیاست‌های حال و آینده رژیم در قبایل نوده‌های کارگری بویژه کارکنان جنگزده صنعت نفت در هر چه متشکل کردن و سازماندهی حرکت‌های اعتراضی تلاش کنید.

۲- در جلب حمایت شوراهای کارکنان تا غل بویژه کارکنان شاغل صنعت نفت و سایر

یک خبر از قائم شهر

قرار است ۸۵۰ نفر از کارگران کارخانه شما ره یک نساجی را بتدریج تا عید بازنشسته کنند طبق "قانون" سیاست به هر کارگری که بازنشسته می‌شود به ازای هر سال کار ۱۵ روز پاداش پانزده روز خدمت بدهند. اما رژیم قصد دارد همین "قانون" را زیر پا گذاشته و به هر کارگری فقط ۳ ماه پاداش بدهد (کارگری که ۳۰ سال کار کرده طبق قانون می‌باید ۱۵ ماه پاداش بگیرد). روز ۱۰/۲۹ حدود ۵۰ نفر را بازنشسته می‌کنند. کارگران که به تصمیم ضد کارگری رژیم اعتراض دارند مصمم هستند که در صورتیکه بخواهند طرح مذکور را اجرا کنند بر سر کار بازرگانه و از بازنشسته شدن بقیه کارگران جلوگیری کنند.

بقیه از صفحه ۲۸ نگاهی ۵۵۵

حال بطور خلاصه و محوری ضعفها و انحرافات حاکم بر کارکنان شوراهای شرق تهران را بیابان می‌کنیم:

۱- عدم شناخت رهبری کارکنان از ماهیت و وظایف اتحادیه‌های کارگری و عدم توجه به این مسئله که کارکنان اتحادیه منطقه‌ایست و می‌تواند در جهت تبدیل آن به اتحادیه‌های رشته‌ای تلاش نمود.

۲- حاکمیت دیدگاه‌های راست بر کارکنان و در نتیجه ناپیگیری، محافظه‌کاری و مملحت‌گرایی که بشکل بارزی در اعمال کارکنان خود را نشان می‌داد.

۳- دید غیرتوده‌ای و حرکت از بالا که نه تنها منجر به محروم شدن کارکنان از حمایت توده‌ها گردید، بلکه جو غیردمکراتیکی را در کارکنان بوجود آورده بود که باعث بدبینی و عدم اعتماد نمایندگان و عناصر میانی رزمنه به این تشکل میگردد (ما بتدریج کیری‌های خودسرانه و شرکت ندادن سایرین در این تصمیم‌گیریها، توسط عناصر مسلط بر کارکنان)

۴- ضعف تشکلیاتی و عدم وجود سازماندهی مناسب برای پیشبرد هر چه بیشتر امر مبارزه و بطور کلی حاکمیت بی‌سرنامگی بر کارکنان

۵- بی‌توجهی به مسائل اقتصادی و اجتماعی کارگران به دنبال روی آسایش‌های بورژوازی حاکم بر جا مع. پایان

شوراهای جنگزده در هر منطقه برای آزادی نمایندگان فعلاً تلاش نمایند.

۳- با افسا و طرد نمایندگان سازشکاری که سعی در کند کردن و بیابان خراب کشیدن مبارزات کارکنان دارند و با احزاب رزنی نمایندگان آگاه و مبارزان، در راه دی‌کالیزه کردن سوراها جهت پسگیری خواسته‌ها و در رأس آنها آزادی نمایندگان بکوشید.

(بمنقل از "فریاد آوارگان" ۱۲- کمیته جویزستان)

بقیه از صفحه ۳ کارگران ۵۵۵

۳/۵ بعد از ظهر تا ساعت ۶ بعد از ظهر می‌بایست در کارخانه باشند.

این دستور مدیریت و شورای فدکا رگسری کارخانه ما که به منظور ارتقاء صنایع و معادن هم رسیده است نشان می‌دهد که رژیم جمهوری اسلامی و عوامل آن چگونه سعی دارند با توجه به احتیاج کارگران، آنها را بیشتر استعما رکنند. بدنبال این اعلامیه تمام کارگران در ساعت ده صبح همین روز دست از کار کشیده و به مخالفت با آن بلند شویم. آنها می‌گویند ما اذیت حقوق می‌خواهیم اینها به ما اذیت‌های می‌دهند تا زنگار ما اذیت می‌کنیم زحمت می‌کنیم و حقوق خودمان را نمی‌گیریم در صورتیکه ما خواهان اذیت حقوق هستیم. حقوق ما کم است و مخارج زندگی بالاست و تا شب عید هم نزدیک است، ما خودمان هیچی، ولی باید برای بچه‌ها یمن لباس و کفش... تهیه کنیم. این حقوق ما خرج ده (۱۰) روز ما را هم کفاف نمی‌کند چه برسد به مخارج دیگر. آخر مگر ما انقلاب کردیم که اینطور بدمان برسند اگر ما از کوره در برویم هیچکس جلودار ما نخواهد شد. چند تن از کارگران می‌گفتند اگر ما اتحاد داشتیم همان روز اول حتماً را گرفته بودیم، حیثیت اتحادی بین ما نیست اما مدیریت و شورای فدکا رگسری کارخانه ما، بلافاصله دست به کار توطئه شکستن اعتصاب شدند. آنها توسط نماز جماعت ظهر که تعداد حدود صد و پنجاه نفر در آن شرکت داشتند بین کارگران نفاق انداختند آنها می‌گفتند که شما بعد از نمازتان بروید سر کارتان چونکه دولت دستور داده به هیچ وجه اذیت حقوق پرداخت نشود، و از این جور حرفها، تا اینکه بالاخره این برادران ما را قریب داده و آنها بعد از نماز به سرکار خود رفتند، گرسنه کارگران دیگر به آنها اعتراض میکردند، روز سه‌شنبه هم تعداد حدود پنجاه در صد کارگران برای اذیت‌های از ساعت ۳/۵ بعد از ظهر تا ۶ بعد از ظهر ایستادند، و متأسفانه با ردیگر عدم اتحاد تشکیل ما کارگران و ناآگاهی گروهی از میان ما، باعث شکست مبارزه برحمان شد. کمره فردا چنین نخواهد بود و بسزوی سیل خروشان کارگران، شما می‌این خائنین و دشمنان طبقه کارگر را درهم‌خواب کنید.

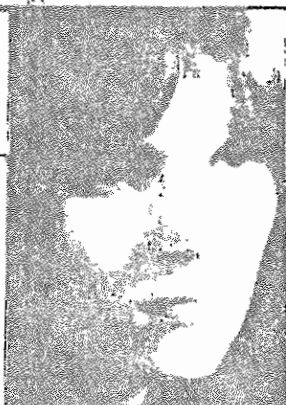
دوستان کارگران

ما کارگران کارخانه لیلان موتورز، تنها با اتحاد و تشکل خود و با آگاهی به توطئه‌های مدیریت و شورای فلابی و انجمن اسلامی که بی‌سر علیه منافع ما انجام می‌دهند، میتوانیم مقابله کنیم. شورای واقعی ایجاد باید کرد. انجمن اسلامی این چشم‌وکوش حزب جمهوری منحل باید کرد.

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران



خاطره  
رفیق شهید  
محبوبه  
متحدین  
گرامی باد!



بولندرسال ۱۳۲۸ در تهران

دانشجوی دانشکده هنرهای سرشنی

دستگیری در سال ۱۳۵۲، سلب فعالیت سیاسی

مهرنگی

پس از چها رماه آزادنده و به همراه همسر و

همروسی رفیق شهید حسن آلائیوش در آرتیا:

با سازمان مجاهدین خلق ایران فرار گرفت

سل از فعالیت درمن بحس منشعب بس

سارگسم - لنینسم دست یافت

در خانه گردیده‌ی ساواک در سال ۵۳، هشارانه

و با صداقت انقلابی در شهیها مگانات ادا

فعالیت سازمان به انجام فعالستنهائی

تشکیلاتی می پرداخت.

در روزهای بحرانی سال ۵۵ در زیر شدیدترین

فسارهای پلیسی با نلانی خستگی نا پذیر بسا

عشق به آرمانهای طفله‌گارگردور راه انقلاب

دستگارتیک فدا مهربالیستی خلقهای ایران

جانفشان میگرد.

در روز ۱۸ بهمن ۵۵ در حوالی "دروازه شمیران

در محاصره دژخسان رژیم شاه با اهدا دو با گلوله

سایه ای آمریکا ثی جلادان ساواک به شهیدان

رسد.

یادس گرامی و آرمانش خا ویدیداد!

## بفیه ۲۷ زخمگشان

دنا کها همچینن میخواستندشورای خلبه‌گری  
انرجاعی نحت سلطه خود را ناسته‌ها قلمب ارمی  
ایران جابزونندحال آنکه نوده‌های زخمگش  
ارمنی سردورونی و مفاطه‌گری این دارودسته  
از انرجاع جاکمی برده و مسدا نندکه‌ها شنا کها  
سورای خلبه‌گری، زخمگشان ارمنی را وجه  
المصالحه خود با رژیم مدخلی جاکم‌فرا دادند.  
رژیم جمهوری اسلامی نیز با بحس سرماه  
ها شی همچون برنا مه سوم ژانویه مسخوا هسد  
سوشی خود را رژیم دیکراتیک که حقوی اعلیها  
راسرعا بب میکند، جاسزندوا زسوی دیکرتسا  
انکاء با احسانات مدھی زخمگشان ارمنی  
آنها را از سوده‌های رحمگی ایران خدا کرده  
مبارات سیاسی - اصمادی مسخدا آنها نادیکر  
رحمگشان را منحرف سارد. مغلوه رژیم جمهوری  
اسلامی با نعوت دارودسته‌های ارتجاعی نظیر  
حرب‌دا سانک و سورای خلبه‌گری سه‌رکسو ب  
رحمگشان آنکاد را سلساوس ارمی سدا خسته  
است.

## کمکهای مالی دریافت شده

۴۰۰۰	۲۰۰۰	۱۰۰۰	۵۰۰۰	۳۰۰۰	۱۵۰۰
۳۰۰۰	۲۰۰۰	۱۰۰۰	۵۰۰۰	۳۰۰۰	۱۵۰۰
۲۰۰۰	۱۰۰۰	۵۰۰	۳۰۰۰	۱۵۰۰	۷۰۰
۱۰۰۰	۵۰۰	۲۰۰	۱۰۰۰	۵۰۰	۲۰۰
۵۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۵۰۰	۲۰۰	۱۰۰
۲۰۰	۱۰۰	۵۰	۲۰۰	۱۰۰	۵۰
۱۰۰	۵۰	۲۰	۱۰۰	۵۰	۲۰
۵۰	۲۰	۱۰	۵۰	۲۰	۱۰
۲۰	۱۰	۵	۲۰	۱۰	۵
۱۰	۵	۲	۱۰	۵	۲
۵	۲	۱	۵	۲	۱
۲	۱	۰	۲	۱	۰
۱	۰	۰	۱	۰	۰

۳۰۰۰	۲۰۰۰	۱۰۰۰	۵۰۰۰	۳۰۰۰	۱۵۰۰
۲۰۰۰	۱۰۰۰	۵۰۰	۳۰۰۰	۱۵۰۰	۷۰۰
۱۰۰۰	۵۰۰	۲۰۰	۱۰۰۰	۵۰۰	۲۰۰
۵۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۵۰۰	۲۰۰	۱۰۰
۲۰۰	۱۰۰	۵۰	۲۰۰	۱۰۰	۵۰
۱۰۰	۵۰	۲۰	۱۰۰	۵۰	۲۰
۵۰	۲۰	۱۰	۵۰	۲۰	۱۰
۲۰	۱۰	۵	۲۰	۱۰	۵
۱۰	۵	۲	۱۰	۵	۲
۵	۲	۱	۵	۲	۱
۲	۱	۰	۲	۱	۰
۱	۰	۰	۱	۰	۰

## توضیح و پوشش

در بیکار ۹۱، صفحه ۵ خیر مربوط به عملیات  
بیشترگان بیکار در مها با دنا شما جاب شده که  
بیشتر سبیله خیر مزبور را تکمیل میکنیم:  
"... وسلاجهای سبک صربانی برنیروهای سرکوبگر  
رژیم مدخلی وارد آورد. ارجاعات و تلفقات  
وارده بر نیروهای دتمن اطلاع دقیقی در دست  
نمست. تکامی بیشترگان با روحیه عالی و شرتار  
ار شومباراتی به سلامت سه‌با یکاه خود بازگشتند.  
تمحیح و بورس از رفقای اهواز وشرتار:  
در بیکار ۹۱ در ستون کمکهای مالی دز فول  
۱۰ کذا خرم مربوط به رفقای اهواز میباش شد شسم  
چنین ۳ کذا خرد ستون کمکهای مالی اهواز  
مربوط به رفقای شیراز میباش.  
بیشتر سبیله ضمن بورس توضیح میگردد.

## ملاحظیات کوتاه

### کاپیتولاسیون مکتبی!

تعجب نکنید، این هم بک جورش است!  
کاپیتولاسیون با حق فضا و ت کشولی، به ا تساج  
کشورهای امپریالیستی در ایران مفاقیست  
قانونی میداد بطوریکه اگر آنها جنایتی می  
کردند قانون ایران نمی توانست آنها را محاکمه  
کند. اردو را جاریه بگیر تا فبا میهمان  
کاپیتولاسیون به اشکال مختلف در آه در دوره  
رژیم کنونی هم ابتدا روحانیت برای خسود شی  
دا دگا هویزه مضمین را دا بر کرد و کاپیتولاسیون  
خاص خودش را بر آه ا تساخت. این او اخر هم دولت  
مکتبی رجائی کاپیتولاسیون ویژه خودش را در مورد  
گروگانها بر کرد. برای مثال یکی از گروگان  
- های جاسوس امریکائی "با اینکه منحصا به یک  
"جنایتنا موسی" آلوده بودو روابطنا مشروعی  
با یک دختر در هفت هه‌های اول پس ار گروگانگیری  
موجب قتل آن دختر بسبیله برادرش گردید،  
بدون مفا که و در واقع با استفاده از یک حسن  
ویژه کاپیتولاسیون، ایران را ترک نمود، گنسد  
این قضیه چنان بالا است که مفا همرگی راکه  
در این فضا نشمن میگشده ما زاردا ما بهزا دنیوی  
در برنا مه آپروریز تلویزیونی اش که پس ار اول  
گردن گروگانها، اجرا کرد در با سخ به سوال سک  
بیشتر سبیله تلویزیون که در همین رابطه سوالسی  
کرده بود، در مانده که چه بگوید نا کر بر "جهالت"  
خود را به میان کشید و گفت من اینرا ننیدانم  
در مورد دولت "نماینده مضمفقن" و فاسد  
"نوامیس امت" بزبان سعدی با بدگمت:  
تو برا وج فلک چه دانی چیست؟  
که "ندانم" که در سرا بیت کیست

### آمریکائی‌های "ناسپاس"!

الحق که این آمریکا شیبا ناساس است!  
ما کا ملا به بهزا دسوی وزیر ساوردولت جسق  
میدهم که میگوید: "آمریکا شیبا معنی محبت را  
(شم) نمی فهمند" (کشان ۵ بهمن ۵۹) آخر ناسلامی  
آنها چها رده ما در خانی چون کاخ زندگی کرده  
- اندوار هر نوع بددراشی و محبت بر خسودار  
بوده اند بطوریکه محول آفای سوی، اکر سزای  
ملت ایران چنان زندگی ای فراهم میدادلس  
مبحواست سزای همه سرگروگان دنا سبویان سرو  
حط اما مفا ند (!) آخر خرد سزای آمریکا شیبا ناسد  
ناساس با سده خدماتی سائبه دولت سدد  
امپریالیست "را ارج نکندارند. دبکر چه معاوه؟  
گروگانها راکه بس گرفتند، اموال شاه راکه  
سدا دند، پولهای خودا بران را هم که سندرعا ز شی

## <ملاحظات کوتاه>

را بیسترس بدادند و میسرا زهمه "نوبه" هم  
بکردند تا تکامل معنوی "بدا کند" (تکامل  
و ارتقاء مادی مهم نیست، مال دنیاست و سباید  
به آن دل بست! پس دیگری چه مسواهند؟

مسواهند که هرچه زودتر دولت "فدا مریا"  
لیست "روابط آسکا را آنها برقرار کنند و  
جا سوسا به راه آنها برگرداند و... واقعا که

آمریکا شپها حزبا ساس بودن عجول هم هستند  
آخرا با یک کمی صردا سها سید مکر نسیده ا بد  
که آقا ی رقت سانی گفت مردم الان قبول نمی  
کنند که ما با آمریکا رابطه برقرار کنیم. پس  
آمریکا شپها ساد مقداری "میرا نقلای" بیننده  
کنند، تا مردم ها بیوهی "فدا مریا لیستی رژیم  
و جنایات امیرا لیسم آمریکا ساد سان سرود. در

آمنوع خود رژیم جمهوری اسلامی فی الفور  
بکار خواهد شد و به بسوا از آمریکا خواهد ستافت.  
نکته: اما یک نکته بسیارسی اهمیت و کوچک  
ممکن است محاسبات رژیم جمهوری اسلامی را در  
هم بریزد و آنظار آمریکا را برای س زپس -

گرفتن سفارتش اسدی س زود آن ایستکه از سد  
شانسی رژیم جمهوری اسلامی و امیرا لیسم آمریکا  
کارگران و زحمتگهان ایران فرا موسکا ربستند  
و سرخلاف رژیم واقعاً فدا مریا لیست هستند و  
اصلاً سوخی هم حالینان نیست و از "محبت نسبت  
به امیرا لیستها هم هیچی سرشان نمیشود  
کمونستها و انقلابیون "لعنتی" هم می به آشن  
آنها دامن میزند

### پدرشان را در آوردم!

یکی از اشعه جمعه در خطه نمار سن آازا  
گروگانها س رفایت خاطر وسن س ز گفته است :  
"آئقدر آزادی گروگانها را عقب انداختیم و داغ  
ببدل کار شترگذا سیم تا سالاخره نسما عت س از  
آنکه از "کاخ سفید" خارج شد گروگانها را  
آزاد کردیم استه اما جمعه مذورا جنگی س س  
مخواست س است جنگی دل خود را به سوندا س سن  
منتقل کند ولی این قضه ملاحظه سوس را س د  
داستان س انداخ که مگوسد: مردی س رتن در  
راهی سرف را هرنا س ساه حمله کرد سدا سدا  
دا سراه سرف س کشید و او را کفید که سس  
نداری ساز را س سوس نگداری وجود س  
دزدی اموال و هگ تا موی س سدا س سوس  
رفتند. زن فرما دگشده سبی غرب حرام س س  
درنبا مد؟ مرد گفت: هس! بدرس س را در آورد  
و سس آنها س کار س س معلول سوس س حیدار  
س س را از داره سروس کداسم!



## رژیم جمهوری اسلامی و درسی که از گوبلز گرفته است!

گولوز سرتسلفات هتلر بود، اومعقد بود و دروغ را جنان س سدر سگ گفت که کسی  
س اورنگند که جنان دروغ سزرگی همی سنوان گفت و بنا چاران را س اور کسند!

رژیم س زمان برافتار ما را که طی سلسل  
در ازماساره انقلابی و آشنی تا پدید لایمطع علیسه  
امیرا لیسم آمریکا و مردوران س بیکا رگرده است  
ملائتا س سحسا بر مردور متهم میکنند ما در آن روزها س  
که سشنی و همگاه سهای حرب، یعنی لسرالیه ساسی  
خان س باختیا بر مردور شء عشق مسا خند س س ساس  
خان سهای را تدارک میدند س که تحت شطر سولسوان و  
ما موران س ساسه انتقال ساملت آیز قدرت از رژیم  
شاه به رژیم جمهوری اسلامی سنا سنا مد، فاطما نه علیسه  
هر کوه ساشی مساره مکر دم سوس سزوقی کار آمدن  
جمهوری اسلامی سرتسله داروند س س سنا رونا س  
اوسی و ارتحا سون حا کم بپوسته افتا گری و مسارزه  
کرده ام، این س از مختارات سارمان س ما س ک  
کوچکتر س لگه سنگی اسازش س دشمنان خلق سردامن  
آن ننشسته است.

سما کسوان اوجگری حنسن انقلابی و عجرونا توانی  
رژیم سدر س کو بآن، سشن فعال و پشمتا رانه سارمان س  
در اخطا خط مشی سرضی انقلابی و کمونسیتی در علیه  
رژیم س خلقی حاکم، رژیم را کلاه کرده است و اس کز سسر  
براس س ما هبت مدا نقلای خوش سهر وسله س س س سگ  
سزند و ستم و دروغ و سر کوب را سشد، س تر س و چه خود  
بکار میگیرد سنا طوی رشد جنش کمونسیتی و انقلابی  
را س کند.

رژیم س س عربه سلاشهای مذو سنا سای دست  
سزند و ارتحار س بور سوازی جنانی کمک س سگرسدی  
ارابن سارب سلسفات گولبری است، س تلینا س  
سربا به دروغ سزرگ و س سنا س که روزتا مهای رژیم  
س ملاحظ حیران "ملاقات رهبران سارمان س بیکا ر"  
سختیا رخاش دریا س س س س س س س س س (کی س س س س  
۵۹/۱۱/۵).

طفا س ارتحار عی آئقدر عقب مانده اند که مشتشان  
واشده س ران سگان اینکه چیری در آن سنا س است،  
ساره سنا س س میگذارد و سون س تر س س است که سس  
از س ملاحظ "ملاقات رهبران سارمان س مهادین سنا  
سختیا دریا س س" (چند ما س س س س س س س س س س س  
س زمان س بیکا ر در راه آزادی س س س س س س س س س س  
جمهوری اسلامی س س س س س س س س س س س س س س  
صح چیز جز س س س س س س س س س س س س س س س س  
خلق جزو سشت هوش را ارمادی کامی س کونس س  
انقلاب را آسکا ر نمیکند.

## دشمنان خلق را در هر چهره افشاء کنیم! به استقبال جنبش او جگیرنده توده ها بشتابیم! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۱۱/۶

اعلامیه شماره ۱۰۶

با سگوه سردومین سالگرد قنا س میر س من ساسی  
برای اتحاد عمل این سبروها و حتی سبروهای  
انقلابی سز سرج کمونسیتها و پلاتفرم مبرد نظر  
آنها میتوان ندیا شد. این اتحاد عمل در سنا س س  
اعتلای انقلابی و سز گبها س که در سالا از آن  
سخن گفتیم، گامی است در جهت مطرح شدن هر چه  
بیشتر آلترنا س س کمونسیتی و حرکتی است در  
جهت افتای آلترنا سبوهای ارتجای س س س  
جمهوری، لسرالیا، س سنا رها، رویزیونیستها و  
اسنای تزلزل دمکراتهای س س س س س.  
رفقا! بگوسم، سالگرد قنا س مونس س س س  
را به عالی س س س س س س س س س س س س س  
افشا و مبارزه علیه آلترنا سبوهای ارتجای س س  
فدا نقلای و اسای س س س س س س س س س س س  
تبدیل سنا سیم!

بقیه س صفحه ۲ **سرمقاله**  
مرز بندی با کراسات و جریانات س سونوستی  
در درون جنبش کمونسیتی و مبارزه جدی علیه  
رویزیونیستها، ایفا کنند، تا آنجا که س  
ملزومات عقلی س مگردد، از دیدگاه ما سنا س  
س زمانها و گروههای کمونسیتی س بیدور از هر  
گونه کراسات انحلال طلبانه و س حفظ هوبست  
س زمان س خود س فعا لیت در میان طقه و سوده ها  
بیردا خت و در چیا ر سوب اس فعا لیت س س س در  
موا رد و مفا طع مونس دست به اتحاد عملی س  
مینی سربلا سرفم س س س س س س س س س س س س س  
عمل را میتوان در آکسیون ۲۳ دی که س س س  
حستهای آلترنا س س کمونسیتی را در س س س  
آلترنا سبوهای سوده های کسیری س س س س  
سود، مثال آورد. ا س نظرا سزرگدانت هر چه

# پیگار

## آزادی کروگانها و کوس رسوائی رژیم

همانطور که هفته پیش نوشتیم با ری بسام  
مدو "انقلاب دوم" جمهوری اسلامی سرانجام  
رژیم جمهوری اسلامی سرانجام گرفته است که با  
به قول کروگان بگری جاسوسان آمریکا شش  
سلسله مراتب مردمی به خود را کرده این را  
طی یکسال کوشش با شعارهای دروغین ضد  
امپریالیستی خود چنین نموده را به انحراف  
بکشند، بسک، آنچنان را را کرده سرور اساده  
که حتی خود رژیم هم دیگر رعنی در رنده نگاه -  
داشتن مسئله سعادت از خود نشان میدهد، السه  
لیبرالها که دزاین میان نازنده هستند در  
جریان سفارت گیری تا امروز اکثر مواضع  
املی خود در قدرت را بیفیع حزبها از دست  
داده اند، در حالیکه آزادی جاسوسان حوضال  
می باشند، اما "ا متنازات" حفرانهای راکه  
بدست آمده به رخ حریف می کنند و میگویند  
اگر جاسوسان را زودتر آزاد کرده بودیم  
"ا متنازات" بیشتری بدست می آمد و متنازات  
سیاسی اقتصادی محکمتری با امپریالیستهای  
غربی می توانستیم داشته باشیم.  
لیکن حزبها که با اسکا به کروگان کسری  
طی یک روند توانسته اند موضع ملطرات در دولت  
بدست آورده و استعاده های لازم را از اس مسئله  
ببرند، میگویند: دیگر کروگان بگری به مسئله  
مردمهای تبدیل شده است و به مرده ها بدحسب  
ردا نیوی سخگوی دولت میگوید: "دولت در  
جمع سختی قرار گرفته، مسئله کروگانها را  
دولت خاصه با فتنه اس را برانگیزد نه سکه  
مسئله دیگر کردن آن، برای مصالح انقلاب کار  
در پیش نیست." (انقلاب اسلامی ۸ سپتمبر)  
آری آنچه با ری بسام مدو  
آنگار "ا متنازات" بدست آمده حصر و نا جز  
بوده که از کوف دولت حزبها اردست رفت و  
تا بر اس تبدیل نیوی و کوس ویا رده اس حف-  
ها برای مصالح دولت عکس می بیند و حزبها کاردستی  
نسا  
دروغ هککه با بوسراط های اسرائیل  
حائب امیرالسم امریکا بررند که  
امریکا نموده (۱۰) شوکت و نه بولیبای  
را با رکت داد اگر چه رژیم بعوا ریا بدست  
نمود که امیرالسم امریکا بکت بوزد و نسیم  
بصده نه هفته ۶

## یادداشتهای سیاسی هفته

انقلاب است؟ و مگر می توان این حقیقت را  
سوا ننگه اسناد جزئیها جزئی از دیکتاتور  
ظنهای اس که لیبرالهای خاشن شر جزو آن  
هستند؟ چه کسی می تواند حقنا با رژیم جمهوری  
اسلامی و سردسان عرفه در خون لیبرالها و در  
راس آن بنی مدورا فروم کند؟ مگر بنی صدر  
بیود که در سرکوب و کشتار سوده ه سناسای دلاور،  
کمونسستها و سا بران فلاسئون در کردستان، ترکمن  
صحرا و در سرا بر ایران دست داشته است؟ آری  
بنی صدر رسما می جناسات و کشتارهای رژیم  
خاشن جمهوری اسلامی شرکت داشته و هرگز  
سمی توان مدافع آزادی و دیکراسی باشد.  
بنی صدر خواهان آنست که فتنه حزب بعسر روی  
انگرا لها کاشن یابد، والا او هرگز خواهان  
آزادی برای نموده ها نمی باشد، منظور او از  
آزادی، آزادی برای لیبرالهاست، نه آزادی  
خرای توانها،  
بنی صدر در سخنرانی خود می گوید: "آن  
رژیمی که واقعا جد استضعفان باشد، خواهان  
دگرگونی اساسی نظام اجتماعی میشود، بسک،  
امنیت را و امتیاز کوچکی به مردم محروم دادن  
که فلان خنجر را در دستگیر فلان کالارا بدون  
پرداخت پول بخری کنید، سه بیچاره رستان مجانی  
بروید، اینها چیزهای نیستند که معنا پیش تقبیر  
نظام اجتماعی باشد، اینها شری مردم فربسی  
است... آنچه انقلاب ما می خواهد است  
بنیادهای اجتماعی ماست: **از جمله که در**  
در این کشور جانی برای مستکبر و مستضعفان  
بماند." (همانجا)  
ببینند عوا فربسی بنی صدر تا کجا بکت  
طبقه کارگرو بوده های آگاه ما هیچگاه فرا می  
نخواهند کرد که همین لیبرالها در ساری بسا  
امیرالسم، قسام را متوقف کرده و از سقوط  
وفروپاشی نظام منخط سرمایه داری وابسنه  
خلوگیری نمودند، کسی خواهان دگرگونی نظام  
احصای است که خواهان انقلاب و درهم شکستن  
عاشین دولتی باشد، مگر لیبرالها و از جمله  
بنی صدر نبودند که ارتحق انقلاب خلوگری  
کردند و ارتش و پلیس سا هشا هی را از زیر ضربات  
نا بودکننده خلق در امان نگه داشتند؟ مگر  
همین لیبرالها نبودند که بدافع از سستیم  
سرمایه داری بلند شدند؟ مگر همین لیبرالها  
نمودند که خراهان نزدیکترین روابط بسا  
بنفیه در صفحه ۶

## بنی صدر باید از دیکتاتوری انقلابی و نظامی داری است

سرا ایها امروز بر مواضع ضعف ترار  
مخوسد از سلسله فعال با حرسها و  
موا سر و اعمن بنی صدر، تقسیم بندی  
بر سده ها بنی صدر، در دوران در هفتصد  
سه صد جلوه روشنی ارمنا ننگه با حزبها و عوام -  
فرعنی طای سیمار ای فریب دعو و سوار  
عمر و حرس ایان بود و هی هنر که در ایراس  
سراسر ی باشن و در کت حرسها به سر قسوب  
سراسر و عقوبی دمکراسیک بنی صدر است  
کمان عوا ساری سرمایه داری کندیده  
با بسیم بنی صدر با امیرالسم است زده  
بسیار معیان خود در راه حوسنی و از طرف  
رسمی بنی صدر و آزادی برای مردم و مخالفت  
اسلامی با بنی صدر، بنی صدر این لیبرال  
با همه معکوس با طرح با رصاتی های مردم  
بخطی در با مصر و اوع فلابک سار توده ها نشان  
با همه در شت خود را در شت مردم سا جلوه دهد و  
سراسر با همه دنبال خود کند.  
بنی صدر حاشا نه دیکتاتور بنی صدر  
بسیار با "اسناد" استناد است لاین "جلوه داده و  
اسناد" را میارد "اسناد" در فاخانی  
"اسناد" در "سراسر" قرار میدهند و سس  
بسیار با "قر" و سنا هی وعف با ندگی  
بسیار با "ا" میشود: "نه عنوان رئیس جمهوری  
و" اسناد" آزادیها و "باید از استقلال می -  
سراسر از جنبه ادیبی (۸۰۷ سپتمبر)، هدف بنی صدر  
و اسناد و می کوشد با مادیت علیله  
بسیار با سوسالسم و با مخالفن با "اسناد"  
خوسا حوسا بر سراسر آزادی سان داده وتوده  
با سراندارد کلسا سوری طفاشی موجود بسه  
بسیار با سوسی خودی کسند، ولی مگر می -  
سوان اس حصف اسلامیان را یونان دکنند  
بسیار سوری، بیرو کلسا در شوروی رمان لنس و  
بمالس کلسا مرس نوع دمکراسی بود؟ مگر  
بسیار اس حصف انقلابی را یونان ندکنه  
بسیار سوری بیرو کلسا در شوروی دیکتاتور  
بسیار با به داران مرتجعین و امیرالسم  
سراسر آزادی برای کارگران و زمینکنان؟ مگر  
می سان اس حصف را یونان ندکنه اسناد در ما  
بسیار با سوسا سوسی و جمهوری اسلامی در خدمت  
امیرالسم با سواداری و سطله نموده ها و

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست